

# قدمت قصه نویسی ما بیشتر از غربی هاست



ده ساله را آغاز کردم و در بین آثار منظوم و مثنوی گشتم و در نهایت به این نتیجه رسیدم که یکی از نظرات غلط و مشهور در میان ما ایرانیان، این است که ادبیات کلاسیک فارسی، نقد و نظریه ادبی ندارد.

اگر بپذیریم شاهکارهایی که در ادب کلاسیک فارسی در قرون مختلف خلق شده اند بر اساس معیارهای زیبایی شناختی و نقد و نظریه ادبی بوده اند، باید این نقد و نظریه ها و این معیارهای زیبایی شناختی را نشان داد. من بر همین اساس بود که جست و جویی

# کتابخانه

شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۸  
۲۲ رمضان ۱۲۰۱۴۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۸، پیاپی ۸۴۹  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست  
www.ketabehafteh.ir



«» هیوبرت سلبی  
و نخستین ترجمه  
فارسی از آثارش  
۲۳



«» لالایی  
بیانگر نیازهای  
کودکی است  
۱۵



«» ضرورت توجه  
ویژه به نگهداری  
نسخ خطی  
۱۰

## وزیر ارشاد در حاشیه بازدید از نمایشگاه قرآن:

### جوانان حضور فعال تری در عرصه فرهنگ داشته باشند

متعددی در این زمینه وجود داشته که در آینده نیز با تنوع بخشیدن به این برنامه ها و توجه بیشتر به مسائل جوانان، شاهد حضور فعال تر نسل جوان در این عرصه خواهیم بود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید خود از هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم از تازه ترین آثار منتشر شده علوم قرآنی، از جمله منشور توسعه فرهنگ قرآن، نخستین سند جامع راهبردی امور قرآنی کشور، «ترجمه قرآن کریم» به قلم آیت الله رسولی محلاتی و ترجمه قرآن کریم به زبان ترکی با برگردان حجت الاسلام مرتضی ترابی رونمایی کرد. وی در این بازدید بر اهتمام جدی وزارت ارشاد در دولت دهم به مباحث قرآنی، تاکید کرد. حسینی با اشاره به برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در محل مصلاهی امام خمینی (ره) یادآور شد: «این محل در حال حاضر بهترین گزینه برای برگزاری نمایشگاه کتاب است و تاقفتن محل دیگری برای برگزاری نمایشگاه کتاب، تنها مکان موجود و مناسب به شمار می آید البته مشروط به این که اصلاحاتی از جمله تامین مناسب وسایل تهویه مطبوع و امکانات گرمایشی و سرمایشی در آن صورت گیرد.» وی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره نمایشگاه قرآن گفت: «اقدامات موثری که در حوزه های مختلف انجام شده و حضور قشرهای مختلف مردم، نشانگر رضایت بیشتر از نمایشگاه قرآن امسال نسبت به سال های گذشته است.»



سید محمد حسینی وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به لزوم پیگیری جدی برنامه های حوزه کتاب، بر ضرورت حضور فعال تر نسل جوان در عرصه فرهنگ تاکید کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم این سخنان را در سومین روز کاری خود (شانزدهم شهریور) در حاشیه بازدید از نمایشگاه بین المللی قرآن کریم عنوان کرد. وی پس از مراسم معارفه اش در چهاردهم شهریور با حضور رئیس جمهور و جمعی از مسوولان کشوری، روز بعد دفتر کار خود را در این وزارتخانه رسماً تحویل گرفت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در مراسم معارفه اش ابراز امیدواری کرده بود تا مشکلات عرصه فرهنگ را با کمک همکارانش در وزارت ارشاد برطرف کند، در حاشیه بازدید از نمایشگاه

قرآن نیز درباره برنامه های حوزه کتاب اظهار داشت: «علاوه بر استمرار فعالیت های قبلی در حوزه کتاب و ادامه آنها بر اساس روال سال گذشته، برنامه های تازه ای را نیز به آنها اضافه خواهیم کرد.» وی تاکید کرد: «تمامی بخش های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با جدیت و قدرت برنامه های پیش بینی شده را اجرا خواهند کرد و تغییر وزیر موجب وقفه در این فعالیت ها نخواهد شد.» حسینی درباره ضرورت حضور جوانان در عرصه های فرهنگی، اظهار داشت: «برنامه های مفصلی برای جوانان در حوزه های مختلف و به ویژه حوزه قرآنی پیش بینی کرده ایم، البته تاکنون برنامه های

## سراغاز

### رفی کتاب و شاخه گلی

کتاب را کنار تمام چیزهای دیگر زندگی می توان دید و می توان ندید. اگر ببینی، آن را جایی گذاشته ای که هر چیز دیگر را می گذاری که شاید بهترین جا نباشد. اگر نبینی، شاید در شلوغی روزمرگی، جایی اصلاً برایش پیدانکنی که بگذاری اش. شاید دلیل این کم کم سراغ کتاب می رویم همین باشد که فی الذات برایش جایگاهی قائلیم مقدس؛ و نمی خواهیم و دوست نداریم جایی ببینیمش که چیزی از روزمرگی هایمان کنارش جا خوش کرده. شاید برای همین بود که رفی در خانه های قدیمی مخصوص کتاب های سرنوشت آدم ها بود؛ قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مفاطیح و حافظ و شاید شاهنامه و مثنوی و دیوان کبیر؛ و بیشتر مردم کنار اینها چیزی نمی گذاشتند و اگر می گذاشتند، بیش از گلدانی نبود با چند شاخ گل؛ که صمیمیت و سادگی و بدویت حیات نباتی، نسبتی داشته باشد با کلامی که شأن خود را از اتصال به سرچشمه عتیق و قدیم و حی یا الهام می گیرد. پس کتاب را کنار همه چیز ببینیم یا جدای همه چیز؛ شاید رفی بالا ببریم از دیوار و کنارش، شاخه گلی ببینیم.

۲

- برگزاری ۲۲ نمایشگاه استانی کتاب تا پایان امسال
- مراسم روز شعر ۱۳ مهر برگزار می شود

۳

- اشعار بیدل با خط بیدل منتشر شد
- کوئتزی در میان نامزدهای نهایی «بوکر» ۲۰۰۹

۴

- از مولانا تا بلیک در پلاک ۲

یک انسان هنری و فرهنگی وظیفه سنگین و خطیر بازگویی حقیقت و «تبیین و تبلیغ» را بر عهده دارد و باید برای درک حقیقت، تلاش و مجاهدت کند. چرا که در حوادث فتنه گون، شناخت عرصه و اطراف آن و تشخیص «مهاجم و مدافع» و «دوست و دشمن» دشوار است.

بیانات مقام معظم رهبری  
در دیدار شاعران و اهالی فرهنگی ۱۳۸۸/۶/۱۴

## آثار راه یافته

### به مرحله نهایی جایزه گام اول



۳۸ اثر از نویسندگان نوقلم به مرحله نهایی داوری سومین جایزه گام اول راه یافتند. از این تعداد، ۶ اثر در بخش شعر بزرگسال، ۱۳ اثر در بخش شعر کودک و نوجوان، ۱۸ اثر در بخش داستان بزرگسال و ۱۱ اثر در بخش داستان کودک و نوجوان، جواز ورود به مرحله نهایی جایزه گام اول را دریافت کرده اند.

پس از مراحل اولیه و داوری ها در چهار بخش داستان بزرگسال، شعر بزرگسال، داستان کودک و نوجوان و شعر کودک و نوجوان، ۳۸ اثر به مرحله نهایی داوری راه یافتند.

جایزه «گام اول» از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می شود و افرادی که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند، می توانند در آن شرکت کنند. در سومین دوره جایزه ادبی گام اول، در مجموع ۱۷۶۶ اثر ادبی در حوزه های داستان و شعر در دو گروه سنی بزرگسال و کودک و نوجوان به رقابت پرداخته اند. هیات داوری در هر بخش، متشکل از سه نفر است که با حضور جواد محقق دبیر علمی جایزه به بررسی آثار رسیده به دبیرخانه این جایزه می پردازند.

سومین دوره این جایزه با همکاری موسسه خانه کتاب و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی، پنجم آبان ماه امسال در ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی برگزار و از برگزیدگان تقدیر می شود. فهرست کامل اسامی برگزیدگان در خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده است.

## سرای اهل قلم در این هفته

برنامه نشست های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد.

شنبه، بیست و یکم شهریور ماه جلسه دیگری از سلسله نشست های مولوی پژوهی با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می شود.

ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ یکشنبه نیز به نقد و بررسی کتاب «قلعه سنگباران» نوشته جعفر ابراهیمی شاهد با حضور مراد حاصل، علی اکبر والایی و کامران پارسی نژاد اختصاص داده شده است.

دوشنبه از ساعت ۱۵ تا ۱۷ کارگاه داستانخوانی با حضور حسن حبیب زاده و سارا عرفانی برگزار می شود. آخرین نشست این هفته نیز چهارشنبه است که به نقد و بررسی کتاب «نگاهی به پدیده گسست نسل ها» با حضور مریم مرادی و سید محمود میر سلیمی از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ اختصاص دارد. سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطين جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است.

مدیرعامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی خبر داد

# برگزاری ۲۲ نمایشگاه استانی کتاب تا پایان امسال

برگزاری نمایشگاه ها با قوت ادامه پیدا می کند. حجتی با اشاره به این که نخستین نمایشگاه استانی بعد از ماه مبارک رمضان با نمایشگاه تبریز کلید خواهد خورد اظهار داشت: «امسال برنامه ریزی هایی کرده ایم مبنی بر این که در برخی از استان ها که خودمان به طور مستقیم نمی توانیم نمایشگاه برپا کنیم با استفاده از همکاری تشکل ها روند رو به رشدی را چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی در امر برگزاری نمایشگاه های کتاب داشته باشیم.»

مدیرعامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی همچنین از برنامه ریزی های این مؤسسه برای هفته کتاب خبر داد و گفت: «در کمیته های مربوطه مذاکراتی انجام و برنامه هایی تایید شده که امیدواریم بتوانیم این برنامه ها را هم بر اساس زمان بندی های پیش بینی شده اجرا کنیم؛ از جمله برگزاری نمایشگاه های بیشتر در دانشگاه ها و زندان ها و برخی فعالیت های دیگر است که اگر در جلسات آتی به تصویب برسد، اجرایی خواهد شد.»



استانی شرکت کنند، اما هر سال بعد از ماه مبارک رمضان بر اساس زمان بندی هایی که انجام شده

## حضور ناشران در جشنواره «کتاب برتر» چهار برابر شد

یکصد ناشر کتاب های کودک و نوجوان برای شرکت در چهارمین جشنواره «کتاب برتر» امسال ثبت نام کرده اند. حضور ناشران در این جشنواره نسبت به پارسال چهار برابر شده است.

چهارمین جشنواره «کتاب برتر» آبان امسال، بهترین کتاب های سال در حوزه کودک و نوجوان را معرفی می کند. انجمن فرهنگی ناشران، برگزار کننده این جشنواره، امسال برخلاف سال های گذشته در یک فراخوان عمومی از تمامی ناشران خواسته تا برای شرکت در این جشنواره ثبت نام کنند.

معصومه انصاریان دبیر این جشنواره، میزان استقبال ناشران کودک و نوجوان از جشنواره «کتاب برتر» را بالا توصیف کرد و در این باره گفت: «در دوره قبلی این جشنواره ۲۵ ناشر آثار مربوط به کودکان و نوجوانان مشارکت داشتند که این آمار امسال چهار برابر شده است. تصمیم انجمن فرهنگی ناشران مبنی بر دعوت عمومی تصمیم درستی است که این امکان را فراهم می سازد تا همه کتاب های کودک و نوجوان کشور به جشنواره راه پیدا کنند.» به گفته او، از نزدیک به صد ناشر که درخواستشان برای شرکت در چهارمین دوره جشنواره به دبیرخانه رسیده، تنها ۲۰ ناشر عضو انجمن فرهنگی ناشران هستند و بقیه ناشران در پاسخ به فراخوان عمومی، برای بررسی آثارشان در این جشنواره ثبت نام کرده اند.

انصاریان درباره تاثیر این جشنواره در روند فعالیت ناشران کودک و نوجوان افزود: «هر جشنواره بهانه ای است برای بازبینی و ارزیابی کتاب های کودک و نوجوان و فرصتی است برای آگاهی از وضعیت نشر کتاب کودک و آگاهی از کاستی ها و نقاط قوت. وقتی ناشران پای به میدان رقابتی جشنواره می گذارند و آثار خود را در معرض داوری قرار می دهند، می توان این طور تلقی کرد که آنها می خواهند از وضعیت کار و حرفه خود شناخت به دست آورند و بر اساس شناخت کار، حرفه شان را توسعه و ارتقا دهند. طبیعی است که هر قدر این مشارکت گسترده تر باشد و جشنواره مراحل داوری را دقیق تر و جدی تر پیش ببرد، نتیجه کار اعتبار بیشتری خواهد داشت. انتظار می رود نتایج جشنواره به توسعه و تحول کتاب کودک و نوجوان کمک کند. این آگاهی پایه و اساس حرکت های بعدی خواهد بود.»

## با ۱۷ روز تأخیر

## مراسم روز شعر ۱۳ مهر برگزار می شود

مختلص به شهریار، به عنوان روز شعر و ادب فارسی نام گذاری شده است. شهریار ۲۷ شهریور سال ۱۳۶۷ درگذشت.

سال گذشته هم برگزاری مراسم روز شعر و ادب فارسی، به آبان ماه موکول و همزمان با هفته کتاب برگزار شد. در مراسم سال گذشته که با حضور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برپا شد، خانه کتاب میزبان جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ در هتل انقلاب تهران بود.

روز شعر و ادب فارسی، به علت تقارن با روزهای ماه رمضان، در ۱۳ مهر ماه امسال برگزار می شود. این تصمیم برای تقارن روز شعر (۲۷ شهریور) با روزهای ماه مبارک رمضان، از سوی موسسه خانه کتاب اتخاذ شده است. این موسسه مراسم روز شعر و ادب فارسی را با همکاری بنیاد ادبیات داستانی برگزار خواهد کرد.

در ایران از هفت سال پیش ۲۷ شهریور، به مناسبت سالروز درگذشت سید محمد حسین بهجت تبریزی،

## بهر روز ثروتیان از بیمارستان مرخص شد

بهر روز ثروتیان نویسنده و پژوهشگر شعر و نثر کلاسیک بعد از عمل موفقیت آمیز جراحی معده، از بیمارستان مرخص شد. وی اکنون در منزل تحت مراقبت است.

همسر بهروز ثروتیان با اعلام این خبر به مهر گفت: «از روزهای اول این ماه حال همسر من رو به وخامت گذاشت و بعد از مدتی دچار خونریزی داخلی شکم شد و بعد از این که او را در روز دوم شهریور به بیمارستان ایرانمهر تهران منتقل کردیم، پزشکان بعد از معاینه، او را تحت عمل جراحی معده قرار دادند.»

وی در این باره افزود: «به دلیل عارضه قلبی، عمل با اندکی دشواری انجام شد اما خوشبختانه بعد از ۱۰ روز در ۱۲ شهریور او را ترخیص کردند و در حال حاضر هم در منزل تحت مراقبت است. با این حال وضعیت عمومی او رو به بهبود است.»

بهر روز ثروتیان ۲۲ سال سن دارد. وی دارای درجه دکترای ادبیات از دانشگاه تهران است و اکنون مشغول تصحیح و شرح مجدد آثار نظامی از روی ۱۴ نسخه خطی است.

## جوانان حضور فعال تری

### در عرصه فرهنگ

### داشته باشند

ادامه از صفحه اول

حسینی با اشاره به این که در دولت نهم برنامه های چشمگیری در فعالیت های قرآنی و همچنین در دیگر برنامه های دینی و کانون های مساجد انجام شد، ابراز امیدواری کرد که این اهتمام با نوآوری بیشتر در دولت دهم ادامه پیدا کند.

وزیر ارشاد همچنین از تصویب ساخت یک مجتمع فرهنگی هنری در مشهد که پیشنهاد آن در نخستین جلسه هیات دولت دهم در آن شهر ارائه شد، خبر داد و گفت: «این مساله نشانگر حمایت دولت از طرح های فرهنگی و هنری است.»

حسینی درباره جشنواره بین المللی امام رضاع) نیز گفت: «ان شاء الله در سالروز میلاد ایشان که امسال مقارن با هشتم آبان است این جشنواره را در همه استان های کشور برگزار خواهیم کرد.»

وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزهای آغازین کار خود از بخش های مختلف وزارت ارشاد بازدید کرد و در گفت و گویی رودررو، با دغدغه ها و مسائل کارکنان آشنا شد.

وی از بخش های اداری، بازرسی و تعدادی از معاونت های وزارت ارشاد از جمله معاونت فرهنگی و سینمایی دیدن کرد و در جریان فعالیت های هر بخش قرار گرفت. همچنین، تعدادی از کارکنان بخش های مختلف وزارت ارشاد مسائل و مشکلات خود را با وزیر جدید در میان گذاشتند و حسینی قول مساعد داد که در جهت حل مشکلات تلاش کند. سید محمد حسینی دوازدهم شهریور در مجلس شورای اسلامی

به عنوان وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی با کسب ۱۹۵ رای موافق از مجموع ۲۸۶ رای به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم انتخاب شد. حسینی متولد سال ۱۳۴۰ رفسنجان و فارغ التحصیل رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع دکتری از دانشگاه تهران است. ریاست دانشگاه پیام نور، قائم مقام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پشتیبانی، حقوقی و امور مجلس وزارت علوم، رییس هیات مدیره انتشارات علمی و فرهنگی، مدیرعامل و رییس هیات مدیره انتشارات سروش و مشاور پارلمانی رییس نهاد

نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها برخی از مسوولیت های اجرایی وی تا پیش از انتخاب او به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

# اشعار بیدل با خط بیدل منتشر شد



وی با تاکید بر ۲۵۰ غزل نوشته شده توسط بیدل در حاشیه برخی از صفحات کتاب توضیح داد: «تاکنون تنها نسخه معتبر از اشعار بیدل دهلوی کتابی بر اساس چاپ کابل بوده که ۴۰ سال پیش منتشر شده است اما نسخه حاضر تفاوت‌های بسیاری با

دیوان دوجلدی «بیدل دهلوی» به انتخاب علیرضا قزوه، بر اساس نسخه خطی کتابخانه «رضا رام پور» هند به تازگی توسط نشر کار آفرینان و با همکاری خانه کتاب به چاپ رسید. در حاشیه‌های برخی از صفحات این کتاب غزلیات بیدل با خط خودش چاپ شده‌اند.

علیرضا قزوه در گفت‌وگو با خبرنگاری کتاب ایران (ایبنا)، درباره این کتاب گفت: «دیوان «بیدل دهلوی» بر اساس نسخه خطی که در کتابخانه رضا رام پور هند نگهداری می‌شود، گردآوری شده است. این کتاب در سال ۱۱۳۱ هجری و دو سال پیش از فوت بیدل و زیر نظر خودش کتابت شده و برای نخستین بار پس از ۳۰۰ سال این نسخه در ایران منتشر شده است.»

وی درباره تعداد ابیات این نسخه گفت: «بیش از ۳۰۰۰ بیت از غزل‌ها و مخمس‌های بیدل در این مجموعه موجودند. البته مشهورترین قالب شعری بیدل غزل است.»

قزوه از محمد وارث صدیقی به عنوان کاتب ویژه بیدل یاد کرد و اظهار داشت: «این نسخه خطی نیز توسط وارث صدیقی کتابت شده و نسخه‌های دیگر اشعار بیدل نیز در کتابخانه‌های خدابخش پتنا و مولانا آزاد علیگر به خط همین کاتب موجود است.»

**با حضور دوباره جی.ام. کوئیزی  
نامزدهای نهایی جایزه  
«بوکر» ۲۰۰۹ معرفی شدند**

نامزدهای نهایی جایزه ادبی «بوکر» سال ۲۰۰۹ با حضور دوباره جی.ام. کوئیزی، نویسنده آفریقایی، معرفی شدند.

برگزارکنندگان چهل و یکمین جایزه سالانه بوکر شش نویسنده را به عنوان نامزدهای نهایی این جایزه در سال ۲۰۰۹ معرفی کرده‌اند. سرشناس‌ترین نامزد منتخب، جی.ام. کوئیزی است که پیش‌تر دو بار در سال‌های ۱۹۹۹ و ۱۹۸۳ میلادی موفق به کسب این جایزه شده است.

کوئیزی که جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۳ را در کارنامه افتخارات خود دارد، برای رمان «وقت تابستانی» نامزد بوکر امسال شده است.

هیلازی مانتل با رمان تاریخی «تالار گرگ» درباره پادشاه هنری سوم همراه سارا واترز که با رمان «غریبه کوچک» برای سومین بار نامزد جایزه بوکر شده است، از دیگر رقیبان سرشناس کوئیزی‌اند.

به گزارش رویترز، سیمون ماور با کتاب «اتاق شیشه‌ای»، ای.اس. بیات با «کتاب کودکان» و آدام فولدز با «هزارتوی پرشتاب» دیگر نامزدهای جایزه بوکر ۲۰۰۹ هستند. برنده نهایی این جایزه، روز ششم اکتبر معرفی خواهد شد و جایزه ۵۰ هزار پوندی به او تعلق خواهد گرفت.

سال گذشته، آراویند ادیگا از هند برای رمان «ببر سفید» که به ۳۰ زبان ترجمه شده است، بوکر را کسب کرد.

نسخه پیشین دارد. نسخه چاپ کابل غزلیاتی را شامل می‌شود که منتسب به بیدل نیست. اما نسخه حاضر یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین نسخه‌های موجود است که می‌تواند به عنوان بهترین مرجع به کار گرفته شود.»

این کتاب چهارشنبه گذشته با حضور محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت ارشاد، بیدل پژوهان و جمعی از اهالی قلم در سرای اهل قلم رونمایی شد. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بن عبدالخالق ارلاس (پا برلاس)، متخلص به بیدل دهلوی، شاعر پارسی سرای سبک هندی است. وی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری، در پته در کشور هندوستان متولد شد. این شاعر بیشتر عمر خود را در شاه جهان آباد دهلی به تنهایی زندگی کرد و با اندیشه‌ای ژرف به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور پرداخت.

بیدل در سال ۱۱۳۳ در دهلی زندگی را بدرود گفت و در صحن خانه‌اش، در جایی که خودش تعیین کرده بود، دفن شد.

در آثار بیدل، افکار عرفانی با مضامین پیچیده، استعارات و کنایات به هم آمیخته و خیال‌پردازی و ابداع مضامین تازه، با دقت و موشکافی زیادی همراه است. این شاعر در نظم و نثر سبکی خاص دارد و از بهترین نمونه‌های سبک هندی به شمار می‌آید.

## جنجال بر سر کتاب‌های خارجی در استرالیا نویسندگان استرالیا: واردات کتاب را محدود کنید

قانون جدید استرالیا که ممنوعیت و محدودیت واردات کتاب را به این کشور کاهش می‌دهد، نارضایتی نویسندگان این کشور را برانگیخته است و آنها با امضای طوماری خواستار ادامه محدودیت‌های قبلی شده‌اند. به باور نویسندگان استرالیایی واردات کتاب، قیمت کتاب‌های تولیدی را کاهش می‌دهد. به گزارش ای بی سی نیوز، نویسندگان استرالیایی در ادامه اعتراضات خود، از دولت فدرال این کشور خواستار ادامه محدودیت در واردات کتاب شدند. دولت استرالیا به دنبال آن است که قانون ممنوعیت واردات موازی را حذف کند چون کمیسیون بهره‌وری این کشور عنوان می‌کند که این کار باعث کاهش قیمت کتاب می‌شود. شریل گویدر، نویسنده کتاب‌های کودکان و نوجوانان می‌گوید: «بیش از چهار هزار امضا در قالب طوماری به دولت ارائه شده است تا جلوی این کار گرفته شود. این طومار را تمام اقشار جامعه اعم از پیر و جوان، استاد دانشگاه تا خدمتکاران منازل با اشتیاق امضا کرده‌اند. مطمئناً ما هنوز قادریم که با صنعت چاپ و نشر خود آثار خوب و مناسب رشد و ترقی استرالیا را تولید کنیم.» این زن نویسنده تاکید می‌کند: «صنعت نشر بومی در معرض خطر قرار دارد و با واردات موازی، نابود خواهد شد. ما فکر می‌کنیم که ریسک کردن در صنعتی که برای کشور جنبه حیاتی دارد، کار درستی نیست.» دولت استرالیا تاکنون برای واردات کتاب‌های خارجی به این کشور محدودیت‌هایی قائل بوده است و نویسندگان استرالیا فکر می‌کنند اگر این محدودیت‌ها لغو شود، با توجه به انگلیسی‌زبان بودن مردم این کشور، بازار نشر استرالیا توان مقابله با کتاب‌های دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان را ندارد.

## شاعر سویسی از درد و مقاومت فلسطین نوشت

مجموعه اشعار «برینو مرسیه» درباره قدس به تازگی در مراکش منتشر شد. به گزارش القدس، این دیوان شعر که با نام «فلسطین المغرب» و اثر شاعر سویسی «برینو مرسیه» است با توجه به انتخاب بیت المقدس به عنوان پایتخت فرهنگی عرب در سال ۲۰۰۹ سروده شده است. این کتاب با ۱۲۸ صفحه دربرگیرنده ۲۹ تصویر نقاشی از هنرمند مغربی «عبدالرزاق رزقی» است. این شاعر سویسی در سال ۱۹۵۷ در شهر اورلیون متولد شده و در بیشتر آثارش سراغ اشعاری با موضوع انسانیت و دعوت به بخشش رفته است.

او نخستین اشعارش را با نوشتن درباره چهار عنصر هوا، آب، خاک و آتش سرود و احساس را با استفاده از زبان، به شعرش راه داد. این شاعر سرودن اشعار این دیوان را با شعری به نام «دردهای دجله» در زمان حمله بوش به عراق آغاز کرد و با تکمیل این دیوان، به دعوت ناشر مغربی اثرش، هنگام انتشار کتابش سفری به مغرب داشت. او طی این سفر، قصایدی نیز درباره مکان‌های مختلف مغرب نوشت و با سرودن قصایدی از غزه و مقاومت این شهر، این دیوان را به مجموعه شعر مشترک بین مغرب و فلسطین بدل ساخت.

## حضور اورهان پاموک در جشنواره نویسندگان تورنتو

معماری در دانشکده فنی استانبول مشغول شد. وی این رشته را نیمه تمام رها کرد و در دانشگاه استانبول و در رشته روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت، اما هرگز به عنوان یک روزنامه‌نگار مشغول به کار نشد. نخستین اثر این نویسنده با نام «تاریکی و نور» انتشار یافت و در سال ۱۹۷۹ از سوی موسسه انتشاراتی ملیت جایزه ادبی دریافت کرد. پاموک در سال ۲۰۰۶ موفق به دریافت جایزه نوبل شد. برخی از آثار این نویسنده توسط ارسلان فصیحی به فارسی ترجمه شده‌اند.

اورهان پاموک نویسنده ترک برنده جایزه نوبل، در جشنواره نویسندگان تورنتوی کانادا شرکت خواهد کرد. به گزارش سی بی سی نیوز، پاموک همراه تعدادی از نویسندگان برجسته از جمله جنایی نویسنده مشهور، کتی ریچرز، در این جشنواره بین‌المللی حضور خواهد یافت. با برنامه ریزی‌های انجام شده ۴۴ نویسنده از ۲۱ تا ۳۱ اکتبر (۲۹ مهر تا ۹ آبان) با شرکت در این رویداد مهم بر غنای آن می‌افزایند. از دیگر مهمانان این جشنواره، می‌توان به کاریسون

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

### عروسی با کتاب

بخش «یادداشت روز» خبرنگاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می‌کند هفته گذشته یادداشت‌هایی را همایون علی‌آبادی، نویسنده و منتقد تئاتر، میرجلال‌الدین کزازی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، علی آقاغفار، روزنامه‌نگار و داستان‌نویس، مهران بهروز فغانی، دبیر تحریریه ایبنا، مهدی قربانی، نویسنده و مدیر مسوول انتشارات قاف مشدار (رضاء)، علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار و نویسنده، مریم مقیمی، روزنامه‌نگار، غلامحسین سالمی، شاعر و مترجم، فرهادشیرزادی روزنامه‌نگار و آنالیدخیز، خبرنگار حوزه تاریخ و جغرافیای «ایبنا»، منتشر کرد.

کزازی در یادداشتی به نام «بی‌باک از تازش و تندباد» به مناسبت سال رودکی از این شاعر نوشته است. وی در بخشی از یادداشت خود آورده است: «زبان و ادب پارسی که رودکی پدر آن تواند بود، گونه‌ای جهان‌شاهی فرهنگی بسیار پهناور داشته است و جغرافیای فرهنگی ایران، هنوز نیز بسیار پهناور است. می‌دانم شما جوانان ایرانی که رودان (پسران) رودکی هستید، پاس پدر را به بایستگی می‌دهید.»

بهروز فغانی، روزنامه‌نگار و دبیر تحریریه «ایبنا» هم در یادداشت خود از این کتاب در رسم تهیه «جهیزیه» برای نو و نوسان جایی ندارد، گالیه کرده و نوشته است: «پدرخواست دخترش با سرمایه‌ای از کتاب، کلید خانه بخت را سر بگیرد. نشانی کوچه بخت را مادر به دختر نشان نداد با نوشته‌هایی که می‌تواند آدم‌سازی کنند. آنهاخواستند بدانند یا که ندانستند کتاب خواندن است، کتاب ماندنی است و باقی هر چه هست، قراردادی است سیاه شده روی کاغذی و سندی.»

### معارفه وزیر جدید به زبان عکس

عکاسان «ایبنا»، هفته قبل در دو گزارش تصویری، مراسم معارفه وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی را به زبان تصویر گزارش کردند. معرفی بخش پیاپی‌های کتابخانه ملی، بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از نمایشگاه قرآن کریم و رونمایی از تازه‌های قرآنی در این نمایشگاه از دیگر گزارش‌های مستقل تصویری است که در وب‌سایت این خبرگزاری منتشر شده‌اند.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگو‌هایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی‌اند که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی‌زبان رساند. گذشته از آن گروه بین‌المللی «ایبنا» خبرهایی از کتاب در فراسوی مرزها را به دید مخاطبان خود گذاشته است.

از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# از مولانا تا بلیک در پلاک ۲



**علی الله سلیمی:** آن ویژگی که از یک مجموعه داستان انتظار می رود، اینجا رعایت نشده است، چرا که در مجموعه داستان، داستان ها بر حسب ویژگی هایی در کنار هم قرار می گیرند اما شاید ویژگی اصلی این مجموعه، گوناگونی انواع داستان ها و طبقه بندی های مختلف باشد. شکل های مختلف داستان نویسی با رویکردهای مختلف که نویسنده به داستان نویسی داشت و در این کتاب جمع آوری شده است، در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. اگر بشود عنوان شایسته تری را برای این کتاب انتخاب کنیم، می توان آن را به عنوان کارنامه این نویسنده در طول دو دهه بنامیم؛ زیرا این کتاب تقریباً گزیده ای از کارهای یک نویسنده در طول دو دهه را شامل می شود و اگر بخواهیم قضاوتی در مورد کارهای یک نویسنده داشته باشیم آن هم با این شکل و شمایل، نمی توانیم روی برخی از داستان ها تمرکز کنیم. در این مجموعه داستان های اجتماعی دیده می شود؛ همانند داستان «آدم مدل ۴۷» که در نقد رفتارهای اجتماعی نوشته شده است.

فعالیت ادبی و مطبوعاتی خود را از سال ۶۴ آغاز کرد و اولین داستانش در این سال در یک مجموعه مشترک به چاپ رسید اما در سال های بعد داستان ها، نقد های ادبی و گزارش هایش در نشریات مختلف به چاپ رسید. آخرین فعالیت این نویسنده در دولت نهم، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان و عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان بود.

**احمد شاکری، نویسنده و منتقد:** اصلاً پور را با مجموعه ای از آثار وی می شناسیم. البته این نویسنده چند زندگی نامه داستانی خلق کرده است و در مجموع ۱۷ کتاب هم از این نویسنده منتشر شده است. آنچه در این کتاب آمده کارنامه این نویسنده طی ۲۰ سال فعالیت وی است. «افسانه نهال و خورشید» که عنوان این مجموعه از آن انتخاب شده، به لحاظ ساختاری و مضمونی می تواند شاهد مثال در نقد این اثر باشد. با توجه به داستان هایی که در این مجموعه وجود دارد و وجه مضمونی که بارز و روشن است، سؤالی پدید می آید مبنی بر این که مضمون به چه صورت در یک داستان ظهور و بروز دارد. آنچه در این اثر دیده می شود جنبه آشکار مضمون است. نویسنده با توجه به زاویه دیدی که انتخاب کرده، داستان این موضوع را که به شکل آشکار بیان می شود برمی تابد. زاویه دید اول شخص است و اول شخص به عنوان شخص حقیقی در داستان می تواند متصل به خصایص و ویژگی های روحی و علمی شود.

مولانا ذوقی و شعری است.  
**شاعری به نام آقای بلیک!**

در نشست بررسی آثار ویلیام بلیک، شاعر انگلیسی که با سخنرانی احسان عباسلو و پرویز داکانی در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد، بسیاری از اسطوره ها و مضامین شعر بلیک که برگرفته از انجیل اند، بررسی و به صراحت عنوان شد که دیوانه خواندن بلیک، نشان از پیشرو بودن این شاعر داشت و مصداق این بود که او جامعه اش را قبول نداشت و جامعه نیز او را قبول نداشت! مجموعه اشعار بلیک با عنوان «جزیره ای در ماه» با ترجمه هوشنگ رهنما در ایران منتشر شده است. در این نشست همچنین به مقایسه نئوکلاسیک ها و رمانتیسم ها و ارائه ویژگی های این دو مکتب پرداخته شد. از نکات قابل توجه این نشست، حضور عده ای از علاقه مندان به ادبیات خارجی بود.

**احسان عباسلو:** عنوان این کتاب برگرفته از شعری ناتمام از بلیک است که نمی دانم چرا مترجم با وجود این که این شعر ارتباطی با اشعار ترجمه شده ندارد، این عنوان را برای مجموعه برگزیده است. زیرا عنوان مجموعه شعرهای عاشقانه بلیک بر این کتاب نهاده شده، اما معتقدم برخی از اشعار این مجموعه عاشقانه نیستند و گاهی به مضامین مذهبی و عرفانی نزدیک می شوند. شش شخصیت مهم در دوره رمانتیسم انگلستان می زیستند که قطعاً بلیک یکی از آنهاست.

در دوره رمانتیسم همه چیز با فرد شروع می شود و با فرد نیز به پایان می رسد. مکتب رمانتیسم در مقابل مکتب رئالیسم است و می توان گفت رمانتیسم از آموخته های معمول مذهبی فاصله می گیرد و به نوعی ادراک بی واسطه نزدیک می شود. آثار بلیک نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بر پایه نوعی مذهب شخصی و عقاید فردی بنا نهاده می شوند. عرفان رمانتیسم ها مذهب را نفی نمی کند، اما بر پایه تفسیر شخصی افراد استوار است. بسیاری از کلمات که در اشعار بلیک دیده می شود نیز برآمده از نوعی مذهب شخصی است.

**عباسی داکانی:** بلیک شاعر قرن ۱۸ و ۱۹ بود. این قرن تاریک ترین قرن تاریخ بود و در بررسی آثار شاعران این قرن نباید از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع به راحتی گذشت.

برخی معتقدند بلیک حتی پیش از نیچه به نقد مدرنیته پرداخت و برخی همدوره های او نیز وی را دیوانه خطاب کردند. امروز کاملاً پیداست که نادانی مردم از برخی موضوعات سبب این خطای بزرگ در عصر او شد. دیوانه خواندن بلیک از سوی برخی نشان از پیشرو بودن این شاعر در برخی مفاهیم غیرقابل درک برای جامعه داشت و مصداق این است که او جامعه اش را قبول نداشت و جامعه نیز او را قبول نداشت.

بلیک هنر را الهام می دانست و همواره از افرادی که هنر را اکتسابی و آموختنی می دانستند انتقاد می کرد. طبیعت گرایی بخش مهمی از شعر این شاعر انگلیسی را تشکیل می داد و همان طور که طبیعت برای عرفا اهمیت زیادی دارد؛ برای بلیک نیز قابل اهمیت بود.

**نقد «افسانه نهال و خورشید»**  
در ادامه سلسله نشست های «صد داستان، صد نویسنده» نشست نقد و بررسی کتاب «افسانه نهال و خورشید» نوشته سمیرا اصلاص پور با حضور علی الله سلیمی، احمد شاکری و کامران پارسی نژاد و بدون حضور نویسنده اثر در سرای اهل قلم برگزار شد.

**کامران پارسی نژاد:** اصلاًص پور مهرماه سال ۱۳۴۳ در خیابان نواب تهران متولد شد و در رشته ریاضی فیزیک دیپلم گرفت و در رشته مهندسی پتروشیمی از دانشگاه پلی تکنیک تهران فارغ التحصیل شد. وی

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی، ادبیات داستانی و شعر، در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند. سرای اهل قلم خانه کتاب در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده است.

**شراره های هرمنوتیک شرقی در جهان مثنوی**  
در نشست دیگری از مولوی پژوهی که به موضوع «نظریه های هرمنوتیک در آثار مولانا» اختصاص داشت، جهان مثنوی دارای شراره هایی از هرمنوتیک شرقی خوانده شد. بررسی اسلوب مثنوی نیز از دیگر محورهای این نشست بود. این برنامه با حضور موسی دیباج، استاد فلسفه دانشگاه تهران و پرویز عباسی داکانی، مولوی پژوه و سخنران همیشگی نشست های مولوی پژوهی سرای اهل قلم برپا شد.

**پرویز عباسی داکانی:** طبق سخن فروزانفر در کتاب «سخن و سخنوران» درباره اسلوب قرآنی شاهنامه می توان گفت که اسلوب مثنوی، اسلوب قرآنی است. مولانا عرفان را دم دستی نمی کند و از این لحاظ عرفان او به عرفان شرقی شبیه است. عرفان شرق، تمثیلی است و با قصه بیان می شود و قصه برای عارف ایرانی یک نردبام است. مولانا به گونه ای از کتاب انفسی قائل است، در حالی که عرفا به تأویل عقلی و عشقی در قرآن قائل بودند و مولانا به تأویلی بالاتر با نام تأویل وجودی قائل است؛ این یعنی انسان به مرتبه ای برسد که قرآن با جان او یکی شود.

**موسی دیباج:** در جهان مثنوی نوعی هرمنوتیک شرقی وجود دارد و به طور کلی می توان گفت هرمنوتیک مثنوی و فلسفه و حکمت مثنوی، متأثر از شیوه افلاطونی هم هست و شیوه آسمانی افلاطونی را می توان در آثار مولانا دید. هرمنوتیک مثنوی و شرقی مبتنی بر شنیدن وحی و کلام الله است. البته ما دریافت هایی خواهیم داشت و انسان به مراتبی هم دست می یابد، ولی آن چیزی را از ملکوت خواهیم یافت که ملکوت خواسته باشد.

**عباسی داکانی:** براساس دیدگاه مولانا هر چه انسان دفع حجب کند و پاک تر شود، به حقیقت قرآن نزدیک تر خواهد بود. مولانا نیز در آثارش با استفاده از دو نوع تلمیح ظاهری و باطنی به قرآن نظر دارد.

مولانا می گوید ما دو فهم از قرآن داریم که یکی از آنها فهم رایج و از روی عقل است و فهم دیگر از روی عاشقی یادبویانگی است که او این گونه نگاه را در داستان «موسی و شبان» به وضوح نشان داده است. براین اساس، وحی، مراتبی دارد و خضر و موسی و ابراهیم هر یک در موقعیت های متفاوتی از وحی اند. به اعتقاد مولانا، روح قرآن بیش از جسم و ظاهر آن اهمیت دارد. درک قرآن فهمی می خواهد که بی درد ممکن نیست و این حقیقت را اولیای فهمند. پس در هر دوره ای باید درک قرآن به اتکای ولی و اولیای خدا باشد.

براساس اسلوب تفسیر هرمنوتیکی، ما تفسیری نخواهیم داشت، مگر آن که متنی داشته باشیم و در مورد قرآن هم این قاعده هرمنوتیکی وجود دارد. در تفسیر هرمنوتیکی مثنوی، اصطلاحات و تعبیر فلاسفه یونان را می بینیم و نوعی یونانی زدگی در مثنوی وجود دارد. با مقایسه آهنگ ملایمی مشاهده می کنیم که میان افلاطون، مولانا و شیخ اشراق اصالت نور وجود دارد؛ اما شیوه شیخ اشراق استدلالی است؛ در حالی که شیوه

باسمه تعالی

### نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور تکرار و تکرار سال آگاهی و بیداری، بیداری و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف آید آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخیل می دانند و تعهدت روشنگری و بازسازی عقاید و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریادند. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تربیتی، آرمان های ملی و آزادی خواهی، نقد ستیز و عدالت طلبی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی. آثار مدافعان و شایسته ای را به گنجینه ای ادبیات نمایشی کشور خواهیم افزود.

● **مشارک مورد نیاز:**

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
۲. سه نسخه نایب شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط Word و روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

● **جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و تشویق تمامی معنوی آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسمیت شناخته به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

● **کتاب شماره:**

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: \_\_\_\_\_ نویسنده: \_\_\_\_\_

میراث تحصیلات (یا دارنده و گزاینده): شماره تماس: \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

ایمیل: \_\_\_\_\_

با اطلاع کامل از علاقه فراخوان نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می دهد.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صاعی جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰، طبقه دوم، روابط عمومی، صندوق پستی: ۲۱۳-۲۱۴ شماره تماس: ۶۶۶۶۶۶۱۲-۶۶۶۶۶۵۲



عبور از «دیوار کوتاه» برای رسیدن به «دست یاری»

# وقتی کتاب در می زند!



از بین بردن فاصله زمانی و مکانی بین خریدار و کالا، همواره یکی از دغدغه های فروشندگان بوده و هست و صدا البته «در دسترس قرار دادن» کالا، راهکاری اساسی در این میان به حساب می آید.

حوزه کتاب و خرید و فروش این کالای فرهنگی ارزشمند نیز می تواند از این راهکار استفاده کند تا فاصله زمانی و مکانی بین کالا (کتاب) و خریدار (کتابخوان) تا حد امکان از بین برود.

## از ابرشهر تا شهرک های کوچک

از ابرشهر یا کلانشهر تهران و سایر شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشورمان نظیر اصفهان، مشهد و تبریز گرفته تا شهرهای کوچک دور و نزدیک این مرز و بوم، مردم اهل کتاب و مطالعه اند، یک نفر به رسم قدیم الایام ایرانیان، شاهنامه فردوسی و غزلیات حافظ و سعدی را در سایه مطالعه کلام الله مجید تورق می کند و دیگری، بر حسب نیاز رشته تحصیلی اش در لابه لای صفحات کتاب دنبال ارتباط بین حرکات اجرام آسمانی با اتفاقات دنیای خاکی خودمان می گردد. طفلی با ورق زدن کتاب «کدو قلقله زن» دنیای تخیلاتش را بارور می کند و عالمی با غور در مباحث عمیق یک کتاب علمی، سردرگریان تفکر فرومی برد. حال کدام یک در پایتخت به سر می برد و کدام در یک شهر یا روستای مرزی شبانه روز را سپری می کند، خیلی تفاوت ندارد، چون هر یک از آنها نیازمند کتابند. در روزگاری که پیشستان از عرصه تکنولوژی جهان برآند تا با استفاده از فناوری «واقعیت مجازی» در حوزه رایانه و اینترنت، فاصله زمانی و مکانی بین خریدار و کالا را به حداقل برسانند، بجاست از فناوری های موجود نظیر فروش اینترنتی کتاب استفاده شود.

به راستی در کلان شهر تهران - غیر از محدوده میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر (عج) و بخشی از خیابان کریم خان زند - در چند نقطه دیگر می توان کتابفروشی هایی مجهز به انواع آثار مکتوب پیدا کرد که بتوانند نیازهای گوناگون اهل مطالعه و دانش را برآورده کنند؟

## «دست یار» بهتر از «دیوار کوتاه»

بین اهالی ورزش مرسوم است که هر گاه می خواهند دلیلی برای یک شکست و ناکامی بیآورند، خیلی راحت سراغ آموزش و پرورش می روند و به قول معروف دیواری کوتاه تر از دیوار آموزش و پرورش پیدا نمی کنند و خیلی راحت هم ثابت می کنند که چون ورزش آموزش و پرورش سروسامان ندارد، پس ما باید شکست بخوریم! در مقابل استدلال «دیوار کوتاه» تفکر دیگری نیز وجود دارد که همکاری همه جانبه برای حل مشکلات را به صورت بسته ای پیشنهادی، بر سر میز اختلاف و سردرگمی برای حل معضلات قرار می دهد.

وقتی صحبت از مبحث گسترش فرهنگ کتابخوانی و زوایای گوناگون آن نظیر در دسترس قرار دادن کتاب به میان می آید، بسیاری انگشت اشاره - اگر نگوئیم اتهام - را به سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشانه می گیرند تا حکایت «دیوار کوتاه» تکرار شود!

در نقطه مقابل، عده ای نیز معتقدند «چه خوب است دست یار، هم در خوردن هم در کار».

این نوع تفکر همراه یک جرعه در ذهن دو جوان خوش فکر، گزارشگر کتاب هفته راه نزدیکی های

امامزاده معصوم (ع) در کنار بازار مبل تهران می کشاند؛ جایی که با همیاری مرکز رشد و توسعه کارآفرینی شهرداری منطقه ۱۷ کاری بزرگ در دست اقدام است.

## وقتی کتاب در می زند!

در طبقه سوم یک پاساژ تجاری - جایی بالاتر از دو طبقه شلوغ و پررفت و آمد- و در داخل یک اتاق به نسبت کوچک، رودروی حمید جعفری مدیر مرکز رشد و توسعه کارآفرینی شهرداری منطقه ۱۷ تهران می نشینم و از او درباره برنامه های این مرکز برای حمایت از گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی می پرسم. جعفری نیز می گوید: «ما به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از افراد برای خرید و تهیه کتاب مورد نظرشان، متحمل زحمات زیادی نظیر صرف وقت فراوان در ترافیک تهران و پرداختن پول زیادی برای رفت و آمد از این منطقه به میدان انقلاب می شوند که این مشکلات گاهی آنان را از خرید کتاب منصرف می کند. بنابراین همواره در این مرکز به دنبال راهی برای برطرف کردن این مشکل بودیم.»

او سپس به بیان حکایتی می پردازد که چگونه یک روز دو جوان علاقه مند و پرشور به این مرکز مراجعه کردند و خواستار حمایت مسوولان کارآفرینی از طرح آنها برای در دسترس قرار دادن کتاب شدند.

جعفری می گوید: «آنها معتقد بودند که می توانند با استفاده از چند اپراتور تلفنی و چند پیک موتوری، کتاب را نه تنها در سطوح منطقه ۱۷ بلکه در کل شهر تهران توزیع کنند. ما هم به آنها اطمینان دادیم و فضایی حدود ۲۰ متر مربع را به رایگان در اختیارشان قرار دادیم. حالا این دو جوان، هم توانسته اند کتاب را در دسترس شهروندان قرار دهند، هم برای عده زیادی کارآفرینی کنند. البته آنها در ابتدای کار حدود ۳۰ میلیون تومان هم بدهی داشتند، اما حالا نه تنها بدهی هایشان را پرداخته اند، بلکه پس انداز هم کرده اند.»

در یک اتاق ۲۰ متری مستطیل مانند، عده ای اپراتور خانم، پشت رایانه ها نشسته اند. در کنار در ورودی، عباس یدالله زاده - یکی از همان دو جوان صاحب ایده - پشت میز نشسته است. وی به تشریح عملکرد خود و همکاری

کنیم تا هزینه مان کمتر شود.» تفاوت کار اپراتورهای این مرکز با بسیاری از بازاریاب هاب دیگر در این است که آنان تنها با شهروندان تماس نمی گیرند تا با اصرار، کالایشان را به فروش برسانند. شاید صحبت های آذر بحری - یکی از اپراتورهای مجرب این موسسه - بتواند این تفاوت را آشکار کند.

بحری می گوید: «من به دنبال کار کردن در یک محیط امن زنانه با ساعت کاری و حقوق مناسب بودم که خوشبختانه اینجا به آن رسیدم. از آنجا که خودم نیز عاشق کتاب و مطالعه ام، سعی می کنم اطلاعات کافی را درباره کتاب ها به دست بیاورم و البته این کار جزو وظایف ما نیز به شمار می آید. هنگامی که با یکی از شهروندان تماس می گیرم، فقط اسم کتاب، نام نویسنده و قیمت کتاب را نمی گویم، بلکه به او می گویم این کتابی که درباره اش حرف می زنم، حاوی چه مطالبی است، به چه سوالاتی پاسخ می دهد و می تواند چه مفاهیمی را به مخاطبش منتقل کند. در ضمن به مخاطبانم نیز توضیح می دهم که آنها به راحتی می توانند کتاب را در محل کار یا سکونتشان تحویل بگیرند.»

از او درباره میزان استقبال شهروندان در این زمینه می پرسم و بحری نیز می گوید: «تاکنون که استقبال خوب بوده است. مردم ما اهل مطالعه اند و وقتی هم متوجه می شوند که برخلاف همیشه، به راحتی کتاب در دسترسشان قرار می گیرد، از این طرح استقبال می کنند.»

طرح این دو جوان دانشجوی چنان موفق بوده است که آنها از منطقه ۱۷ پا را فراتر گذاشته اند و از غربی ترین مناطق تهران نظیر شهرک اکباتان تا شرقی ترین نقاط نظیر افسریه و قصر فیروزه را نیز تحت پوشش قرار داده اند.

یدالله زاده در این باره می گوید: «الان قصد داریم تمامی تهران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب را تحت پوشش قرار بدهیم و در آینده در برخی شهرها از جمله همدان، اصفهان و شیراز نیز این طرح را پیاده کنیم.»

در پایان گفت و گویم، با خودم می گویم: «چقدر خوب است که این افراد دنبال هیچ دیوار کوتاهی نیستند تا برای رفع تکلیف هم که شده، همه چیز راه گردن یک وزارتخانه یا سازمانی دیگر ببندازند؛ آنها دست یاری به هم داده اند.»

جمله پایانی یدالله زاده، تامل برانگیز است: «هر ماه نزدیک به ۱۰ هزار نسخه کتاب سفارش می گیریم و می فروشیم.»

**خانه کتاب منتشر کرد**

کتاب: **خیابان انقلاب بین فلسطین و صیای جنوبی شماره ۱۱۷۸**

**لیسا**

داستان های لیسما

انتشارات آمین منتشر کرد

تعطیلات نوروزی لیسما

بازیگوشی های لیسما

مدرسه لیسما

در دسرهای لیسما

نویسنده: پناه رسولیان بروجنی

۰۹۱۳۳۰۵۴۵۵۳



سایر محمدی

«از معنا تا صورت» عنوان پژوهشی پانزده ساله به قلم دکتر مهدی محبتی است که اخیراً در دو جلد از سوی انتشارات سخن چاپ و منتشر شده است. محبتی در این اثر به طبقه‌بندی و تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها، نظریه‌ها، جریان‌ها، رویکردها، اندیشه‌ها و آثار مهم نقد ادبی در ایران و ادبیات کلاسیک فارسی پرداخته و شاخص‌ترین نظریه‌پردازان نقد ادبی را در طول تاریخ ادبیات ایران معرفی کرده است. نویسنده این اثر گرانقدر در سال ۸۶، کتاب «قصه و قصه‌گویی در اسلام» را منتشر کرد و هم‌اکنون کتاب «پیمان‌های بی‌پایان» را در دست چاپ دارد که در قالب پژوهشی طولانی در نسخ خطی، آثار گذشتگان و متون بیش از صدها قصه کوتاه عرفانی را استخراج، طبقه‌بندی و تدوین می‌کند و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. مهدی محبتی، متولد ۱۳۴۴ مشهد، پس از آن که دروس حوزوی را تا سطح در حوزه علمیه مشهد به پایان برد، وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی فوق‌لیسانس گرفت و به دنبال آن، دکترای خود را در همین رشته از دانشگاه تهران اخذ کرد و در حال حاضر علاوه بر تدریس در دانشگاه، به تحقیق، تالیف، پژوهش و ترجمه می‌پردازد. حاصل تلاش دکتر محبتی نزدیک به بیست عنوان کتاب است. «سیمرغ در جست‌وجوی قاف»، «بدیع نو»، «پهلوان در بن بست»، «اللمع التصوف»، «صدای رویش خیال»، «کارنامه مولوی پژوهی در ایران» (این کتاب به انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده)، «زلف عالم آرا»، «بهار در بهار»، و «پنجره‌های زندگانی» از جمله آثار وی هستند. وی هم‌اکنون «دانش و دانشمند در ادب ایران» و «سیر تحول حجاب در فرهنگ ایرانی» را برای چاپ تدارک می‌بیند.

## گفت‌وگو با دکتر مهدی محبتی

# قدمت قصه‌نویسی ما بیشتر از غربی‌هاست

ادیبی برحسب ذوق و خلاقیت فردی آثارش را نوشته است که این با واقعیت‌های تاریخ ادبیات فارسی در تضاد است. اما اگر بپذیریم شاهکارهایی که در ادب کلاسیک فارسی در قرون مختلف خلق شده‌اند بر اساس معیارهای زیبایی‌شناختی و نقد و نظریه ادبی بوده‌اند، باید این نقد و نظریه‌ها و این معیارهای زیبایی‌شناختی را نشان داد. من بر همین اساس بود که جست‌وجویی ده‌ساله را آغاز کردم و در بین آثار منظوم و منثور گشتم و در نهایت به این نتیجه رسیدم که یکی از نظرات غلط و مشهور در میان ما ایرانیان، این است که ادبیات کلاسیک فارسی، نقد و نظریه ادبی ندارد. در کتاب «از معنا تا صورت» سعی کردم این نظر را اثبات کنم که ما در ادبیات فارسی، نقد و نظریه بومی خودمان را داریم که در عین تفاوت با نقد و نظریه ادبی در غرب، بسیار در سنت ادبیات فارسی کارساز و ثمربخش بوده است که توانسته بخشی از بهترین آثار را در پیکره ادبیات جهانی به وجود بیاورد. این که چرا امروز می‌گوییم، ما نقد و نظریه ادبی نداشته و نداریم، برمی‌گردد به همان دیدگاه که می‌گویید. چون این نقد و نظریه متفاوت با نقد و نظریه ادبیات غربی است، وجودش را انکار می‌کنند. این حرف بسیار سست و بی‌پایه است. آن سنت و نظریه‌ای که در سرزمین غرب منجر به آفرینش «صد سال تنهایی» مارکز و «سرزمین هرز» الیوت یا «کوری» ساراماگو می‌شود یا «بهشت گمشده» میلتون رابو وجود می‌آورد، در فرهنگ غرب بسیار اثرگذار و کاراست. ما هم طبعاً آن سنت نقد بومی را داشتیم که نظامی توانست از دل آن «هفت پیکر» را خلق کند، اما آن نظریه ادبی و نقد ادبی که سبب شد به لحاظ زیبایی‌شناختی هفت پیکر خلق شود، متأسفانه به دلیل انقطاع تاریخی و فرهنگی به دوران مشروطه و به دوران ما نرسیده است. این انقطاع نمی‌تواند ما را به انکار نقد و نظریه بومی در ادبیات فارسی برساند اگرچه غالباً آن را انکار کرده‌اند.

عموماً نقد و نظریه ادبی و مولفه‌های زیبایی‌شناختی را از دل متون ادبی و از درون شاهکارهای شعر و داستان استخراج می‌کنند. در حالی که شما نقد و نظریه ادبی را مقدم بر متن ادبی ارزیابی می‌کنید. یعنی حافظ آیا ابتدا نقد و نظریه ادبی و مولفه‌های زیبایی‌شناختی را پیش رو داشت و بر اساس آن غزل‌هایش را سرود؟ یا... من می‌گویم این دو در تعاملی خلاقانه بایکدیگر عمل می‌کنند. یعنی ذهنی که دارای روش و اصول زیبایی‌شناسی خلاقانه نباشد، قادر به خلق شاهکارها نخواهد بود و خلاقیتی که مبتنی بر روش و اصول زیبایی‌شناسی نباشد، امکان بروز و ظهور پیدا نمی‌کند. هیچ‌یک از این دو - نه نظریه، نه خلاقیت - بر دیگری تقدم و تاخر ندارد. این دو بر هم حدوث زمانی ندارند بلکه یک نوع حدوث ذاتی دارند. به قول فلاسفه مثلاً انگشتی در انگشت شماس است و دست شما به حرکت درمی‌آید. اگر کسی پیرسد انگشتش زودتر تکان خورده یا انگشت؟ شما نمی‌توانید جواب قطعی بدهید. ولی اگر پیرسد



شصت صفحه‌ای به قلم خودم، آن را توسط نشر چشمه منتشر کردم. **لطفاً یک شمای کلی از موضوعات و مباحث کتاب «از معنا تا صورت» ارائه کنید تا خواننده علاقه‌مند بداند با چه مسائلی روبروست؟** کتاب «از معنا تا صورت» دغدغه ده‌ساله من در زمینه «نقد ادبی در ایران» است. سال‌ها پیش با دکتر زرین کوب بحثی در همین رابطه داشتیم، مبنی بر این که عده‌ای از ادیبان و صاحب‌نظران بر این باورند که فرهنگ و ادب ایرانی از نقد و نظریه ادبی ایرانی و بومی تهی است. این موضوع را منتقدان، نویسندگان و شاعران مدام تکرار می‌کنند که ما نقد و نظریه ادبی نداشته‌ایم و نقد و نظریه ادبی یک امر کاملاً غربی است که بعد از مشروطه وارد فرهنگ ما شده است. من چالش‌های فکری فراوانی با متفکران غربی و ایرانی در خارج و داخل کشور داشتیم، مبنی بر این که آیا ما در طول تاریخ، سنت ادبی و ادبیات کلاسیک فارسی داشتیم یا خیر؟ اگر در پاسخ به این پرسش جواب منفی بدهند که نفی واضح‌تر می‌کنند و این عین بی‌انصافی است. نمی‌شود سنت ادبی فارسی را کتمان و انکار کرد. ما مولانا، حافظ، سعدی، فردوسی و صدها تن دیگر را داشتیم که آثار بی‌بدیلی مانند شاهنامه، مثنوی، دیوان حافظ و... را منتشر کرده‌اند. برخی از بهترین نمونه‌های ادبیات جهان در همه ادوار تاریخ در زبان فارسی خلق شده‌اند.

حالا این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌شود یک سنت ادبی، بهترین نمونه‌های ادبیات جهان را خلق کرده باشد، اما نقد و نظریه‌ای پشت آن نباشد؟ امکان دارد این آثار بدون معیارهای زیبایی‌شناختی خلق شده باشند و تداوم یابند؟ چگونه ممکن است؟ اگر جواب مثبت باشد، باید قائل به انفصال فرهنگی باشیم و آثار گذشتگان را محصول ذوق شخصی بدانیم و استمرار فرهنگی را انکار کنیم! و بگوییم ما سنت فرهنگی مستمری نداشته‌ایم. هر شاعر و

باشکوه عالی‌قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله و سی‌وسه پل را داریم که با سنت معماری غربی هماهنگی ندارد. اما کسی نمی‌تواند ادعا کند که این بناهای تاریخی معماری ندارند. مشکل این است که برج ایفل در بطن و متن سنت و فرهنگ غرب شکل گرفته است و ابنیه تاریخی اصفهان از دل فرهنگ و سنت شرقی و اسلامی.

در حوزه ادبیات هم وضع بدین منوال است که «صد سال تنهایی» مارکز بر اساس فرهنگ و ادبیات آمریکای لاتین و نسبت‌دیرینه‌مایا و ادبیات جادویی سرخپوستی به وجود آمد و «سرزمین هرز» تی.اس.الیوت از دل فرهنگ بریتانیا. یکی از چالش‌هایی که در این کتاب داشتیم، این بود که خواستیم اثبات بکنم وقتی تفاوت‌ها در سنت پیدا می‌شود ما حق نداریم بر یک سنت صحنه بگذاریم و سنت دیگری را رد کنیم. من در کتاب از معنا تا صورت هم به تفصیل در این زمینه توضیح داده‌ام. **آیا کتاب «قصه و قصه‌گویی در اسلام» شما پیش‌زمینه مباحث کتاب «پیمان‌های بی‌پایان» است؟**

دقیقاً همین‌طور است. البته کتاب «قصه و قصه‌گویی در اسلام» ترجمه‌ای است از کتاب ابن جوزی؛ یکی از بزرگ‌ترین اصحاب اندیشه و حدیث در اسلام. ابن جوزی در قرن ششم هجری متفکر برجسته‌ای در جهان شناخته می‌شد و کتابی به نام «القصاص والمذکرین» دارد که این اثر در ایران چندان شناخته شده نیست اما در آمریکا خانم مرلین سوارت رساله دکترای خودش را به این اثر اختصاص داده و بیش از صد صفحه درباره آن توضیح داده و آن را به انگلیسی زبانان معرفی کرده است. من هم به دلیل ارزش و اهمیت این کتاب، از آنجا که خلاء‌های بسیاری را در حوزه قصه ایرانی پر می‌کند، آن را از متن عربی به زبان فارسی ترجمه کردم و مطالب خانم سوارت را هم به صورت خلاصه به فارسی برگرداندم و همراه با یک مقدمه

در کتاب «پیمان‌های بی‌پایان» به چه مباحث و موضوعاتی می‌پردازید؟

«پیمان‌های بی‌پایان» در حقیقت درآمدی بر قصه‌های کوتاه عرفانی در فرهنگ و ادب این سرزمین است که در دو مجلد و دو متن منظوم و منثور تدوین شده است. من در این پژوهش تمام آثار عرفانی را که در زبان فارسی نوشته شده‌اند مورد مطالعه قرار داده‌ام و قصه‌های کوتاهی که در این متون وجود داشتند را استخراج و آنها را هم به لحاظ صوری و هم به لحاظ معنایی تعریف کردیم که باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند تا به این مجموعه راه پیدا کنند. در نهایت مجموعه‌ای قطور فراهم آمد که با حذف موارد مشترک و متشابه و گزینش بهترین‌ها، چیزی حدود هزار و دویست قصه انتخاب و در دو جلد، تنظیم و تدوین شد که یک جلد آن شامل قصه‌های منظوم و یک جلد شامل قصه‌های منثور می‌شود. دایره انتخاب نویسندگان و آثار هم به لحاظ تاریخی و جغرافیایی بسیار گسترده و وسیع است. یعنی از قرن پنجم تا قرن دوازدهم هر متن عرفانی که سراغ داشتیم، مورد مطالعه و جست‌وجو قرار می‌دادم و اگر قصه نابی در آن متن وجود داشت، انتخاب می‌کردم. بعد هم اگر لغت مشکل یا ترکیب و اصطلاح غامضی در قصه‌ها وجود داشت و به لحاظ مباحث عرفانی موضوع غیر قابل فهمی بود، همه را ساده‌سازی کردم و توضیح دادم تا کسانی که به فرهنگ و ادبیات عرفانی علاقه دارند، بتوانند از این قصه‌های کوتاه نهایت بهره را ببرند.

**اغلب صاحب‌نظران سابقه قصه‌گویی در ایران را به یک صد سال اخیر نسبت می‌دهند اما با این تحقیقات مشخص شد که قصه‌گویی در زبان فارسی، قدمتی بیش از غرب دارد، چون آنچه را که شما احتمالاً جمع‌آوری کرده‌اید، زیر عنوان حکایت دسته‌بندی می‌کردند.**

بله، همین‌طور است. اما من در این اثر بین سنت داستان‌نویسی غربی و سنت قصه‌نویسی شرقی تفاوت قائل شده‌ام. در این تحقیقات اثبات کردم که لزوماً سنت قصه‌نویسی آن نیست که غرب ارائه می‌دهد. به دلیل این که قصه باید دارای سه ویژگی باشد که قصه‌های مورد نظر من در این کتاب این سه ویژگی را دارند. یعنی قصه باید تأثیرگذار یا لذت‌بخش باشد یا باعث سرگرمی شود. هر قصه‌ای که دارای این سه ویژگی و در تاریخ هم ماندگار شده باشد و طیف افراد جدی و عمیق را به تفکر وادارد، کامل است؛ حالا، چه در سنت قصه‌نویسی غربی بگنجد، چه در سنت قصه‌نویسی شرقی. اما مشکلی که در این بین وجود دارد و ما را تاکنون مجاب می‌کرد، این است که فکر می‌کنیم هر قصه‌ای که تعریف قصه‌های غربی را نداشته باشد و دارای آن مولفه‌ها نباشد، در ردیف قصه جای نمی‌گیرد. من عمیقاً با این دیدگاه مخالفت کرده‌ام و گفته‌ام این نظر مثل آن است که بگوییم هر معماری‌ای که شبیه برج ایفل نباشد، معماری نیست. در حالی که ما در این سوی جهان، در سرزمین خودمان بنای

کدام یک دلیل تکان دیگری است؟ قطعاً انگشت را دلیل حرکت انگشت اعلام می‌کنید. بین نظریه ادبی و خلاقیت و آفرینش ادبی هم چنین رابطه و وضعیتی حاکم است. به لحاظ زمانی این دو بر یکدیگر مقدم و موخر نیستند اما از نظر ذاتی تقدم و تاخر وجود دارد. به همین دلیل ذهنی که در ذات خودش دارای نظریه‌ای نباشد، امکان خلاقیت پیدا نمی‌کند، اما با خلاقیت، آن ذهنیت را ابراز می‌کند. همان که هایدگر می‌گوید، زبان، تفکر در بیرون است و تفکر، گفت و گو در درون. یعنی وقتی اثر ادبی را خلق می‌کنیم، زبان را تجسد می‌دهیم.

**درواقع هایدگر می‌گوید: زبان، خانه هستی است...** به همین خاطر نمی‌توانیم بگوییم حافظ از روی نظریه ادبی، غزل هایش را سروده است یا این که ابتدا غزل هایش را خلق کرده و بعد نظریه زیبایی‌شناختی آن به وجود آمده است. حرف من این است که این دو در ذهن حافظ توامان شکل می‌گیرند. آن ضمیر ناخودآگاه که در مورد مولانا و دیگران طرح می‌کنیم بعدها جا افتاد. در حقیقت ضمیر ناخودآگاه تجمع و استمرار ضمیر خودآگاه آدمی است. به همین دلیل من می‌گویم سنت نقد ادبی ما که هنوز هم هست، نمی‌تواند از آفرینش اثر ادبی تفکیک شود و نمی‌توانیم بگوییم آفرینش آثار ادبی مانند سمک عیار، قصاید انوری، غزل حافظ و... را داریم، اما پشتوانه نقد و نظریه ادبی آنها را نداریم یا اصلاً نداشته‌ایم! استاد نادر ابراهیمی و عده‌ای از نویسندگان و منتقدان حتی بر این باورند که برخی قصه‌های ادبیات عرفانی ما حتی به لحاظ زمانی بر داستان‌های کوتاه غربی تقدم دارند و زودتر نوشته شده‌اند.

یکی از استادان بزرگ ادبیات آمریکا در جلسه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی مهمان ما بود. ایشان عنوان می‌کرد ما هر چه تلاش کردیم مسمطی مانند مسمط منوچهری در فرهنگ خودمان به وجود بیاوریم که هم روایت باشد هم شاعرانگی داشته باشد و هم با جذابیت همراه باشد، موفق نشدیم. هنوز اثری با این مختصات در فرهنگ غرب خلق نشده است یا اثری هم سنگ «مقامات حمیدی» به وجود نیامده است. ما در عین این که باید به سنت داستان‌نویسی غرب احترام بگذاریم و کارکرد فوق‌العاده‌اش را در عصر مدرنیته و دموکراسی بپذیریم، نباید وجود آن را مستمسکی قرار بدهیم تا به انکار نقد و نظریه در ادب فارسی بپردازیم و سنت قصه‌نویسی را در فرهنگ خودمان نفی کنیم. در کتاب «از معنا تا صورت» تمام تلاش من این بود که اثبات کنم، ما در ادبیات کلاسیک فارسی، نقد و نظریه ادبی بومی خودمان را داشتیم. **شما در تحقیقات خود به کشف کدام نظریه و نقد ادبی در ادبیات فارسی رسیدید و کدام نظریه پردازان را می‌توانیم به جامعه ادبی امروز ایران معرفی کنیم؟**

کتاب «از معنا تا صورت» در دو جلد نوشته شده که یک جلد آن مربوط به مبانی تئوریک نقد و نظریه ادبی است و بحث‌هایی که از بیرون وارد ادبیات می‌شوند. ما در آنجا دو نظریه را اثبات می‌کنیم که یکی صورت‌گرایی - واز نظر من مهم‌ترین نظریه نقد ادبی بومی است - و دیگری، معناگرایی است. فصل دیگری از این کتاب شامل معرفی چهره‌هایی است که به نظریه پردازان در فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند. ده نفر از این چهره‌ها، افرادی‌اند که ایرانی‌اند اما آثارشان را به زبان عربی نوشته‌اند. بعد، ایرانیانی‌اند که دیدگاه‌های خود را به زبان فارسی عرضه کرده‌اند. در ادامه وارد آثار نظم و نثر در ادبیات فارسی می‌شوم که دو جلد این مجموعه به پایان می‌رسد. در پاسخ به بخش دوم پرسش شما، باید بگویم ما دو طیف نظریه پرداز در ادبیات کلاسیک فارسی داریم. یک طیف متکلمان‌اند که برای اثبات مسائل دینی خود به سمت نظریه پردازان ادبی پیش رفتند. مثل عبدالقاهر جرجانی که آثارشان را به عربی نوشتند و در فرهنگ ما تاثیر بسیار زیادی بر جای گذاشتند. عده‌ای از این متکلمان، ادیبانی‌اند که کارشان نقد ادبی است اما اینها هم آثارشان را

به عربی نوشتند، البته این عده هم ایرانی بودند و تاثیر غیر قابل انکاری بر فرهنگ و نقد ادبی بومی گذاشتند. گروه دیگر فلاسفه‌اند مانند ابن سینا، فارابی، خواجه نصیر و... اینها بخش عمده‌ای از نظریه پردازان ایرانی‌اند که آثارشان را برای فراگیر شدن به زبان عربی نوشتند. دومین گروه، ایرانیانی‌اند که نظریه‌های ادبی دارند و نظریه‌هایشان هم بسیار عمیق است. واقعا اگر کسانی نظریه این عرفای بزرگ را درک و فهم کنند، دیگر در برابر نظریه پردازان نقد ادبی غرب دچار خودباختگی نمی‌شوند. از بین این گروه، کسانی هم مثل ابن عربی بودند که در فرهنگ اسلامی به زبان عربی می‌نوشتند و در این حوزه حرف‌های زیادی دارند و پس از او، قونوی، ابن سکیت و... هر یک در این عرصه حضوری تاثیرگذار داشتند. در فرهنگ فارسی از عرفای بزرگی که به نثر نوشته‌اند، می‌توان از هجویری، قشیری و دیگران نام برد. کسانی هم به نظم می‌نوشتند مثل سنایی، عطار، مولوی و... که در ردیف نظریه پردازان بزرگ ادبیات این سرزمین باید از آنها نام برد. البته این سنت ادامه پیدا می‌کند تا به حافظ و جامی می‌رسد. زمانی نظریه‌های نقد ادبی امثال حافظ و جامی کشف می‌شود که وجه چندساحتی شخصیت ادبی‌شان کشف شود. چنان که نظامی در «هفت پیکر» چهار - پنج مورد از این نظریه‌ها را مد نظر داشت. او هم به سمت متکلمان تمایل دارد، هم دیدگاه‌های فلسفی را می‌بیند، هم دیدگاه‌های عرفانی را در نظر دارد و هم دیدگاه‌های واسطه‌را و پس از آن، طرح اثر بزرگ خودش، «هفت پیکر» را می‌ریزد. البته این حرف‌ها بر اساس ذهنیت من ساخته نشده‌اند. همه این موارد را در کتاب «از معنا تا صورت» به صورت مستند آورده‌ام. هیچ یک از این موضوعات خیال‌پردازی نیستند چون سعی کرده‌ام هر نظریه‌ای که ارائه می‌دهم، مبتنی بر متن اثری باشد، یعنی به نوعی مستدل باشد.

**اگر بخواهیم شاخص‌ترین نظریه‌های نقد ادبی را در فرهنگ ایرانی - اسلامی نام ببریم، بر کدام نظریه‌ها باید انگشت گذاشت؟**

بحثی که در این کتاب به تفصیل مطرح شده، این است که ما ادبیات فارسی را چگونه باید در بستر تاریخی‌اش مطالعه کنیم؟ به عنوان ادبیات مستقل و جدا از فرهنگ اسلامی؟ یا این که ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی را بعد از حضور اسلام در ایران به عنوان یکی از شاخه‌های بزرگ و تنومند ایران به عنوان یکی از شاخه‌های بزرگ و تنومند فرهنگ اسلامی باید مورد مطالعه قرار بدهیم؟ به همین خاطر، در پاسخ به سوال شما باید گفت ما دو گونه نظریه در تاریخ ادبیات این سرزمین داریم؛ یکی نظریات تلفیقی‌اند که بین ایرانیان و اعراب مشترکند و دیگر، نظریاتی‌اند مختص ایرانیان که به زبان فارسی تالیف شده‌اند. در حیطه نظریه‌های مختص و مشخص ادبی ایرانی، من نظریه صورت‌گرایی را کشف کردم. نظریه صورت‌گرایی مشخصاتی دارد و در بسترهای تاریخی‌ای به وجود می‌آید به گونه‌ای که پیوندش با سیاست‌های تاریخی و اوضاع سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و به ویژه کلامی و دینی آن دوره غیر قابل انکار است. در واقع صورت‌گرایی مهم‌ترین نظریه ادبی ایرانیان در طول تاریخ شناخته می‌شود. بعد معناگرایی است که بیشتر در حیطه ادبیات تصوف مورد توجه قرار می‌گیرد. هرچند متصوفه هم با معناگرایی شروع می‌کنند و در نهایت به صورت‌گرایی می‌رسند.

**شما این سوال را مطرح کردید که آیا می‌توان با زبانی اساساً در گریز از منطق، علیت و واقعیت (= شعر) به تحلیل و تفسیر روشمند (= نقد) برای رسیدن به موازین عام و اصلی (= نظریه) پرداخت؟ در تحقیقات خود برای این پرسش به چه پاسخی رسیده‌اید؟**

در این کتاب بحثی مطرح شده مبنی بر این که یکی از مشکلات اصلی فرهنگ ایرانی این است که منطق، تعلقات تاریخی‌اش را بر پایه شعر بنا نهاده است و شعر به دلیل سه ویژگی‌ای که دارد،

- یعنی تخیل، وزن و گرایش به قافیه - ، اساساً نمی‌تواند زبان تعقل و منطق قرار بگیرد، به ویژه در عرصه نقد ادبی که منطقی‌ترین و معقولانه‌ترین بخش تفکر فلسفی است و به همین خاطر، فرهنگ و تفکر ایرانی در طول تاریخ، از این ناحیه آسیب بسیار دیده است. من در این اثر به دنبال اثبات این موضوع هم برآمدم چون می‌خواستم توضیح دهم که از وقتی که فرهنگ و تفکر ایرانی به سمت شاعرانگی مطلق رفت و شعر وجه مسلط و غالب ادبیات فارسی شد، فرهنگ ایرانی از مدار منطق‌گرایی و تفکر محوری تا حد زیادی دور شد. چه رسد به این که شاعری بخواهد خودش نقد و نظریه ادبی‌اش را در قالب شعر ارائه کند. وقتی شما نظامی را می‌خوانید که می‌گوید: چون که نسخه‌سخن سرسری/ هست بر گوهریان گوهری/ نکته نگه دار و ببین چون بود/ نکته سنجیده که موزون بود، این اساس اندیشه نظامی را نشان می‌دهد که مابه‌دلیل ویژگی‌هایش می‌گوییم شعری خوب است؛ درحالی‌که داریم شعری می‌گوییم و حتماً باید این شعر قافیه و وزن داشته باشد و از عنصر تخیل هم بهره‌برده که این سه رکن چندان با تعقل و منطق - که اساس نقد و نظریه ادبی باید باشد - سر سازگاری ندارد. این یک پارادوکس فرهنگی در تاریخ ادبیات ماست که باید به آن کمی توجه کنیم. نکته جالب اینجاست که بسیاری از حاکمان این سرزمین نثر فارسی را تضعیف و به اعتلای شعر کمک کردند. چون بنا به تعریف ژان پل سارتر، شعر نوعی رقص است اما نثر نوعی راه رفتن است. رقص هیچ مقصدی ندارد، اما رفتن به مقصد می‌انجام.

به همین دلیل بسیاری از حاکمان در طول تاریخ به شاعران صله می‌دادند. مثل سلطان محمود که ملک الشعراء بهار در کتاب «سبک‌شناسی» اش می‌گوید: «سلطان محمود صراحتاً نثر را تضعیف می‌کرد. برای این که آن عقلانیت مستتر در نثر سبب می‌شود که به پرویای قدرت حاکم بیچد»، به همین خاطر من این نکته شما را تایید می‌کنم که از بین شش شخصیت بزرگ در تاریخ ادبیات این سرزمین، پنج نفرشان شاعرند. ما نتوانستیم حتی یک نفر نثرنویس در حد و اندازه شاعران بزرگ فارسی به جامعه معرفی کنیم. سعدی هم حتی در گلستان شاعر است نه نویسنده. شما نثر ناصر خسرو را با نظمش مقایسه کنید، نثر مولانا را با نظمش مقایسه کنید، می‌بینید این دو چهره بزرگ ادبیات در عرصه شعر در اوج قرار دارند اما در عرصه نثر ادیبی متوسطنند. این شاعرانگی در طول تاریخ چقدر جامعه ما را از تفکر، اندیشه و منطق محوری دور و به عرصه احساسات نزدیک کرده.

**البته شاملو، نظامی را بزرگ‌ترین رمان‌نویس ادبیات فارسی می‌شناسد.**

دقیقاً همین‌طور است. من هم با این نظر موافقم که نظامی سه جنبه ادبیات یعنی روایت، نظم و شاعرانگی را تلفیق کرده و با خلاقیت بی‌نظیری رمان «هفت پیکر» را در قالب نظم خلق کرده است. منظور شاملو بیشتر آن جنبه روایت‌پردازی نظامی است که این اثر را همسنگ رمان ارزیابی می‌کند، نه زبان هفت پیکر چون زبان این اثر خیلی درگیر خودش است و درحالی‌که جنبه کارکردی‌اش باید به سمت تعقل و گسترش معنادار مسائل و مفاهیم پیش برود،

## در کتاب

«پیمان‌های بی‌پایان»

بین سنت داستان‌نویسی

غربی و سنت قصه‌نویسی

شرقی تفاوت قائل شده‌ام.

به نظر من سنت

قصه‌نویسی آن نیست که

غرب ارائه می‌دهد

با جنبه روایت‌پردازی آن خیلی تفاوت دارد.

**شما در این اثر برای «نظریه ادبی ایرانی» چه معیارهایی را در نظر گرفته‌اید؟ آیا نظریه‌ای که به زبان فارسی عرضه شده، ایرانی است؟ یا نظریه پردازان باید ایرانی بوده باشد، حتی اگر اثرش را به زبان عربی نوشته باشد؟**

این یکی از مشکلات بزرگ روزگار ماست که ایرانی کیست؟ آیا کسی که به زبان فارسی می‌نویسد؟ آیا کسی که در ایران زندگی می‌کند؟ آیا کسی که در حدود جغرافیای زبان فارسی زندگی می‌کند؟ به هر حال سه چهارم مشخصه برای ایرانی بودن برشمرده‌اند و هر یک را هم که در نظر بگیریم تعریف جامعی از ایرانی بودن نیست و ایجاد مشکل می‌کند. اگر زبان فارسی را معیار و ملاک ایرانی بودن در نظر بگیریم، بسیاری از بزرگانمان حتی یک سطر هم به زبان فارسی نوشته‌اند. اگر معیار ایرانی بودن را مرزهای جغرافیایی در نظر بگیریم، بسیاری از بزرگ‌ترین شاعران ما مانند نظامی و مولانا در این محدوده خاکی زندگی نمی‌کردند. اگرچه همه آثارشان را به زبان فارسی نوشته‌اند. مثلاً عبدالقاهر جرجانی هیچ متنی حتی به اندازه یک صفحه به زبان فارسی ندارد یا ابن سینا که دو کتاب کم‌حجم به فارسی دارد یا فارابی و...

من برای حل این معضل سه معیار برای ایرانی بودن در نظر گرفتم؛ یکی ایران تاریخی، دیگر ایران فرهنگی و سومین معیار ایران سیاسی است. در این کتاب مراد من بیشتر ایران فرهنگی است یعنی افرادی که در گذشته تاریخی این سرزمین ایرانی محسوب می‌شدند و در محدوده جغرافیایی این سرزمین و در قلمرو حکومت ایران می‌زیستند. با این تعریف کسی منکر ایرانی بودن عبدالقاهر جرجانی نیست حتی اگر کلمه‌ای به زبان فارسی نوشته باشد. معیار دیگر ایرانی بودن این که عضوی از ایران فرهنگی و از جهات مختلف بر ادبیات فارسی تاثیر گذاشته باشد.

**چند سال قبل کتابی با عنوان «دوره عربی زبانی در ادبیات فارسی» از نظام‌الدین زاهدان با ترجمه پروین منزوی منتشر شد که بسیار آموزنده بود. شما این کتاب را دیده‌اید؟**

کتاب‌هایی از این دست فراوانند. من واقعا تا آنجا که می‌توانستم کتابخانه‌های ترکیه، ایتالیا، هلند، لندن و بسیاری از کتابخانه‌های ایران را جست‌وجو کردم و در عین ناباوری، دیدم که خارجیان چقدر در همین مبحث کار کرده‌اند. بسیاری از همین نظریه‌ها را که در لندن ارائه می‌دادم، برخی از استادان و محققان اروپایی دچار حیرت می‌شدند و با تعجب می‌پرسیدند که آیا این نظریه‌ها واقعا مال شماست؟ آیا این نظریه‌های ادبی را ایرانیان نوشته‌اند؟ آیا به زبان فارسی نوشته‌اند؟ من در دانشگاه لندن داشتم نظریه‌شنیدار، دیدار، گفتار و نوشتار ناصر خسرو را توضیح می‌دادم. او در کتاب‌های منثورش، یکی از اولین کسانی است که در تاریخ ادبیات جهان بین این چهار حوزه ارتباط برقرار می‌کند.

چند تن از استادان غربی مطرح می‌کردند که این مباحث برای ما خیلی تازه‌اند. من در جواب گفتم این حرف‌ها، نظرات یکی از متفکران و ادیبان درجه دوم فرهنگ و ادبیات فارسی است. آنها گفتند نکند این مباحث حاصل استنباط‌های خود شما باشد؟ که من ناگزیر رفتم کتاب ناصر خسرو را آوردم و به آنها نشان دادم. کتاب «جامع‌الحکمتین» ناصر خسرو را عیناً برای آنها خواندم. خیلی باحیرت می‌پرسیدند که چرا این نظریات طبقه‌بندی و به جهان امروز عرضه نمی‌شود؟ در تایید نظر شما که گفتید روس‌ها در زمینه دوره عربی زبانی در ادبیات فارسی کار کرده‌اند، باید عرض کنم من بیشترین سرمایه‌ام را در راه تالیف کتاب دو جلدی «از معنا تا صورت» نه از طریق آثاری که ایرانیان نوشته‌اند، بلکه از طریق آثاری که دیگر محققان و پژوهشگران به زبان انگلیسی نوشته‌اند، کسب کرده‌ام چون آنها اشراف بیشتری از حیث نظریه‌پردازی در فرهنگ ما دارند.

جایگاه کتاب در برنامه های رسانه ملی کجاست؟

# مهمانی کم فروغ کتاب در جعبه جادویی

کتاب های ارزشمند این حرکت را رهبری کنند. او در توضیح بیشتر این نوع نگاه می افزاید: «چگونه است وقتی یک مولف از دنیا می رود و خبر درگذشت او منتشر می شود، ناگهان بازار کتاب با خیل جمعیتی مواجه می شود که برای خرید کتاب او از یک کتابفروشی به کتابفروشی دیگر می روند؟ آیا می توان این را به محتوای کتاب مربوط دانست؟ مگر پس از مرگ یک نویسنده محتوای کتاب او تغییر کرده است؟ در واقع به محض آن که کسی در رسانه ها مطرح و معرفی می شود، جامعه به سمت کتاب های او سوق پیدا می کند. به همین دلیل صداوسیما می تواند برای کتاب ها جریان سازی کند. اکنون کتاب های بسیار خوبی در حوزه دفاع مقدس چاپ و منتشر شده است و می توان نمونه های خوبی را عنوان کرد اما مناسبانه دلیل آن که این کتاب ها جریان ساز نشده اند کم کاری رسانه ها، به ویژه رسانه ملی است.»



ریاحی امجد، محقق و پژوهشگر، درباره این موضوع و کم کاری رسانه ملی می گوید: «شاید تراکم برنامه ها عاملی است که اجازه پرداختن به صورت جدی به این مقوله ها را نمی دهد. در این شرایط نمی توان رسانه ملی را متهم کرد. اگر شش یا هفت شبکه تلویزیونی روزانه ۲۰ ساعت برنامه هم ارائه کنند، در نهایت ۱۲۰ تا ۱۴۰ ساعت برنامه خواهند داشت و به یقین هر موضوعی باید از این ۱۲۰ ساعت سهم داشته باشد. به همین دلیل است که گاهی نشست های نقد و بررسی یک کتاب که در سازمان های مختلف انجام شده است، با چند ماه تاخیر به نمایش درمی آید. تنها یک برنامه خبری علمی و فرهنگی در تلویزیون وجود دارد و این برنامه نمی تواند تمامی خبرهای حوزه کتاب را پوشش دهد.»

## خاطره خاموش آقای حکایتی

برای آن که تبلیغات کتاب در صداوسیما به نحوی اجرا شود که تنها این عرصه در اختیار کارخانجات بزرگ تولیدکننده مواد غذایی و... نباشد و اگر ناشری هم وارد این عرصه می شود، تنها از میان ناشران آموزشی و کمک آموزشی نباشد البته همین موضوع نشان می دهد کالایی در تلویزیون تبلیغ می شود که بازار آن رقابتی باشد - تقریباً سازوکارها مشخص است. اداره بازرگانی سازمان صداوسیما حلال تفاوت تبلیغات کالاها و فرهنگی و کالاهای مصرفی را می داند؛ اما آیا ناشران نیز پاتهنه کنندگان و برنامه سازان تلویزیونی و رادیویی تعامل دارند؟ آیا برنامه سازان این جدیت را در پیگیری ساخت برنامه های تصویری برای معرفی کتاب، تبلیغ کتاب و توسعه فرهنگ کتابخوانی و برداشتن موانع موجود از خود نشان داده اند؟

سال ها پیش، شاید ۲۰ سال قبل از این، برنامه ای ویژه کودکان و نوجوانان از تلویزیون پخش می شد که شاید خاطر شما هم باشد. آقای حکایتی، کتابی را باز می کرد و داستانی را می خواند و بعد، گروه نمایشی او این داستان را مثل یک نمایش تلویزیونی اجرا می کرد. همین که نمایش با ورق زدن یک کتاب آغاز می شد، این تلنگر را به ذهن کودکان آن روزگار می زد که وقتی تلویزیون برنامه ای ندارد می شود نمایش های آقای حکایتی را در کتاب ها هم پیدا کرد. امروز تلویزیون طوری عمل می کند که گویی هرچه شما خواسته اید، در این جعبه جادویی پیدا می شود، حتی آنچه در کتاب هاست. البته برگزاری مسابقات تلویزیونی کتابخوانی و طرح سوالانی از کتاب ها می تواند باعث تورق کتابی شود اما باید توجه داشت چراغ شوق مطالعه را در ذهن کسی روشن نمی کند.

قائل به دسته بندی های نامعتبری است که پای برخی ناشران را به جعبه جادویی باز نمی کند. اگر گزارش یا ویژه برنامه ای درباره کتاب پخش می شود، معمولاً ناشران بخش دولتی که از امکانات بیشتری هم برخوردارند و توان تبلیغاتی بالایی دارند، در آن حضور دارند یا تنها کتاب های خاصی از طریق این رسانه معرفی و تبلیغ می شوند. در این مورد صداوسیما به سلاقی مختلف و طیف گسترده مخاطبان خود توجهی ندارد.»

## اول هنجار سازی، بعد تبلیغات

امیر ریاحی امجد، محقق و نویسنده پژوهشی در حوزه رسانه مشغولیت فعلی اوست، می گوید: «باید پرسید چرا همه از صداوسیما انتظار دارند که وظیفه هنجار سازی را در خود و اجتماع برعهده بگیرد. بستن کمر بنیادینی، رعایت قوانین شهروندی، مطالعه کتاب، دوری از مواد مخدر، رعایت حقوق همسایه، گذاشتن زباله رأس ساعت مقرری بیرون از خانه و موضوعاتی اند که این روزها صداوسیما می خواهد به آنها پردازد. این موضوع به تاثیر گذاری این رسانه مربوط می شود اما نباید فراموش کرد که این تاثیر خیلی زیر پوستی و تلویحی عمل می کند. ما پیش از آن که درباره توجه صداوسیما به تبلیغات و معرفی کتاب بپردازیم، باید در گام قبلی ببینیم آیا این رسانه در هنجار سازی فرهنگ مطالعه درست عمل کرده است؟ نقطه ضعف به طور دقیق در همین جاست. اگر فرهنگ مطالعه را جایبندازیم، مردم کتاب های خودشان را پیدا می کنند. وقتی فضای عرضه کتاب، فضایی رقابتی شود، آن وقت هنگام تبلیغات است، در غیر این صورت وقتی هنوز نیاز به کالایی احساس نمی شود، تبلیغات صرف، هدر رفتن هزینه و زمان برای مخاطبی است که منتظر است حواشی تمام شود تا برنامه مورد علاقه اش را ببیند. چندی پیش سریال پرینده ای از تلویزیون پخش می شد به نام «کتابفروشی هدهد»، این یک راهکار است که معمولاً در صداوسیما توجه به موضوعی خاص را با بخشنامه و دستورالعمل اعلام می کنند. بعد کارگردان یک قفسه کتاب، یا نامی از کتابخانه و رادر فیلم یا برنامه خود یا گزارشی که تهیه کرده است، می گنجاند. این کاملاً ضد تبلیغ است.»

## صداوسیما جریان سازی نمی کند

رحیم مخدومی از نویسندگان عرصه ادبیات پایداری معتقد است جامعه ایران آماده حرکت به سمت مطالعه و پذیرفتن کتاب به عنوان یک همراه همیشگی است اما در این میان رسانه ها باید با معرفی

## جای خالی کتاب در برنامه های عام سیما

مدیر یکی از بنگاه های انتشاراتی درباره میزان توجه صداوسیما به کتاب می گوید: «واقعیت این است که این توجه وجود دارد، یعنی به وجود آمده است. در یک دهه اخیر شاهد نشست های تخصصی درباره کتاب، ویژه برنامه های کتاب و معرفی کتاب از سوی مجریان برنامه های تلویزیونی بوده ایم. حتی شاهدیم که در برنامه ای به میهمانان برنامه کتاب هدیه داده اند اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، قبل از کمیت برنامه های تلویزیونی و رادیویی، کیفیت آنهاست، نظیر این که چگونه به موضوع کتاب می پردازند. در برخی تلویزیون های خارجی معمولاً مدت زمانی را در پرینده ترین ساعات پخش، به تبلیغ یا معرفی کتاب می پردازند. اکنون توجه سیما به کتاب بیشتر در برنامه های نخبه گرا دیده می شود. در شبکه چهار سیما، در برنامه های پایانی و در ساعات پایانی شب، اگر در برنامه پرینده ای - گمانم صندلی داغ بود کتاب هدیه می دهند، خیلی محدود است. در حالی که صداوسیما به عنوان عمومی ترین و تاثیر گذارترین رسانه کشور باید کتاب را به متن جامعه بکشانند چرا که این قدرت و اثر گذاری را دارد، و گرنه جماعت کتابخوانی که برنامه های نخبه گرا را تماشا می کنند، نیازی چندانی به تبلیغ کتاب از رسانه ملی ندارند. آنها اغلب برنامه ای برای خرید و مطالعه کتاب دارند پس باید آن گروه از مخاطبان را که با کتاب رابطه ندارند، از راه تولید برنامه های عامه پسند و هدف دار با کتاب آشتی داد.»

موضوع دیگری که این ناشر مطرح می کند، به دیدگاه های صداوسیما در مواجهه با جریان های مختلف فکری مربوط می شود. او می گوید: «متأسفانه به نظر می رسد صداوسیما در برخورد با مقوله کتاب

کتاب و رسانه های تصویری، دوست یا دشمن هم اند؟ آیا می توان از صداوسیما انتظار داشت که با تبلیغ برای کتاب و کتابخوان کردن مردم، آنها را به عنوان مخاطب از دست بدهد؟ اگر قرار باشد مردم تلویزیون های خود را خاموش و کتاب هایشان را باز کنند، آیا صداوسیما به این خطر یعنی ریزش مخاطبان خود تن می دهد؟ اصلاً طرح این پرسش ها در ابتدای گزارشی که قرار است نقش صداوسیما در گرم کردن بازار کتاب و معرفی کتاب های تازه را بررسی کند، لازم است؟ این پرسش ها می توانند پرسش هایی باشند که در باب ذات رسانه ها مطرح شود. پیداست که با آمدن تلویزیون و در برابر هجوم این رسانه پرزرق و برق و مسلط، کتاب به حاشیه رانده شد و دیگر نه سرگرمی و نه دریچه ای رو به جهان بود. تلویزیون خیلی مشتاق است که تنها دریچه باز ذهن مخاطبان رو به جهان باشد. سند مغلوب شدن کتاب در جنگ با رسانه های تصویری در خانه خیلی از آدم های گذشته وجود دارد. در قفسه های قدیمی خانه عامی ترین افراد که بهره ای در حد خواندن و نوشتن از سواد عمومی داشتند، می توان کتاب هایی را پیدا کرد. هر چند کتاب هایی عام و با مفاهیمی درخور سطح درک مخاطب اما قفسه های کتاب در خانه تحصیل کردگان امروزی جایگاه ویژه ای ندارد. در معماری خانه های امروزی جایی برای قفسه های کتاب در نظر نمی گیرند اما حتماً جایی که باید تلویزیون در آنجا قرار گیرد، مورد توجه است.»

## تبلیغات کتاب در صداوسیما

از آخرین باری که موضوع توجه رسانه ملی به کتاب به صورت جدی و از زبان مدیران صداوسیما مورد توجه قرار گرفت، سه سال و اندی می گذرد. در روزهای برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در سال ۱۳۸۵، محمدحسین صفارهرندی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به تعامل این وزارتخانه با صداوسیما درباره تبلیغ کتاب اشاره کرد و در این باره گفت: «ما ارتباط های نزدیکی را با مدیریت صداوسیما داشته ایم، آنها هم برای انعکاس خبرهای حوزه کتاب و نشر و همچنین تبلیغ آن اعلام آمادگی کرده اند.»

آن روزها وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر این که چون سایر مقولات و کالاهای کتاب هم باید در رسانه ملی تبلیغ شود، وعده داد: «قرار است تعرفه ای خاص برای تبلیغ کتاب تدوین شود، آن هم با حداقلی قابل قبول برای اهالی نشر تا صدمه ای به این دوستان نرسد، البته یکی دیگر از تعاملات ما این است که صداوسیما در ساخت سریال ها و فیلم های خود توجه بیشتری به کتاب نشان دهد. برای اجرایی شدن این تعرفه فقط کافی است که سازوکارهای آن را تدوین کنیم و در این مورد با صداوسیما به توافق برسیم. روح کلی قضیه مورد توافق ماست.»

در همان زمان حسن تقدس نژاد، معاون مالی و اداری سازمان صداوسیما، از تبلیغات رایگان کتاب در صداوسیما خبر داد و گفت: «طی ۱۰ روز آینده سازوکار چگونگی تبلیغات کتاب در صداوسیما مشخص می شود و نویسندگان و ناشران می توانند کتاب هایشان را از طریق رسانه ملی تبلیغ کنند.»

اگرچه همه چیز از اهتمام صداوسیما به توسعه فرهنگ کتابخوانی و معرفی کتاب حکایت می کرد اما هنوز شاهد توجه جدی این رسانه به موضوع کتاب و کتابخوانی نیستیم. هر چند نسبت به گذشته شرایط مساعدتری فراهم شده است اما این شرایط مساعد از سوی برخی ناشران با اما و اگرهایی مواجه است.





## صهیونیست‌ها و استفاده ابزاری از آثار مکتوب

# خطوط سیاهی به سرخی خون



رویدادهایی که به کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اردن انجامید (۱۹۷۰ م) و حوادثی که به سپتامبر سیاه و قتل عام هولناک پناهندگان اردوگاه‌های صبرا و شتیلا توسط صهیونیست‌ها و نیروهای فالانژ تحت امر آنها منجر شد (۱۹۸۲) همراه بسیاری از وقایع دیگر، رشته حوادث به هم پیوسته‌ای است که بررسی آنها به شیوه‌ای جداگانه و بدون در نظر گرفتن زنجیره اتفاقات، به تحقیقی دقیق نمی‌انجامد.

به همین گونه، بررسی امضای قرارداد میان ساف و رژیم صهیونیستی که خیانت به آرمان‌ها و مبارزات مردم فلسطین بود، در گرو شناخت حوادث پیش از آن، شکل‌گیری انتفاضه و پیدایش و رهبری حماس است. «مجید صفاتاج» که نویسنده بیش از ۳۰ عنوان کتاب در زمینه فلسطین و صهیونیست‌هاست می‌گوید: «صهیونیست‌ها درباره جنایت‌هایی که از حدود یک صد سال پیش در فلسطین انجام داده‌اند و هنوز هم انجام می‌دهند، در کتاب‌ها و آثار مکتوبشان هرگز حقیقت را نمی‌نویسند، بلکه می‌نویسند و مدعی می‌شوند که تنها برای بازگرداندن سرزمین آباء و اجدادی خود و دفاع مشروع دست به چنین کاری زده‌اند. در صورتی که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی ژنو و لاهه و همچنین منشور سازمان ملل متحد، رژیم صهیونیستی یک حکومت و رژیم و دولت اشغالگر است که با استناد به ادعاهایی واهی که هیچ‌گونه مبنای حقوقی ندارند و با کمک استعمارگران انگلیسی و همچنین ایالات متحده آمریکا، وارد سرزمین فلسطین شدند و دولت غاصب اسرائیل را تأسیس کردند.

نویسنده فرهنگ جامع فلسطین (۳ جلد در انتشارات سفیر اردل) می‌افزاید: «صهیونیست‌ها پیش از تشکیل دولت اسرائیل و بعد از آن، اقدامات سرکوب‌گرانه بسیاری انجام داده و دست به کشتار فلسطینی‌ها زده‌اند که به طور کامل این اقدامات مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی لاهه در سال ۱۹۱۹ و ژنو در سال ۱۹۴۹ است و بسیاری از اقدامات تروریستی و سرکوب‌گرانه، از سوی مجامع جهانی محکوم شده‌اند. رژیم صهیونیستی که موجودیت خود را بر اساس معیارهای تروریستی، نژادپرستانه و نظامی‌گری استوار کرده است، این اقدامات را ادامه داده و هیچ توجیحی به آنها نکرده است و این گونه اقدامات را دفاع مشروع از شهروندان خود تلقی کرده است!»

نویسنده «دانشنامه ۸ جلدی فلسطین» خاطر نشان می‌کند که رژیم صهیونیستی دفاع مشروع مردم فلسطین را اقدامات تروریستی و اقدامات تروریستی و سرکوب‌گرانه خود را دفاع مشروع می‌داند و بر اساس این تفکر و بینش، در کتاب‌های درسی و غیردرسی و حتی در رسانه‌های گفتاری، نوشتاری و دیداری مانند صنعت سینما، کوشش کرده این تفکر خود را بن‌حاطبان القا کند که اسرائیل در نظام دفاع مشروع در مقابل تروریسم فلسطینیان قرار دارد.

مولف کتاب «ماجرای فلسطین» و «تروریسم صهیونیستی» در ادامه سخنانش می‌افزاید: «از نگاه رژیم صهیونیستی، فلسطینیان افرادی نیستند جز گروه‌های تروریستی که علیه شهروندان اسرائیل دست به فعالیت‌های نظامی می‌زنند. البته باید گفت که رژیم صهیونیستی مجبور شده به بخشی از جنایات‌ها در برخی از کتاب‌های درسی و غیردرسی اعتراف کند. البته این اعترافات مربوط به پیش از تشکیل حکومت اسرائیل بوده است. اما درباره جنایت‌هایی که بعد از تشکیل اسرائیل انجام داده، کوشش کرده لایه‌ای از تفکرات انسان‌دوستانه را بر آنها بکشد به این معنا که

اسرائیل مورد تهدید و حملات تروریستی واقع شده و اقداماتی که می‌کند، یک دفاع مشروع است.

در اینجا، با توجه به منابع و مآخذی که به زبان فارسی منتشر شده‌اند، به بررسی کوتاه این حادثه‌ها پرداخته می‌شود تا زمینه‌ای برای مطالعه گسترده حرکت مردم فلسطین و رودرویی آنها با صهیونیست‌ها فراهم شود.

### فاجعه سپتامبر سیاه، کشتار فلسطینی‌ها توسط شاه سلیمان حسین (۱۹۷۰ م)

کشور پادشاهی اردن از پاییز ۱۹۶۸ میلادی عملاً پایگاهی نظامی برای رزمندگان فلسطینی به شمار می‌رفت. بسیاری از چریک‌های «الفتح» در این کشور به سر می‌بردند و از آنجا که برای پیشبرد اهداف خود اقدام می‌کردند امداد‌رسانی‌هایی که به نظر می‌رسید فلسطینی‌ها دوستانی در میان سردمداران اردنی یافته‌اند، ناگهان شاه حسین؛ پادشاه اردن، ماهیت سازشکارانه و خیانت‌آمیز خود را نشان داد و در دهم آوریل ۱۹۶۹ قطعنامه‌ای به شورای امنیت ارائه کرد که در آن رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته می‌شد.

چندی بعد در ۱۶ سپتامبر همان سال، دولت اردن با تشکیل کمیته‌ای نظامی، به سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) اعلان جنگ داد. از آن سو چریک‌های فلسطینی به فرماندهی «یاسر عرفات» آرایش جنگی گرفتند و در صدد پایداری در برابر هجوم ارتش اردن برآمدند. طی ۱۰ روز جنگی که همزمان با آن در گرفت، نظامیان اردنی به کشتار و قتل عام فلسطینی‌ها دست زدند و هزاران تن از آنان را کشته و مجروح کردند. این فاجعه که در تاریخ مبارزات مردم فلسطین به «سپتامبر سیاه» شهرت یافته است، گوشه‌ای از سرشت استکباری و ضد مردمی دولت‌های آنان را نشان می‌دهد و نمونه‌ای از همسویی آنها با سیاست‌های رژیم صهیونیستی برای نابودی مردم فلسطین به شمار می‌رود.

منابع فارسی برای شناخت و رویدادنگاری سپتامبر سیاه و کشتار فلسطینی‌ها، تا حدودی پراکنده‌اند. کتاب‌هایی که در این زمینه می‌توان یافت، معمولاً دربردارنده تحلیل وقایع چندین ساله پیدایش سازمان‌های رزمنده فلسطینی و سیر مبارزات آنان است که در ضمن آن به رویداد سپتامبر سیاه نیز پرداخته شده است.

نخست می‌توان به کتاب «استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن» اشاره کرد که تحقیقی است از موسسه الارض (انتشارات بین‌المللی اسلامی) و نیز کتاب «استراتژی اسرائیل (۱۹۶۷-۱۹۴۸)» نوشته دکتر غازی اسماعیل ربابعه (ترجمه محمدرضا فاطمی - نشر سفیر) که پیش‌زمینه‌های رویداد سپتامبر سیاه و موقعیت استراتژیک رزمندگان فلسطینی و ارتش آزادیبخش را روشن می‌سازد و به تحلیل زیربنا و شیوه تفکر نظامی دولت صهیونیستی می‌پردازد.

کتاب «تقویم سیاسی خاورمیانه» (مقالات ماهنامه آلمانی سیاست آلمان و جهان) ترجمه دکتر محمد کتابی نیز حاوی روزشمار وقایع مهم خاورمیانه در سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۸۶ است که مطالب عمده آن به مساله فلسطین و رویدادهای مرتبط با آن ارتباط می‌یابد.

به تازگی نیز نشرنی کتاب «فلسطین: نگاه آمریکاییان» اثر لورنس دیویدسون را با ترجمه حسن گلریز منتشر کرده است. این کتاب از نگاه جامعه‌شناسی، در ریشه‌های مساله فلسطین کاوشی نو دارد و از این منظر به فلسطین و کشتار آن در سپتامبر سیاه می‌پردازد.

### قتل عام صبرا و شتیلا (۱۹۸۲ میلادی)

بر اساس منابع تاریخی، از ۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ میلادی (۲۵ تا ۲۸ شهریور ۱۳۶۱) شبه‌نظامیان فالانژ

لبنانی همراه نظامیان صهیونیستی به بهانه ترور بشیر جمیل؛ رئیس‌جمهور لبنان، به اردوگاه پناهندگان فلسطینی صبرا و شتیلا در جنوب لبنان یورش بردند و به قتل عام فلسطینی‌ها دست زدند. آنها درهای ورودی اردوگاه را بستند و با گردآوری فلسطینیان در حومه بیروت با وحشیانه‌ترین وضع ممکن به نابودی آنها دست زدند. رهبری نیروهای فالانژ را «ایلی جیقه» برعهده داشت. تعداد کشته‌شدگان این فاجعه را تا مرز ۶۰۰۰ نفر نیز تخمین زده‌اند. این کشتار درحالی بود که اردوگاه پناهندگان فلسطینی در محدوده تحت کنترل نیروهای صهیونیستی قرار داشت.

تحقیقات بعدی نشان داد که سرکرده نیروهای دفاعی صهیونیستی، آریل شارون، مسبب اصلی فاجعه هولناک صبرا و شتیلا بوده است. در ۱۶ دسامبر همان سال، سازمان ملل متحد این کشتار را محکوم کرد و آن را نسل‌کشی نامید. هنوز هم با وجود گذشت سالیانی از آن فاجعه، ابعاد واقعی جنایت صهیونیست‌ها کاملاً روشن نشده است، اما اسناد و مدارک باقی‌مانده ثابت می‌کند آریل شارون در این رویداد ضد انسانی دخالت مستقیم و غیر قابل انکار داشته است. از این زمان به بعد بود که او را «قصاب صبرا و شتیلا» نامیدند.

در میان منابع تاریخی به زبان فارسی، درباره کشتار

اردوگاه‌های صبرا و شتیلا، پیش از همه باید به کتاب «تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده (به انضمام قتل عام در صبرا و شتیلا)»، گردآوری شده توسط غازی خورشید با ترجمه حمید احمدی (انتشارات امیرکبیر) اشاره کرد که ابعادی از آن فاجعه را روشن می‌سازد. کتاب «صبرا و شتیلا» از موسسه پژوهش‌های فلسطین نیز مآخذ باارزشی برای شناخت و بررسی حادثه اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی محسوب می‌شود.

کتاب «آسمان گریست (کشتارهای اسرائیل از دیدگاه ناظران عینی)» نوشته تونی کلیفتون، ترجمه کاظم چاپچیان (انتشارات امیرکبیر) نیز برای شناخت شیوه جنایت‌های رژیم صهیونیستی، دربردارنده مطالب ناگفته‌ای است.

همچنین کتاب «تروریسم مقدس اسرائیل (پژوهشی بر اساس یادداشت‌های خصوصی موسسه شارت و سایر اسناد و مدارک)» نوشته لیویا دوکاج با ترجمه مرتضی‌اسعدی (انتشارات کیهان) اثری درخور توجه است و گوشه‌های دیگری از سیاست کشتار و ترور دولت اشغالگر فلسطین را آشکار می‌سازد.

خانه کتاب

## فراخوان

### یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بین ماه ۱۳۸۸ برگزار می‌شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و نشران دعوت می‌کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

- ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی  
- حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان و مصححان و نشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

- آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.  
- کتاب‌های درسی و کمک‌درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-  
دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۳۱۸ : دورنگار : ۶۶۹۶۳۱۹  
www.ketabul.ir



بنفشه محمودی

سردر باغ ملی، مثل قطعه‌ای از پازل تهران قدیم است که در امروز جا مانده باشد! از این سردر پر نقش و نگار که می‌گذری، از هیاهوی یکی از شلوغ‌ترین خیابان‌های تهران - انگار - یکباره به یک باغ مخفی پرتاب می‌شوی که درخت‌ها و بناهایش در زمان دیگری نفس می‌کشند. کتابخانه و موزه ملی ملک بنایی از بناهای این مکان قدیمی است؛ یادگاری از تلاش حاج حسین ملک که یک تنه به گردآوری میراث کهن نسخ خطی، سکه‌ها، اشیای قدیمی، مرقعات، تابلوهای نقاشی و... همت گماشت تا مجموعه‌ای گردآورد که نه در نوع خود، بلکه در مقایسه با بیشتر مجموعه‌های کشور، یگانه باشد. او در زمان حیات خود، همه این مجموعه را وقف آستان امام هشتم (ع) کرد. این بنا که در سال ۷۵ به بهره‌برداری رسیده، نمونه‌ای از ساختمان‌های قدیمی تهران است که اگر به محله‌های مرکز قدیم تهران نروی، نمی‌توانی نظیرش را ببینی. این کتابخانه و موزه اما، جز تابلوی راهنمای نارنجی رنگ نزدیک سردر باغ ملی، هیچ نشانی ندارد و از چهارراهی که در اطراف محوطه باغ ملی تعبیه شده، سه‌راه در میان نرده‌های بلند محبوس است و با درهای کوچکی به محوطه باغ ملی باز می‌شود. با سید مجتبی حسینی مدیرعامل جوان کتابخانه و موزه ملی ملک درباره این مجموعه گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. او می‌گوید: «قصه حاج حسین ملک، یک قصه شنیدنی درباره برهه‌ای از تاریخ ایران و نشان‌دهنده انگیزه‌هایی است که او را به گردآوری و وقف این مجموعه ترغیب کرده است.»

در گفت‌وگو با مدیرعامل کتابخانه و موزه ملی ملک مطرح شد

## توجه ویژه به نگهداری نسخ خطی

شده است. در گذشته، دسترسی به نسخه به این معنا بود که اصل نسخه توسط پژوهشگران دیده شود. در وقف نامه، به دلیل حساسیتی که مرحوم ملک درباره نسخه‌های خطی داشته، تصریح شده است که هنگام استفاده پژوهشگران، مدیر کتابخانه حتما باید حضور داشته باشد. بعضی نسخ هم در ویتترین دیده شوند یا با هیچ جسمی که به بافت کاغذ فشار وارد کند، در تماس نباشند.

البته در روزگار ما به دلیل فراگیر شدن میکرو فیلم و سپس منسوخ شدن آن و به وجود آمدن شرایط استفاده از نسخه‌های دیجیتال و اسکن صفحات کتاب، می‌توان برای دیدن نسخ خطی از رایانه استفاده کرد و مراد تحقیق را برآورد! اما این مساله در موارد خاصی که مراد تحقیق جز بآیدن اصل نسخه برآورده نشود، استثنائاتی دارد.

در گذشته، درباره ارائه تصاویر نسخ خطی نظم و انضباط کمتری وجود داشت اما در حال حاضر یک کمیته همکاری‌های پژوهشی در کتابخانه شکل گرفته که آیین نامه همکاری‌های پژوهشی را تنظیم کرده است. بر اساس این آیین نامه‌ها، احراز هویت فرهنگی مراجعه‌کننده‌ای که طالب دیدن یک نسخه خطی یا تصویر آن است، اهمیت زیادی دارد. چون نسخه‌های خطی سرمایه موسسه‌اند و خواهان این هستیم که به بهترین نحو از آنها استفاده شود.

**شرایط عضویت در این کتابخانه چگونه تعریف شده است؟**

برای پذیرش عضو در این مجموعه محدودیتی وجود ندارد اما آنچه برای ما مشکل ساز می‌شود، ظرفیت محدود پذیرش عضو است. مطابق آیین نامه‌ای که برای استفاده از خدمات کتابخانه‌ای تعریف شده هر مراجعه‌کننده‌ای بر حسب سطح علمی، میزان اهمیت تحقیق و سهمش در تولید علم، در یکی از گروه‌های عقیمی یا لاچوردی به عضویت پذیرفته می‌شود.

**درباره انتشار این نسخه‌ها به صورت چاپی چه اقداماتی در کتابخانه و موزه ملک انجام شده است؟**

مجوز انتشارات کتابخانه و موزه ملک در سال ۱۳۴۸ صادر شده است اما فراز و فرودهای زیادی را در تاریخ خود طی کرده است. مثلا در طول یک دهه گذشته، کار چندانی منتشر نکرده است. فهرست کامل نسخ خطی در بستر زمان، تاریخ خراسان و آثاری از شعرا به چاپ رسیده است.

اما در شرایط فعلی به دلیل مشکلاتی که وجود دارد، درگیر تولید فنی نشده‌ایم و به صورت مشارکتی عمل می‌کنیم. در حال حاضر مراحل فنی انتشار دو نسخه از قرآن‌های نفیس مجموعه (قرآن علاءالدین تبریزی و قرآن ارسنجانی) در حال انجام است. یک نسخه دعای صباح به خط ام سلمه دختر فتحعلی شاه قاجار و پنج نامه لقمان حکیم به خط میرعماد نیز در حال تصویربرداری است. قرارداد انتشار مشترک چهل حدیث نبوی با ترجمه منظوم جامی نیز با موسسه متن وابسته به فرهنگستان هنر منعقد شده است.

همچنین کتاب معرفی سکه‌های موزه ملک مراحل پژوهش را سپری می‌کند و از انتشار پایان نامه‌های مرتبط با موضوع کتابخانه و موزه نیز حمایت می‌شود.



مرحوم ملک پایبند باشیم. در شیوه نامه اجرایی وقف نامه، تاکید شده است که اشیاء و نسخ این مجموعه به هیچ وجه نباید از محوطه موزه بیرون بروند. البته این تبصره هم وجود دارد که در موارد ضروری با اجازه تولیت آستان امام هشتم (ع) این اشیاء و نسخ از موزه خارج شوند.

در این وقف نامه تصریح شده است که فرآیند به روزرسانی، اصلاح و مرمت کتاب‌ها باید در خود موزه انجام شود به همین دلیل، آزمایشگاه و صحافی ویژه‌ای در این مجموعه طراحی شده است که البته در سال‌های اخیر بخش دوم فعال تر عمل کرده است.

**برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، نسخ خطی این مجموعه دائما تحت نظر قرار دارند؟**

بله. خوشبختانه شرایط پایش محیط و نگهداری نسخه‌های خطی از استانداردهای جهانی پیروی می‌کند. به طور کلی یکی از مزیت‌های حرفه کتابداری و موزه داری، مشخص بودن پروتکل‌های بین‌المللی در این زمینه است. در استاندارد جهانی، پایش مخازن نسخه خطی، مواردی مانند رطوبت، دما، نور و شکل ورودی مخازن مشخص شده است و موسسه ما نیز به دستگاه‌های پایش مجهز است.

برای مرمت نسخه‌های خطی این مجموعه، در ابتدا به نسخه‌هایی توجه می‌شود که آسیب‌های جدی تری دارند و به اصطلاح در وضعیت اورژانسی هستند. این نسخه‌ها به آزمایشگاه و صحافی می‌روند و بعد از پایدار شدن به مخزن برگردانده می‌شوند. البته در خلال این که پروژه مرمت درباره دیگر نسخ خطی در جریان است، هنوز کار به اتمام نرسیده، باید برگردیم و دوباره به نسخه‌های نخست سر بزنیم. درست مثل طبیعی که باید شرایط بیماراش را مدام کنترل کند. بنابراین می‌توان گفت که بخش آزمایشگاه و صحافی قلب تپنده این مجموعه است.

**برای دسترسی پژوهشگران به این مجموعه چه شرایطی وجود دارد؟**

امروزه شکل دسترسی به نسخه‌های خطی عوض

منظر مهمی که در تاریخ خط نسخ دارد، اشاره کرد که اهمیت مجموعه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک را بیش از پیش آشکار می‌کند.

مرحوم ملک، بسیاری از کتاب‌هایی را که برای این مجموعه خریداری می‌کرده، می‌خوانده و متنی درباره خود کتاب یا مراحل خریداری آن در یکی از صفحات سفید آن می‌نوشته است. این نوشته‌ها نگاه یک فرهنگی علاقه‌مند را به آثار هنری و ادبی نشان می‌دهد. قصه حاج حسین ملک، یک قصه شنیدنی درباره برهه‌ای از تاریخ است و نشان‌دهنده انگیزه‌هایی است که یک فرد فرهنگی را در ۲۸ سالگی به این فکر می‌اندازد که چنین گنجینه‌ای را گردآوری کند.

**اهمیت کتاب‌های چاپ سنگی و سربی این مجموعه چیست؟**

نسخه‌های چاپ سنگی به لحاظ متن و بررسی تاریخ فنی چاپ و همچنین ارزش‌های خفته هنری، اهمیت خاصی دارند. به عنوان مثال، می‌توان مراحل دگرذیسی تصویرسازی و خط را در این نوع کتاب‌ها پیگیری کرد. خط نستعلیقی که به دوران ما رسیده است، تا حد زیادی تحت تاثیر کتاب‌های چاپ سنگی است که بعد از مدتی، به مرجعی برای آموزش این خط تبدیل شده‌اند. برای چاپ کتاب‌های سنگی، از مرکب خاصی استفاده می‌شده که خطاطان آن زمان آن را «لجن» می‌نامیده‌اند. این مرکب بسیار ثقیل و غیر قابل جریان بوده است و خطاطان ناچار می‌شده‌اند چند تار مو بین فاق قلم قرار دهند تا جریان بیشتری به مرکب ببخشند. این مساله شکل حروف در خط نستعلیق را به مرور زمان فریه و کوتاه کرده است! بعدها کسانی مانند عمادالکتاب برای فراگیری خط نستعلیق، از این نسخه‌ها استفاده کرده‌اند و به معیاری برای یک نسل از خوشنویسان تاریخ تبدیل شده است.

کتاب‌های چاپ سربی هم بیشتر از منظر تاریخی اهمیت دارند و به چشم سند به آنها نگریسته می‌شود. مثلا اگر از کتابی فقط یک نسخه چاپی باقی مانده باشد، اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

**برای نگهداری صحیح از این گنجینه چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟**

برای ما مایه شرمساری است که در این کتابخانه نیز مانند بسیاری از مکان‌های دیگر، نگهداری نسخ خطی، توجه کافی به مقوله نگهداری از این نسخ نمی‌شود و نسخه‌های هزار ساله که این تاریخ را سپری کرده و به دست ما رسیده‌اند، بر اثر بی توجهی‌های زمان حاضر، ظرف مدت کوتاهی تخریب می‌شوند.

اما این مساله به این معنا نیست که به نگهداری صحیح از این گنجینه فکر نمی‌کنیم. مهم‌ترین گامی که در این زمینه باید برداشته شود، اصلاح ساختار معماری و به تبع آن اصلاح مخازن نسخ خطی است که به تازگی در این مجموعه آغاز شده است و تا رسیدن به یک معماری مناسب برای نگهداری این گنجینه ادامه پیدا می‌کند.

**از منظر مرمت نسخ خطی چه اتفاقی می‌افتد؟**

به دلیل موقوفه بودن این مجموعه و اهتمام ویژه آستان قدس رضوی به این امر، ما باید به وقفنامه

**اهمیت بانک نسخ خطی کتابخانه و موزه ملی ملک در چیست؟**

مرحوم حاج حسین ملک به این دلیل که هم متمول بوده است و هم مطلع، در انتخاب و خریداری نسخ خطی بسیار نخبه عمل کرده و با استفاده از نظر برخی مشاوران، کتاب‌های بی نظیری خریداری کرده است. می‌توان گفت اهمیت این نسخ از آن روست که در میان آنها نسخه متوسط هم دیده نمی‌شود. به طور کلی ۱۹ هزار عنوان کتاب و رساله خطی در این مجموعه وجود دارد و این که حتی نسخه‌های متوسط هم در میان آنها دیده نمی‌شوند، مایه مباهات است.

**قدیمی‌ترین نسخه خطی این کتابخانه چیست؟**

به عنوان مقدمه بگویم که قدیمی بودن نسخه، دغدغه اولیه در برگزیدن آن نیست. اما اگر قرار باشد از همین منظر قدیمی بودن به نسخ این کتابخانه نگاه کنیم، یک قرآن منسوب به امام حسن مجتبی (ع) با تحشیه نویسی شاه اسماعیل صفوی، قدیمی‌ترین نسخه این مجموعه است. حتی اگر در صحت انتساب این نسخه به امام حسن (ع) هم شک داشته باشیم، قدیمی‌ترین نسخه خطی این کتابخانه، متعلق به اواخر قرن سوم هجری است. به طور کلی در میان نسخ خطی این کتابخانه، از قدیمی‌ترین نسخ تا نسخ خطی پایان دوره قاجار را می‌توان دید. قدیمی‌ترین نسخه خطی کلیات سعدی و یکی از نخستین قرآن‌های نستعلیق هم در این مجموعه نگهداری می‌شوند.

در این مجموعه، همچنین مرقعات زیادی وجود دارد که به نوعی نگارخانه سیار قطعات هنری محسوب می‌شده است، چون در زمان رواج مرقعات، فرصت نمایشگاهی وجود نداشته است و آثار هنری معمولا در ابعاد کوچک تجلید می‌شده تا نگهداری آن آسان شود. اهمیت مرقعات نیز از نظر نفاست و عیار مانند نسخه‌های خطی است که مرقعاتی به خط میرعماد، میرزا احمد نیریزی و... از این دست‌اند.

**در برگزیدن نسخ خطی این مجموعه، بیشتر نفیس بودن مدنظر بوده است یا انتساب به افراد مشهور؟ ضمن این که از این منظر چه نسخی در کتابخانه وجود دارد؟**

برای نسخ خطی، یک تقسیم‌بندی شخصی دارم و معتقدم نسخ خطی، یا نفیس‌اند یا مستنسخی؛ یعنی نسخه‌هایی که توسط کتابان در کارگاه‌های صحافی از روی نسخه‌های اصلی استنساخ شده‌اند.

اما نسخ خطی نفیس را می‌توان از دو جنبه «متن» و «انتساب به مولف» و «نفاست به لحاظ هنری» تقسیم کرد. از این منظر، نسخه‌های نفیس و ممتاز متعددی در مجموعه ملک وجود دارد. از منظر تک‌شمار بودن، موزه ملک جامع‌ترین کتابخانه برای آثار نفیس یوعلی سیناست. از نظر نزدیک بودن به زمان تالیف، آثاری از قطب‌الدین شیرازی را داریم و از این منظر که نسخه به خط خود مولف باشد هم، می‌توان به آثار عبید زاکانی اشاره کرد.

اما از میان نسخ خطی بسیار نفیس این مجموعه، می‌توان به قرآن به خط محمد ارسنجانی برای مظفرالدین شاه قاجار، کلیده و دمنه بهرامشاهی به خط آقا محمد حسین شیرازی، چند برگ از قرآن بایسنقری و قرآن به خط آقا محمد ابراهیم قمی، از



«دیوان حافظ» با لحنی منظوم به زبان بوسنیایی ترجمه شد و این نکته محور گفت و گویی است که در ادامه خواهید خواند. این کتاب توسط موسسه «ابن سینا» منتشر شده است که دفتر مرکزی آن در تهران واقع شده و دیگر دفتر آن در بوسنی به فعالیت مشغول است. محمدحسین عباسی، عضو هیات مدیره این موسسه و مدیر اجرایی آن، درباره چگونگی ترجمه «دیوان حافظ» و دیگر فعالیت‌های موسسه مطبوع خود، توضیحاتی را به کتاب هفته ارائه کرده است. او در این گفت و گو به سابقه حضور عرفان ایرانی - اسلامی در بوسنی اشاره کرده است و معتقد است که ترجمه منظوم دیوان حافظ، راهی برای شناخت بهتر این شاعر ایرانی، به مردم مسلمان بوسنی به شمار می‌آید.

گفت و گو با محمد حسین عباسی، درباره ترجمه دیوان حافظ به زبان بوسنیایی

# حافظ، نخستین مسافر ادبیات ایران به بوسنی

بتوانند آن را تهیه کنند. در عین حال مابخشی از شمارگان کتاب را نیز به شخصیت‌های مهم فرهنگی و اجتماعی هدیه خواهیم کرد. قیمت فروش کتاب ۱۰۰ مارک است (معادل ۵۰ یورو) و این قیمت با توجه به نوع چاپ و هزینه‌هایی که برای آن شده و در مقایسه با کتابهایی در این سطح متناسب است.

**برای آن که ضریب خطای ترجمه، در اثری همچون دیوان حافظ که بسیار تاویل پذیر است کم شود، چه کردید؟**

ترجمه کتاب به هر حال حدود ۲۰ سال طول کشیده و موسسه از این ۲۰ سال، حدود ۱۲ سال در تدوین و ترجمه این کتاب دخالت داشته است. این کتاب توسط استادی همچون مرحوم دکتر بشیر جاکا به بوسنیایی ترجمه شده که تسلط خوبی به فارسی و زبان کشور خودش دارد. از سویی دیگر، چند کارشناس مهم ادبیات بوسنی کتاب را دیده‌اند. به این ترتیب ما هم تلاش خود را انجام داده‌ایم که ضریب خطا در این کتاب به کمترین حد خود برسد. حتی برای کمتر شدن خطا، وقتی که دو سال قبل کتاب آماده چاپ شد، ما از دوستان خواستیم تا کتاب را به دو استاد دیگر نیز نشان دهند. یعنی با توجه به مشکلاتی که از نظر مادی موسسه با آن روبه‌رو بود، ما سعی کردیم که با صرف وقت و هزینه بیشتر، کمترین خطا به این ترجمه راه یابد. دکتر امیرلیو بوچ و دکتر اسادورا کوچیچ از اساتید معروف و مطرح ادبیات بوسنی هستند و کتاب را دیده و تایید کرده‌اند. یعنی هر چند که ادعا نمی‌کنیم ترجمه دیوان خالی از اشکال است، اما موسسه از تمام توان و تلاش خود بهره گرفته تا این دیوان به بهترین شکل ترجمه و منتشر شود.

**کمی در مورد موسسه ابن سینا بگویید و این که چرا در بوسنی شعبه‌ای از این مرکز دایر شده است؟**

ایران یکی از کشورهای بوسنیایی بود که در جریان جنگ بوسنی، از مسلمان‌های این کشور حمایت می‌کرد. بعد از پایان جنگ، بسیاری از کشورهای که در جریان جنگ در این کشور حضور داشتند، شروع به فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی کردند. ایران نیز در دو عرصه فرهنگ و اقتصاد در بوسنی حضور یافت. پیدایش و تاسیس موسسه نیز بخشی از این فعالیت‌های فرهنگی بود که افرادی از جمله آقای طاهریان اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در بوسنی، کمک زیادی به تاسیس آن کردند. مقدمات کار در سال ۱۳۷۴ شروع شد و از ابتدای سال ۷۵ موسسه به طور رسمی در آنجا تاسیس شد. یعنی این مساله مطرح شد که بعد از تمام شدن جنگ و با توجه به سابقه فلسفه و عرفان در بوسنی، فعالیت‌هایی در این عرصه داشته باشیم و موسسه نیز در راستای این هدف شکل گرفت. کار موسسه در چهار حوزه فلسفه، عرفان، تاریخ و تمدن و زبان و ادبیات فارسی است. جناب آقای دکتر کلهر موسس و اولین مدیر موسسه در ساریوو بودند که با تلاش خالصانه توانستند این موسسه را متناسب با قوانین و مقررات کشور بوسنی ثبت و راه اندازی کنند همچنین ایشان نقش بسیار مهمی در شروع ترجمه دیوان حافظ با دادن مشاوره‌های تخصصی به دکتر جاکا داشتند که شایسته سپاس و تقدیر فراوان است.

**در ایران چطور؟**

کار اصلی ما در ساریوو انجام می‌شود...

ادامه در صفحه ۲۰



مورد توجه بوده است. اهمیت زبان فارسی در بوسنی چنان بود که روحانی‌ای را در تراز بالا می‌دانستند که به زبان فارسی آشنا باشد.

**یعنی شما معتقدید که زبان منظوم یادآور آن فضا بوده است؟**

بله، قطعاً. علاوه بر این، موسسه ابن سینا ارتباط خوبی با نجیبگان و اساتید دانشگاهی داشته و نظرات ایشان در انتخاب این تصمیم بسیار دخالت داشت. **چه مخاطبانی را برای این ترجمه منظوم در نظر داشته‌اید؟**

مخاطبان اصلی دیوان، نجیبگان و اهالی شعر و ادب هستند. احساس من این است که جامعه روحانیان و درویش نیز از این اثر استقبال خواهند کرد. بی‌شک علاقمندان بسیاری هم خارج از این دو طیف وجود دارند که مشتاق خواندن اشعاری با این مضامین بلند اخلاقی و عرفانی هستند. به هر حال این نخستین کتاب شعر فارسی است که در بوسنی و به این شکل چاپ شده است و ارزشیابی‌های ما این است که مسلمان‌های این کشور، می‌توانند مخاطب بالقوه این کتاب باشند. **چند وقت است که کتاب در بوسنی منتشر شده؟**

حدود دو ماه. ما سعی کرده‌ایم که در طول این مدت، کتاب را به شیوه‌های مختلف در این کشور عرضه کنیم، چراکه موسسه ابن سینا دارای سیستم توزیع در بوسنی نیست. کتاب از سویی به کتابفروشی‌ها ارائه شده و از سویی با توجه به ارتباط‌های خوب ما با مراکز فرهنگی، در اختیار این مراکز نیز قرار گرفته است.

**قیمت کتاب در بوسنی چطور است؟ و قیمت این کتاب در مقایسه با سایر کتاب‌ها چگونه ارزیابی می‌شود؟**

قیمت کتاب در بوسنی خیلی بیشتر از ایران است، حتی نسبت به درآمد مردم در بوسنی تفاوت چندانی با ایران ندارد، گو این که در برخی از موارد حتی کمتر است. مثلاً در صحبت‌هایی که می‌شود، حقوق اساتید دانشگاه‌های بوسنی، تقریباً نصف حقوق اساتید ایرانی است. با این همه قیمت کتاب در آنجا یک و نیم تا دو برابر ایران است و وقتی آنها به ایران می‌آیند، خیلی طمع دارند که کتاب بخرند. ما نیز با توجه به وضعیت موجود قیمتی را روی کتاب گذاشته‌ایم که مخاطبان

شود تا علاوه بر افتخار ترجمه افتخار چاپ نیز برای ایران باشد. به همین دلیل با خیلی از مراکز و نهادهای مسئول که اتفاقاً وظیفه ذاتی برخی از آنها گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای دیگر است، نامه‌نگاری کردیم، ولی متأسفانه نه تنها نپذیرفتند که این کتاب را چاپ کنند، بلکه کمترین توجهی هم به این کار بزرگ نشان ندادند. به هر حال یک موسسه NGO، چنین کاری را انجام داده بود، اما آقایان حتی از ما نخواستند که فایل کار را ببینند. اسناد این مکاتبات و پاسخ‌های برخی مسئولان که نشان دهنده بی‌توجهی یا در حالت خوش بینانه کم توجهی آنها به این امر است، در آرشیو موسسه موجود است، اما اجازه بدهید کام شیرین مخاطبان علاقمند را با ادامه این حرف‌ها تلخ نکنم. در نهایت کار را به آنجا بردیم و به چند ناشر عرضه کردیم و خدا را شکر رقابتی حاصل شد تا ما با کمترین قیمت ممکن، آن را به نشر حاضر سپردیم. این ناشر ادعا دارد که سودی از بابت انتشار این کتاب نبرده و تنها به دلیل اعتباری که برای انتشار آن به دست می‌آورد، اقدام به انتشار کرده است.

**منظوم کردن اشعار حافظ به زبان بوسنیایی، چه تاثیری در جلب بیشتر مخاطب داشته است؟**

به هر حال زبان شعر در همه جوامع بشری از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مخاطبان بسیاری را جذب خود کرده است. همانطور که قبلاً اشاره کردم زبان و ادبیات فارسی در کشور بوسنی سابقه‌ای تاریخی و پر اهمیت داشته است که آثار آن راهنو هم می‌توان یافت. نمونه بارز آن وجود بسیاری از کلمات و واژه‌های فارسی در زبان بوسنیایی است. از سوی دیگر کشور بوسنی به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی تاریخی، بسیاری از فرقه‌های تصوف و درویش محب اهل بیت را در خود جا داده است که در این مختصر مجال پرداختن به جزئیات آن نیست. این مسائل سبب شد تا ما دیوان را به طور منظوم ارائه کنیم تا بار شاعرانه آن ملموس تر شود. ارزیابی و نگاه کارشناسانه ما از محیط این گونه بود که متن منظوم بیشتر می‌تواند توجهات را به خود جلب کند. به هر حال تا گذشته‌ای نه چندان دور مثنوی مولانا به زبان فارسی در بوسنی خوانده می‌شده و زبان منظوم او

چطور شد که ترجمه دیوان حافظ، آن هم به شکل منظوم به بوسنیایی منتشر شد؟

تا قبل از جنگ بوسنی، این کشور در ایران چندان شناخته شده نبود، اما به هر حال ارتباط‌هایی بین ایران و یوگسلاوی سابق (که بوسنی نیز جزئی از آن بود) وجود داشت. مقام معظم رهبری که در آن دوران رئیس‌جمهور بودند، به برخی از کشورهای بالکان، از جمله بوسنی سفر کردند. در این سفر ایشان با «بشیر جاکا» که مترجم این کتاب است، دیدار کردند. جاکا در این سفر همچنین مترجم ایشان بود. او در دوران معاصر جزو نخستین افرادی است که در دهه ۱۹۶۰ تحصیلات آکادمیک فارسی داشت و این زبان را در بوسنی تدریس می‌کرد. در همان دیدار، مقام معظم رهبری از چند مرکز فرهنگی از جمله کتابخانه «قاضی خسرو بیگ» دیدار کردند که کتابخانه‌ای قدیمی و از زمان عثمانی‌ها در آنجا مانده است. در این کتابخانه آثار خطی و نفیس بسیاری، از جمله دیوانی از حافظ به فارسی وجود داشت. البته شما به جز این دیوان، حتی روی دیوار برخی اماکن تاریخی و مذهبی، اشعاری به زبان و خط فارسی می‌بینید. مثلاً در رستوران «مورچه خان»، که در مرکز شهر ساریوو، پایتخت بوسنی واقع شده اشعار حافظ و سعدی را که به زبان فارسی روی دیوارهای آن نوشته شده، مشاهده می‌کنید.

در واقع زبان فارسی بیش از ۶۰۰ سال در بوسنی قدمت دارد و در گذشته زبان فارسی یکی از زبان‌های رایج در علوم بوده و اصلاً خواندن دیوان حافظ، مولانا و سعدی در جمع‌های فرهنگی بوسنی رایج بوده است. چنانکه دکتر جاکا می‌گوید، مقام معظم رهبری به وی پیشنهاد می‌کنند با توجه به تسلطی که به زبان فارسی دارد، ترجمه یک اثر فاخر را از خود به جا بگذارد و سپس دیوان حافظ را پیشنهاد کردند. بعد از گذشت چند سال، دکتر جاکا همچنان روی ترجمه دیوان حافظ کار می‌کرد که جنگ شروع شد. بعد از جنگ، وقتی موسسه ابن سینا در بوسنی شکل گرفت، وی به دفتر ما مراجعه کرد و گفت که در حال چنین کاری بوده است و از موسسه کمک می‌خواهد. از آن موقع به بعد، موسسه از او حمایت کرد تا ترجمه دیوان به زبان نثر به پایان رسید. دوستان بعد از پایان کار به این نتیجه رسیدند که با همه دشواری کار، بهتر است که ترجمه نثر منظوم شود تا اشعار، زیبایی خود را تا حد ممکن حفظ کنند. بر همین اساس ترجمه مذکور بوسیله دو تن از شاعران بزرگ و نامدار مسلمان بوسنی به نظم درآمد. پس از آن یکی از ویراستاران مشهور نیز کار ویرایش این اثر را بر عهده گرفت و در نهایت دیوان ترجمه شده منظوم برای ارزیابی و تایید نهایی در اختیار دو تن از اساتید و نجیبگان شعر و ادب بوسنیایی قرار گرفت که نامشان در شناسنامه کتاب آمده است.

این اثر از حدود دو سال پیش آماده چاپ بود، اما متأسفانه به دلیل هزینه‌های بالا نتوانستیم بموقع آن را چاپ کنیم.

**به هر حال هزینه انتشار کتاب نفیس بالاست. آیا این کتاب در ایران چاپ شده است؟**

نه. انتشارات گرافیک در زاگرب این کتاب را چاپ کرده است. البته در دو سال گذشته ما برای انتشار این کتاب با چند چاپخانه ریزنی کردیم تا نهایتاً کار به این چاپخانه سپرده شد. این راه اضافه کنم که ما خیلی تلاش کردیم کتاب در ایران چاپ

# توحش عریان، پوشیده در لباس تمدن

گذشته و امروز و انسان سرگردانی که در میان این دو برهه دست و پا می‌زند به چشم می‌خورد. اینجاست که می‌توان به جریان‌های معلق زندگی نویسنده نیز نگاهی انداخت؛ زنی چندرنگه که پدر و مادرش پناهندگان شوروی سابق به فرانسه بوده‌اند.

به همین دلیل است که آدم‌های نمایشنامه مدام در نگرانی و تزلزل به سر می‌برند. آنها حتی در مشاجره‌های خود ثبات ندارند. چنان‌چه اگر خط‌هایی به عنوان محورهای رابطه بین آنها قرار گیرد، در ابتدای نمایش دو خط موازی اند که هر یک زن و شوهری را به یکدیگر متصل نگاه می‌دارد اما کمی بعد، این خطوط همدیگر را قطع می‌کنند و بر هم عمود می‌شوند. چه، هر دو نفر زمانی از نمایش را به مشاجره می‌پردازند، درحالی که دو شخصیت دیگر هر یک در جبهه‌ای قرار گرفته‌اند. گاه مردان در یک جبهه و زنان در جبهه مقابل، گاه نیز هر یک از زوج‌ها در موضع مخالف زوج دیگر قرار می‌گیرند و به این شکل روابط به سرعت تغییر فرم می‌دهند، تا نویسنده از طریق این تغییرات آبی، شالوده سست این روابط را در پاریس و به‌طور کلی در جامعه غرب مورد نقد قرار دهد. اینچنین است که یاسمینا رضا را عریان‌کننده مسائل به‌ظاهر پیچیده اجتماعی می‌دانند. جالب‌تر آن‌که او این عمل را در خلال داستان ساده‌ای مانند دعوی کودکان نشان می‌دهد و برای به چالش کشیدن اندیشه مخاطبش یک کمدی تلخ اجتماعی را انتخاب می‌کند. اما باید توجه داشت که این طنز، تنها در تفکری پنهان جای گرفته است. چه، زمانی که با دیالوگ همراه می‌شود، تنها وسیله‌ای است برای پرتاب و تهدید از سوی شخصیتی به‌موضع مخالفش. البته در اوایل نمایشنامه، گفت‌وگوها بسیار رسمی و مودبانه و در واقع وانمودی از مدرن بودن ساختگی آدم‌ها به‌ویژه خانواده هویل است.

ناگفته نماند که «خدای کشتار» عنوانی است که از آیینی آفریقایی وام‌گرفته شده است. در بوجوجه‌نمایش، رابیل یعنی پدر پسر ضارب، مدام در پی آرام کردن خطری است که در جامعه گسترش داده است. او در زمینه تولید دارو فعالیت می‌کند و به‌تازگی دارویی را پخش کرده که یکی از عوارض خطرناک آن، فلج ساختن آدم‌هاست. این اشاره تیزهوشانه نویسنده نیز می‌تواند تأکیدی بر به‌سخره گرفتن پیکره زشت و غیرانسانی زیربن جامعه به‌ظاهر متمدن باشد.



آنجا که ارزش‌ها و اصول مورد تأیید شخصیت‌ها در مقابل هم قرار می‌گیرند، تم دیگری نیز علاوه بر برملا شدن چهره بدوی انسان‌های متمدن پدید می‌آید و آن برخورد بین مالکیت قدرت و خشونت در مقابل قانون و دموکراسی است. در حقیقت، نوعی تنش میان

بی‌نزاکتی تنها بر سر یکدیگر فریاد می‌کشند. گویا از آن انسان‌های منطقی، خوددار و مهربان، دیگر خبری نیست و آنها چهره‌های جدیدی از خود نشان می‌دهند. از نظر رابیل، همسر هویل یعنی همان زن نویسنده جزو آن دسته از زن‌هاست که گویی ناجی بشریتند و هیچ مردی طرفدار آنها نیست. بنابراین، پس از پایان نمایشنامه خواننده احساس می‌کند، کودکانی که شخصیت‌های غایب متن بودند و تنها در مورد آنها صحبت می‌شد، موجودات معصومی‌اند که دعوی آنها تنها بازتاب برخوردها و تشویشی است که از جامعه اطراف و خانواده با خود به مدرسه می‌برند.

این اثر یک «کمدی تلخ» است که واقعتاً روابط سطحی خانوادگی و اجتماعی در پاریس را از طریق ساختاری معمول و زبانی ساده، آسیب‌شناسی می‌کند. گویا شخصیت‌های نمایش، در آغاز نقاب‌هایی به صورت دارند که نویسنده توجه خود را به برداشتن کامل این نقاب‌ها معطوف کرده است. اما نباید انکار کرد که گاهی برخلاف روند کلی شخصیت‌پردازی در متن، شخصیت‌ها در بطن روابط متحول نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، ویژگی منفی باف بودن در شخصیت هویل تنها از طریق دیالوگ‌های همسرش دریافت می‌شود و گرنه هیچ‌راه دیگری برای هضم این ویژگی از سوی مخاطب وجود ندارد.

## تسلط یاسمینا رضا در کاوش دقیق

رویکرد روانشناسانه و اجتماعی را می‌توان از طرفی دیگر به سابقه درخشان بازیگری یاسمینا رضا ارجاع داد. نباید از خاطر برد که او در نمایش «مسخ» کافکا به کارگردانی رومن پولانسکی جایزه ادبی مولیر را برای بازیگری گرفت. تنها از چنین نویسنده‌ای که خود در مقام یک بازیگر در رفتار و اندیشه شخصیت‌ها غرق می‌شود، انتظار می‌رود با چنان ژرف‌اندیشی قابل توجهی نگاه و ذهن مخاطب را از لایه‌های سطحی و بیرونی حوادث به محتوا و درون آن متوجه سازد. شاید این توجه در آخرین دیالوگ متن مورد تأکید بیشتری قرار می‌گیرد. آدم‌ها همه معقدند حیوانی که هویل او را به بیرون پرت کرده بود، بدون نگهداری و قوانین انسانی هم می‌تواند بیرون از قفس زندگی خوبی داشته باشد.

نمایشنامه «خدای کشتار» چندی پیش به کارگردانی علیرضا کوشک جلالی به صحنه رفت. این اثر توسط همین کارگردان به فارسی ترجمه شده و انتشارات افراز به‌تازگی آن را در ۱۱۰۰ نسخه به قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

علیرضا کوشک جلالی مترجم این اثر، کارگردان و نویسنده ایرانی تئاتر و مقیم آلمان است. او ۲۵ سال است که نوشتن را آغاز کرده و در سال ۱۹۹۱ جایزه نمایشنامه‌نویسی مردمی آلمان را به خاطر نگارش نمایشنامه «با کاروان سوخته» به دست آورد. همچنین کارهای درخشان دیگری چون «پابلو نرودا» و «پوزه چرمی» را در آلمان روی صحنه برده است. از جمله اجراهای او در ایران نیز می‌توان به «پابلو نرودا»، «بازرس»، «مسخ» و «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» اشاره کرد.

یاسمینا رضا متولد اول ماه مه ۱۹۵۹ در پاریس، نمایشنامه‌نویس، بازیگر، رمان‌نویس و فیلمنامه‌نویس زن فرانسوی است که بسیاری، او را یکی از موفق‌ترین نمایشنامه‌نویسان دهه‌پایانی قرن بیستم فرانسه می‌دانند. رضا، از پدری ایرانی‌الصل و مادری یولیونیست و مجارستانی، متولد شده است. او با نگارش نمایشنامه «هنر» در سال ۱۹۹۵ میلادی به اوج شهرت رسید. از رضا آثار دیگری چون «حرم‌ان» (رمان)، «اندوهی ژرف» (رمان) و «سه روایت از زندگی» (نمایشنامه) به فارسی ترجمه شده است.

«خدای کشتار» از تازه‌ترین آثار رضاست که به فارسی ترجمه شده است. این نمایشنامه نخستین بار در نوامبر ۲۰۰۷ در زوریخ به روی صحنه رفت. در تحلیل آثار این نویسنده باید تا حدی به نقد مولف و مرور جریان‌های شگفت‌زندی او پرداخت، چراکه بسیاری از تکنیک‌های ویژه او چه در محتوا و چه در دیالوگ نویسی از چند ملیتی بودنش نشأت می‌گیرد.

«خدای کشتار» مناظره به‌ظاهر دوستانه دو زوج است. خانواده هویل که پسرشان مورد حمله و کتک کاری فرزند خانواده رابیل قرار گرفته است، از رابیل‌ها دعوت کرده‌اند، تا با دیالوگ و در فضایی متمدنانه برای حل مشکل فرزندان‌شان چاره‌ای بیندیشند.

ابتدا همه چیز آرام پیش می‌رود و همسر هویل که خود را نویسنده معرفی می‌کند، تلاش دارد دوستان خود را به یک برخورد صحیح برای تربیت فرزندشان ترغیب کند. اما رابیل‌ها که گویی سعی کمتری در اثبات اجتماعی بودنشان دارند، عقاید متفاوت خود را بروز می‌دهند و اختلاف آغاز می‌شود.

میهمان‌ها معتقدند که جنگ و دعوا میان کودکان امری طبیعی است و آنها به زمان احتیاج دارند تا به جای خشونت، با زبان قانون با هم حرف بزنند. اما همسر هویل همچنان برای دفاع از مدنیت و قوانین دنیای غرب، بر سر کوشش خود برای تبیین متمدنانه فرزند رابیل باقی است.

فضا آقدر متشنج می‌شود تا این که آدم‌ها یک به یک موضع خود را تغییر می‌دهند. هویل اعتراف می‌کند که هیچ اعتقادی به اصلاح و بهبود فرزندان و اوضاع ندارد و همسرش او را به شرکت در این جلسه وادار کرده است. پس از مدتی، شخصیت‌ها با فحاشی و

## نگاهی به نمایشنامه «مستر موش»

### موشی که هیولا می‌شود

«مونولوگ مقام منبع، مردک کله مازو رو، می‌برم آخر نمایش. نترس! آگه مخاطب منه، مورتوش می‌کشه پیام رو، آخر بازی هم که شده، بگیره. خب سفارش دیگه‌ای نداری؟ راستی آن جمله «دنیای کوتوله‌ها، شأن خالقان آثار ماندگار و هوشمندو، بر نمی‌تابه» رو، حذفش می‌کنم. «تقسیم غنایم کوچک در سفره خانه تئاتر، سابقه نحوستی داره» روهم، همینطور! واسه چی می‌خوام برش دارم؟ ای بابا، قضیه موش و گربه عبید زاکانی رو تداعی می‌کنه! آقا اینقدر استاد به نامون نبند؛ حرفت رو بزنی! چیزی نداری بگی؟ خب به وقتش زنگ بزنی. گفتیم که هر وقت دلت خواست تماس بگیر!»

این‌ها جملاتی‌اند از نمایشنامه «بکتاش» اثر محمود طیار، هنگامی که شخصیت نویسنده یا ناشر آثارش مشغول گفت‌وگوی تلفنی است. این نویسنده که همان «بکتاش» شخصیت اصلی نمایشنامه «مستر موش» به قلم محمود طیار است، به نوعی بازتاب‌دهنده اندیشه جست‌وجوگر نمایشنامه‌نویس است. «بکتاش»، داستان موجز و در عین حال عمیقی را در قالب ساختاری مختص طیار، با همان فضای مملو از درک بصری، تنش‌های غیرسطحی و بازی‌های زبانی در دیالوگ نویسی دنبال می‌کند.

«بکتاش» شخصیت اصلی این نمایشنامه و همسر سابقش اکرم صاحب دو فرزند به نام‌های الی و بهزاد هستند. الی به‌همراه همسر و فرزندش در خارج از کشور زندگی می‌کنند. بهزاد و همسرش نیز ساکن شمالاند. اکرم پس از متارکه ازدواج کرده است و اکنون تصمیم دارد با فراهم کردن شرایط ازدواج برای بکتاش، او را از تهایی نجات دهد. به همین دلیل همراه با خانواده دختری که برای ازدواج با بکتاش در نظر گرفته راهی شمال می‌شوند. بکتاش که سفارش نوشتن نمایشنامه‌ای را پذیرفته است، در حین آمدو شد میهمانان و اتفاقاتی که جریان دارد، برای سرنوشت شخصیت‌های نمایشنامه‌اش با توجه به زندگی اطرافیان، تصمیم می‌گیرد. طیار با دقت و حوصله کم‌نظیری از ذهن سیال و افسارگسیخته خود به متنی با شالوده‌ای منسجم می‌رسد. شخصیت‌ها به‌موقع و در انتخاب‌ها و گفت‌وگو و شنود خود و دیگران پر داخته می‌شوند. اما آنچه طی خواندن متن، بیشتر از همه مخاطب را با هر کلمه، جمله و عبارت خود همراه می‌سازد، قدرت نویسنده در به‌کارگیری زبان متناسب با شناسنامه هر شخصیت و تفکیک کردن دنیای ویژه آدم‌هاست. در لایه‌های این درون‌نمایه‌های اجتماعی می‌توان به دغدغه اختلاف طبقاتی بین آدم‌هایی که جامعه اطراف بکتاش را به‌عنوان یک نویسنده تشکیل می‌دهند، توجه کرد.

آدم‌های اطراف بکتاش حقیقتاً جامعه محیط او را تشکیل می‌دهند؛ زنی که پس از دو بار ازدواج، شکست خورده است و همچنان با خاطراتش زندگی می‌کند؛ دختری که با وجود داشتن فرزندی ناخواسته از ازدواج

سابقش، سعی در اثبات معصومیت خود دارد؛ مردی که با وجود سابقه فرهنگی‌اش، در منجلاب فقر مالی دست و پا می‌زند؛ کسانی که با وجود داشتن هویتی ایرانی، در جای‌جای جهان پراکنده‌اند و به‌یمن داشتن رفاه مالی، به آرامش‌ها متوسل می‌شوند؛ خانواده‌ای که هر عضو آن از دیگری فرسنگ‌ها فاصله دارد و هنرمند جوانی که در ابتدای راه است. اما در این جامعه، سخن از زندگی مسالمت‌آمیز یک موش هم هست؛ حیوانی که در هیبت هیولایی شکست‌ناپذیر نمود پیدا می‌کند. او همان قدرتمندترین موجود ساکن در اطراف بکتاش است. گاهی نیز بکتاش خود را زیر نقاب او می‌برد و لحظاتی در جایگاه قدرتمند او می‌نشیند تا شاید بدین وسیله شگرد نابود کردن آن را بیابد.

و اما پرداختن به درون‌نمایه‌هایی اینچنین وسیع در محتوای داستانی ساده، تنها از قلم کسی تراوش می‌کند که سفته‌نمایش شیطان در ساختار اثر است. طیار در این نمایشنامه سه پرده‌ای، جهان خیالی بکتاش و اتفاقات بیرونی زندگی او را به‌طور موازی پیش می‌برد و به همین دلیل است که این دو جریان، هیچ‌گاه نه متوقف می‌شوند و نه برخوردی می‌کنند. طیار در سابقه بیش از ۵۰ سال نویسنده‌گی خود در زمینه شعر، داستان و نمایشنامه به شگردهایی پی‌برده است تا بتواند دنیای راکد و زندگی خطی امروزی را به روایتی دیالکتیک در صحنه نمایش بدل سازد. «مستر موش» تازه‌ترین اثر اوست که توسط نشر افراز در ۱۱۰۰ نسخه و به قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر شده.



بررسی تأثیر جلسات نقد و بررسی کتاب بر میزان مطالعه کودکان و نوجوانان

# دریچه‌های گشوده شده به دنیای کودکی

بزرگسال است و تنها نتیجه آن که تولید کتاب‌هایی پرمحتواست، نصب کودکان می‌شود. پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: «برای مخاطب کودک و نوجوان بیشتر بحث معرفی کتاب‌های خوب مطرح است که باید به گونه‌ای صورت گیرد که کودک برای خواندن داستان تشویق شود. البته نوجوانان آمادگی خواندن نقد را ندارند اما باید مطالب به گونه‌ای بیان شود که آنها را دلزده نکند، زیرا این گروه از افراد حوصله خواندن مطالب طولانی را ندارند.»

وی حضور کودکان و نوجوانان در محیط‌های کتابخانه‌ای و برگزاری نشست‌های نقد و بررسی در این فضاها را بسیار موثر می‌داند و می‌افزاید: «برای این که بچه‌هایی کتابخوان داشته باشیم، باید آنها را از سن یک و نیم سالگی به کتابخانه ببریم و کتاب‌های متناسب با سنش را انتخاب کنیم. این کار روحیه اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند و میان کودک و کتاب ارتباط حسی برقرار می‌کند.»

قرنل ایاق حضور فرد کارشناس در کتابخانه‌های کودک و نوجوان را مهم‌ترین عامل تشویق به کتابخوانی می‌داند و می‌گوید: «در یک کتابخانه پر از کتاب با تعدادی کودک، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد اما در یک کتابخانه با تعداد اندکی کتاب و یک فرد آگاه که می‌داند چگونه کودکان را به کتابخوانی تشویق کند و با سلیقه و نیاز آنها به مطالعه آشناست، می‌توان دنیای کودکان را زیر و رو کرد.»

و می‌گوید: «در این صورت کودکان هم با مواد و منابع کتابخانه‌ها آشنا می‌شوند و هم در کنار این محیط مراحل نقد و بررسی کتاب را می‌آموزند و با کتاب‌های بسیاری آشنا می‌شوند. در واقع خوراک اطلاعاتی کسب می‌کنند که در آینده می‌تواند به آنها کمک کند.»

وی هدف نقد و بررسی کتاب کودک را گزینش کتاب عنوان می‌کند و می‌افزاید: «والدین و مربیان برای تهیه کتاب برای کودکان و نوجوانان می‌توانند به نتایج نقد و بررسی‌ها مراجعه کنند و کتاب‌های مناسب را برای فرزندان خود تهیه کنند.»

## ورود بایک مقدمه خوب

ثریا قرزل ایاق، پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز در این باره معتقد است: «همان انتظاراتی را که در حوزه ادبیات بزرگسالان از یک کتاب خوب داریم، می‌توانیم در زمینه کتاب‌های کودک و نوجوان نیز مطرح کنیم. یک کتاب کودک باید با یک مقدمه خوب وارد مبحث داستان شود و شخصیت‌ها را با نظمی خاص معرفی کند که در نقد کتاب‌های این حوزه زبان، شیوه بیان و داستان کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.»

وی می‌گوید: «مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه کودک، کتاب‌های تصویری‌اند که ویژه ژانر کودک‌اند و گاه داستان و شعر و گاه یک مطلب علمی را بر پایه تصویر بیان می‌کنند. زمانی که ملاک‌های ما برای نقد کتاب، بررسی این گونه موضوعات باشد، مخاطب ما



تصاویر بار فرهنگی دارند، شخصیت‌های طراحی شده با توصیف‌های محتوایی داستان تناسب دارند، رنگ آمیزی‌های تصاویر باید با محتوای داستان همخوانی داشته باشند به طور مثال برای داستان‌های مذهبی و شخصیت امامان معصومین بیشتر از رنگ سبز استفاده می‌شود. همچنین هر داستانی که برای گروه کودک و نوجوان نوشته می‌شود باید دارای پیام صلح باشد تا کودک را با یک تفاهم جهانی آشنا کند که در آینده به هموعان خود نزدیک‌تر شود.»

وی معتقد است: «یکی از مهم‌ترین اهدافی که بررسی محتوایی کتاب‌های کودک و نوجوان دنبال می‌کند، پرورش ذهن کودکان و کشف استعدادها و نهفته آنهاست. در کتاب کودک تصاویر و محتوای داستان مکمل یکدیگرند و نمی‌توان اینها را از یکدیگر تفکیک کرد زیرا بیشترین لذت کودک از داستان، دیدن تصاویر است. زمانی که تصویر در کنار متن قرار می‌گیرد، اهداف محتوایی متن را تکمیل می‌کند. به همین علت در کتاب‌های کودک صفحه با تصویر آغاز می‌شود و متن با قلم درشت و فاصله خطوط زیاد زیر تصویر قرار می‌گیرد که این قدرت تصویرسازی ذهنی را در کودکان تقویت می‌کند و خلاقیت آنان را افزایش می‌دهد.»

مدرس ادبیات کودک درباره سومین گام نقد کتاب کودک می‌گوید: «در نگارش کتاب‌های کودک باید از واژگانی استفاده شود که روان و گویا باشند و از واژه‌ها و استعاره‌های سنگین برای کودکان استفاده نشود زیرا گنجینه واژگان کودکان محدود است و نمی‌توانند این مطالب را تجزیه و تحلیل و پردازش کنند. از سوی دیگر کتاب کودک باید دارای شروع، صعود و فرود باشد تا کودکان به راحتی پیام داستان را دریافت کنند.»

وی با اشاره به این که «منتقدان حوزه کودک و نوجوان بابت تخصص داشته باشند تا بتوانند با اشراف به موضوع، جلسه راه‌اندازی کنند» می‌افزاید: «کودکان از موضوعات علمی خشک لذت نمی‌برند در نتیجه باید معرفی و نقد کتاب همراه با حرکات نمایشی و جذاب باشد و در مواقعی که اشکالات کار مطرح می‌شود باید از کودکان نظر خواهی کرد. این کار هم باعث مشارکت کودکان در مباحث اجتماعی می‌شود و برای آنها انگیزه مطالعه کتاب مورد نظر را ایجاد می‌کند.»

محمودی محیط‌های کتابخانه‌ای را فضای مناسبی برای برگزاری نشست‌های نقد و معرفی کتاب می‌داند

چند سالی است که در کشور ما نقد ادبیات کودک و نوجوان مورد توجه قرار گرفته است و کارشناسان و متخصصان این حوزه با فعالیت‌های روزافزون سعی در بهبود متون و کتاب‌های این حوزه دارند و می‌توان گفت زحمات آنها نتایج قابل توجهی در روند کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان داشته است و زمانی که کتاب‌های تازه منتشر شده را با کتاب‌های این حوزه در سال‌های پیشین مقایسه می‌کنیم، متوجه تفاوت‌های چشم‌گیری در آنها می‌شویم.

بیشتر جلسات نقد و بررسی کتاب ویژه کودکان و نوجوانان در فضای کتابخانه‌ها برگزار می‌شود. در این گزارش به بررسی نقش جلسات بررسی کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان در بسط و گسترش مقوله کتابخوانی در بین این قشر از جامعه پرداخته می‌شود.

## فقط کتاب خوب

فریبا کلهر، نویسنده حوزه کودک و نوجوان درباره تأثیر فضای کتابخانه برای ترغیب بیشتر قشر کودک و نوجوان به کتابخوانی می‌گوید: «انتخاب مکان برگزاری نشست‌ها و جلسات به سلیقه برگزارکننده جلسه بستگی دارد. البته حضور در کتابخانه بی‌تأثیر نیست، اما هیچ چیز به اندازه «کتاب خوب» نمی‌تواند برای کودکان و نوجوانان جذاب باشد. در غیر این صورت هر ابزاری نظیر چیدمان جذاب کتاب‌ها، حضور کتابداران ماهر، برگزاری برنامه‌های گوناگون در فضای کتابخانه‌ها و سایر موارد اینچنینی نمی‌تواند کودک و نوجوان را به سوی مطالعه جذب کند، مگر این که کتابی بتواند نیازهای آنها را برطرف کند و اهدافش را از مطالعه محقق سازد.»

## بررسی محتوایی و ظاهری

علیرضا محمودی، نویسنده و مدرس ادبیات کودک دانشگاه علمی کاربردی نیز درباره تفاوت جلسات نقد کتاب کودک و نوجوان با جلسات معرفی و بررسی این کتاب‌ها اظهار می‌کند: «اغلب مخاطبان جلسات نقد و بررسی کتاب کودک بیشتر مسوولان، نویسندگان و کارشناسان این حوزه‌اند تا نقض‌ها و اشکالات کتاب‌های موجود در بازار نشر را بررسی کنند و در صدد رفع آنها برآیند، اما زمانی که مخاطب این برنامه‌ها کودکان و نوجوانان باشند، بیشتر، معرفی کتاب مدنظر گرفته می‌شود تا مخاطب با نقاط قوت کتاب آشنا شود و انگیزه مطالعه آن کتاب، در آنها ایجاد شود و بتوانند انتخاب‌های مطالعاتی آگاهانه‌ای داشته باشند.»

وی می‌گوید: «در زمینه معرفی کتاب برای کودکان، اغلب چکیده‌ای از داستان برای حاضران و ویژگی‌های آن بیان می‌شود، در حالی که کتاب کودک در حوزه تخصصی از سه دیدگاه ظاهری، نگارشی - ادبی - محتوایی و موضوعی نقد و بررسی می‌شود.»

وی با اشاره به این که در دیدگاه ظاهری منتقد به مسائلی نظیر نحوه حرف‌چینی کتاب، طراحی صفحات، متخصص بودن یا نبودن ناشر در حوزه کودک و نوجوان و سایر مباحث تخصصی اشاره می‌کند، می‌افزاید: «در این مرحله منتقد کتاب را از زاویه‌های گوناگون فیزیکی، قطع کتاب، نوع صحافی، قابل حمل بودن آن و کیفیت تصاویر مورد بررسی قرار می‌دهد.»

محمودی بیان می‌کند: «بررسی محتوایی گام دوم برای نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود. محتوای کتاب کودک یکی از عوامل تعیین‌کننده در جذب مخاطب است که در این مرحله منتقد پیام و تصویر داستان را با یکدیگر تطبیق می‌دهد و تشریح می‌کند که پیام داستان را متناسب با گروه سنی کودکان و نوجوانان منتقل می‌کند یا خیر. آیا



بنیاد ملی کتاب و اسناد

**باسمه تعالی**

**فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل**

دیرینه خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می‌کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می‌شود آثار خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دیرینه خانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهرماه ۱۳۸۸

نشانی: میرخلد خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران ملل و فلسطین جنوبی، شماره ۲۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲ - دیرینه خانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۶۲۱۹ | تلفکس: ۶۶۹۶۲۱۸



زهره نیلی

محتوای کتاب‌های درسی و شیوه تدریس آن در گفت و گو با دو کارشناس

# پایه‌های آینده در گام‌های اول ساخته می‌شوند

ماجرای «کوکب خانم» برای ما آن قدر آشناست که گاهی با خودمان فکر می‌کنیم این ماجرا برای خودمان روی داده است. شاید مهم‌ترین علت این علاقه، نزدیکی زندگی ما با این قهرمان کتاب فارسی دوم دبستان باشد. اما بچه‌های امروز، دیگر مانند نسل‌های قبل، به داستان‌هایی شبیه «کوکب خانم» نگاه نمی‌کنند و آن را از آن خود نمی‌دانند و از همین روست که برخی کارشناسان نسبت به تغییر کتاب‌های درسی توصیه‌هایی دارند. به اعتقاد این دسته از کارشناسان، کتاب‌های درسی، به ویژه در دوره دبستان، پایه‌های یادگیری کودکان را می‌سازند و به همین دلیل باید توجهی ویژه نسبت به آن مبذول داشت. در ادامه این مطلب، دو گفت و گو با مولفان و پژوهشگران کتاب‌های درسی انجام شده است. این دو پژوهشگر، انتقادات و پیشنهادها را برای بهتر شدن فضای کتب درسی ارائه کرده‌اند.

حسن ذوالفقاری:

## کتاب‌ها و روش‌های تدریس باید به روز شوند

حسن ذوالفقاری، دکترای زبان و ادبیات فارسی و از مولفان کتاب‌های درسی است. او تاکنون ۲۵ عنوان کتاب درسی و ۲۰ عنوان غیردرسی منتشر کرده است. وی همچنین طرح بزرگ «دایرةالمعارف داستان‌های فارسی» را به پایان برده است. «فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی» که در سه جلد منتشر شده، از دیگر آثار ذوالفقاری است.

بازترین ویژگی کتاب‌های درسی کدام است؟ کتاب‌های درسی از یک طرف باید با سن و سال و دانش کودکان هماهنگ باشند و نیازهای عاطفی آنها را برآورده کنند و از سوی دیگر، باید به تربیت یک شهروند خوب بپردازند. بی‌گمان اگر هدف عمده ما در آموزش و پرورش تربیت درست و اصولی کودکان به عنوان یک شهروند باشد، می‌توانیم به تالیف و انتشار کتاب‌هایی هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای روحی دانش‌آموزان بپردازیم.

بی‌گمان، برای رسیدن به این مرحله باید کتاب‌های درسی را به روز کنیم و این اتفاقی است که عملاً شاهد آن نیستیم.

تاریخ مصرف کتاب‌های درسی، پنج سال است و هر پنج سال یک بار باید محتوای این گونه کتاب‌ها تغییر کند و به روز شود. اما در ایران به خاطر مشکلات فراوانی که در زمینه تولید و تدوین کتاب وجود دارد، کتاب‌ها تنها ویرایش و بازخوانی می‌شوند.

وزارت آموزش و پرورش قرار بود طرحی را به اجرا درآورد و بر اساس آن، به بومی کردن بعضی کتاب‌های درسی بپردازد. این طرح در چه مرحله‌ای است؟

قرار بود در کنار کتاب‌های درسی، کتاب‌هایی هم به زبان محلی منتشر شوند و به عنوان مکمل‌های آموزشی در اختیار دانش‌آموزان دوزبانه قرار بگیرند. طرحی که در صورت اجرایی شدن، بچه‌ها را با آداب و رسوم و فرهنگ بومی خود آشنا می‌کند، اگرچه در سال‌های اخیر نیم‌نگاهی به بومی‌گرایی و توجه به شرایط جغرافیایی و آداب و رسوم مردم هر منطقه شده است، اما این طرح فعلاً مراحل اجرایی شدن را طی می‌کند.

شاید لازمه اجرایی شدن این طرح، تمرکززدایی از آموزش و پرورش باشد؟

بله. سازمان آموزش و پرورش باید از تولید محتوا دست بردارد و به جای آن، به برنامه‌ریزی‌های درست و سیاست‌گذاری‌های دقیق در امر آموزش و پرورش توجه کند و تولید محتوا را به ناشران خصوصی و متخصصان ادبیات کودک بسپارد. همچنین، سرفصل‌هایی را برای استان‌های گوناگون تعیین کند و از مرکز هر استان بخواهد با توجه به شرایط جغرافیایی، آداب و رسوم و فرهنگ هر منطقه با ارائه مطالبی مستند بپردازند و همه اینها زمانی محقق می‌شود که از آموزش و پرورش

محمد فرهمندیان:

## زندگی معاصر را وارد کتاب‌های درسی کنیم

محمد فرهمندیان، کارشناس بازنشسته طرح و برنامه‌ریزی درسی آموزشی و پرورش و از مولفان کتاب‌های درسی است. از او کتاب‌ها و مقالاتی هم منتشر شده که «نیاز به امنیت روانی»، «نگاهی به نوسازی تربیت معلم در مالزی»، «نیاز به احساس تعلق داشتن» و «اهمیت آموزش معلمان» از جمله آثار پژوهشی اوست که برنامه‌ریزی درسی را مهم‌تر از هر چیز دیگری می‌داند.

ویژگی‌های عصر خود را بشناسند و بر اساس میزان انعطاف عناصر نظام آموزشی و خصوصیات زمانه خود مطالب کتاب‌ها را به آرامی تغییر دهند.

و ظاهراً نظام آموزشی کشور از انعطاف چندانی برخوردار نیست!

دوران فعلی ماروزگار گذار از سنت به مدرنیته است. این دوره ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارد که ما باید آن را بشناسیم، همچنین لازم است دامنه افرادی را که در این

دوره زندگی می‌کنند، دریابیم. برای مثال در سال ۴۰ تا ۶۴، ۴۳ درصد مردم ایران، روستایی بودند، به همین دلیل درس‌هایی چون «حسنک کجایی»، «کوجب خانم» و «گرگ و گاو» نوشته و در کتاب‌ها گنجانده می‌شد، اما امروز بیشتر مردم ما نه تنها شهرنشین که آپارتمان‌نشین هستند و دیگر با

مطالب گذشته ارتباط نمی‌گیرند. حتی دیگر لازم نیست درباره تاریخچه تلفن یا تلگراف با آنها سخن بگوییم.

مولفان کتاب‌های درسی تا چه اندازه به ارتباط دروس با یکدیگر توجه می‌کنند؟

ارتباط درس‌ها با یکدیگر، عرضی است، یعنی علوم و ریاضی و فارسی و سایر درس‌ها در یک مقطع، با یکدیگر در ارتباطند و کسانی که به تالیف کتاب می‌پردازند، باید این ارتباط را درک کنند و زبان و روحیه دانش‌آموزان را در هر مقطعی بشناسند.

پس باید هدف از آموزش و پرورش را مشخص کرد و ارتباط دروس را با هم در نظر گرفت؟

باید به روشن کردن اهداف آموزشی و تنظیم اصولی و منطقی برنامه‌های درسی روی آورد. از سوی دیگر، فقدان کارشناسان و اندیشمندان مانع پدید آمدن کتاب‌هایی هماهنگ با راهنمای برنامه‌ریزی اصولی می‌شود.

تا چه اندازه با چند تالیفی شدن کتاب‌ها موافقت می‌کنید؟ به این معنی که آموزش و پرورش، سرفصل‌ها را معین کند و نوشتن کتاب را به هر استان بپردازد.

تا وقتی معلمان، بی‌برنامه و بی‌هدف اند، چند تالیفی شدن کتاب‌های درسی معنا پیدا نمی‌کند. علاوه بر این، لازمه این کار تمرکززدایی از خود آموزش و پرورش است.

برنامه و برنامه‌ریزی درسی را چطور تعریف می‌کنید؟

برنامه‌ریزی درسی، مجموعه قواعدی است که برای پیگیری و رسیدن به اهداف جزئیات را ذکر می‌کند و در پاسخ به پرسش‌هایی چون، چه می‌خواهم و به دنبال چه هستم؟ تدوین می‌شود و منابع لازم را برای تهیه جزئیات مورد نیاز برنامه پیش‌بینی می‌کند.

فرآیند برنامه‌ریزی شامل مرور و بررسی

سیاست‌های موجود و ارزشیابی وضعیت و کارکرد نظام آموزشی است که ممکن است به تعدیل خط مشی‌های موجود یا تنظیم سیاست‌های جدید منجر شود.

نظام آموزشی ما تا چه اندازه بر مبنای برنامه‌ریزی درسی استوار شده است؟

برنامه‌ریزی درسی، رشته جدیدی است و تعداد خبرگان در

این زمینه بسیار کم است. کسانی هم که در رأس امورند از برنامه‌ریزی درسی، کم‌اطلاعتند و معمولاً اهداف آموزشی را نمی‌شناسند و به تالیف کتاب‌هایی کم‌مایه می‌پردازند.

اگر کاستی‌هایی در برنامه‌ریزی درسی ما وجود دارد، آیا می‌توان این برنامه را تغییر داد و کاستی‌های آن را برطرف کرد؟

کتاب‌های درسی به عنوان یک درون‌داد در نظام آموزش و پرورش، چندان قابل تغییر نیستند البته محتوا را به آرامی می‌توان تغییر داد اما جابه‌جایی برنامه درسی ممکن نیست.

چرا که در یک سمت آن معلمان ایستاده‌اند با پاره‌ای ویژگی‌ها و خلاقیت‌هایشان و در طرف دیگر، دانش‌آموزانند، با هوش‌ها و مهارت‌های ویژه‌شان.

بنابراین نمی‌توان انقلابی در محتوای کتاب‌های درسی پدید آورد همان‌طور که نمی‌توان طبقه اول یک ساختمان چند طبقه را جابه‌جا کرد.

با این تفاسیر باید در همین مسیر نه چندان درست، قدم برداشت و کاستی‌ها را پذیرفت؟

ما در سال ۷۱ به نوسازی کتاب‌های درسی پرداختیم و دروسی چون آموزش انشا و املا را هم در کتاب‌های درسی گنجانده‌ایم و بعد از آن به تغییر ساختار کتاب‌ها پرداختیم.

قدر مسلم، کسانی که به نوسازی کتاب‌ها می‌پردازند باید نظام آموزش و پرورش و





لالایی‌ها، بخش مهمی از فرهنگ یک کشور را تشکیل می‌دهند، چرا که به‌طور خودجوش در میان مردم شکل گرفته‌اند. با این همه نمی‌توان لالایی‌ها را به سروده‌های خودجوش مادران محدود کرد، چرا که بسیاری از شاعران معاصر، لالایی‌هایی را متناسب با زندگی امروز سروده‌اند. مریم اسلامی متولد سال ۱۳۵۵ و دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، یکی از افرادی است که در کتاب جدید خود به سرودن لالایی پرداخته است. کتاب وی «۴۸ لالایی برای ۴ فصل» نام دارد و توسط محمدعلی بنی‌اسدی، علیرضا گلدوزیان، علی‌هاشمی شهرکی و سیامک خازنی تصویرگری شده است. اسلامی پیش از این کتاب «نامه‌ات همین الان رسید» را که مجموعه شعری برای نوجوانان است، منتشر کرده بود.

«۴۸ لالایی برای ۴ فصل» در گفت و گو با مریم اسلامی

# لالایی، بیانگر نیازهای کودکی است

کلام را می‌پسندند. البته من در قالب شعر نو هم لالایی سروده‌ام.

«لولو» عنصری است که در همه لالایی‌ها وجود دارد؛ چیزی که در سروده‌های شما جنبه نمادین پیدا کرده است. کمی در این باره بگویید. لولو با اهداف گوناگون در لالایی‌ها آمده تا کودک را از یک موجود خیالی بترساند و او را بخواباند. اما در لالایی‌های من، لولو خود ترس است؛ ترس‌ها و ناتوانی‌هایی که در هر انسان وجود دارد. اما توان این لولو به اندازه قدرت مادر نیست. مادر به تنهایی می‌تواند بر همه مشکلات چیره شود و خواب آرامی را برای کودک خود به ارمغان بیاورد.

در حقیقت مادر می‌گوید تو بخواب من مواظبت هستم.

مادر حتی تمام عناصر طبیعی را به سکوت فرامی‌خواند تا کودک به آرامش برسد و به خواب برود. او از مهتاب می‌خواهد تا به گونه‌ای نورافشانی کند که روشنایی اش کودک را از خواب بیدار نکند. از چشمه می‌خواهد تا آرام برود مبادا صدای پایش آزاردهنده باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که مادر دنیایی سرشار از شادی برای فرزند خود آرزو می‌کند و رسیدن روزگاری بهتر را به او نوید می‌دهد.

«لالا لالا گل پسته/مامان دیگه شده خسته/ بخواب ای گل، گل شب بو/ که دنیا چشماشو بسته»



او از خواسته‌ها و امیال سرکوب شده اش بگوید. از این رو همه تلاش من در این مجموعه این بوده که بگویم مادر و کودک جدای از هم نیستند. چرا قالب چهارپاره را انتخاب کرده‌اید؟ لالایی‌ها نمی‌توانند طولانی باشند، چون بریده‌ای از یک شعر هستند و چهارپاره این امکان را به سراینده می‌دهد تا کوتاه بسراید. از سوی دیگر، امکاناتی چون وزن و قافیه در این قالب وجود دارد و کودکان به شدت موسیقی و آهنگ

است، اما «لالا لالا گل آلو/ نه سیب مونده نه زرد آلو» این فضای روستایی را القا می‌کند که در بیشتر لالایی‌های پاییز به چشم می‌خورد. این تفاوت از چه روست؟

در لالایی‌های پاییز، به عقب برگشته و خاطرات خود را مرور کرده‌ام اما در «شب اومد وقت لالا شد/ کلاف خاطره واشد/ چه شب‌ها مادر من هم/ لالایی خونند و فردا شد.» هدفم، گریز زدن به خاطرات قدیمی و لالایی‌های سنتی بوده است.

لالایی‌ها دارای بن‌مایه‌های متفاوتی هستند؛ بن‌مایه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... که شما از آن میان تنها به عناصر طبیعی اشاره کرده‌اید.

کودک در درجه اول باید کودکی کند و این امر زمانی محقق می‌شود که با طبیعت ارتباط بگیرد، عناصر طبیعی را به خوبی بشناسد و زیبایی‌های زندگی را درک کند. لالایی سیاسی سرودن، یعنی ساختن جهانی که کودکان آن را درک نکرده و هیچ ذهنیتی از آن ندارند، پس بهتر نیست اول جهان مادی را به بچه‌ها معرفی کنیم؟!

شما از یک سو لالایی را جزو ادبیات زنانه می‌دانید و از سوی دیگر از کودک و دنیای کودکان سخن می‌گویید.

کودک بهترین و دلنشین‌ترین بهانه برای مادر است. کودک می‌تواند سنگ صبور مادر باشد تا

چه شد که تصمیم گرفتید این کتاب را منتشر کنید؟

لالایی‌ها، آوازهایی هستند که مادران از قدیم تا به امروز برای بچه‌هایشان می‌خوانده‌اند تا آنها به خواب بروند. اما در حقیقت لالایی‌ها را می‌توان واگویه مادران ایرانی دانست که از آرزو‌ها، خواسته‌ها و نیازهای درونی آنها سخن می‌گویند. به عبارتی لالایی نخستین وسیله ارتباطی کودک با شعر و موسیقی است که بیانگر نیازهای آدمی به حساب می‌آید.

لالایی، ساخته و پرداخته مردم عادی است؛ در نتیجه با اصول شعری و وزن و قافیه ارتباط چندانی ندارد و در نهایت سادگی سروده شده است. از سوی دیگر، لالایی‌ها، قدیمی و سنتی‌اند و با اوضاع زندگی امروز جور در نمی‌آیند. پس لالایی‌ها را می‌توان به‌روز کرد، همان‌گونه که افسانه‌ها و قصه‌ها را بازنویسی و بازآفرینی کرده‌اند؟

بازنویسی و بازآفرینی لالایی‌ها موجب می‌شود تا این ترانه‌های دلنشین زنده بمانند و فراموش نشوند. از این رو کسانی که علاقه‌مند به این گونه از ادبیات عامیانه‌اند باید به‌نوکردن آن بپردازند. لالایی امروز برای مادر و کودکی سروده می‌شود که در شرایط و جغرافیای امروز به سر می‌برد.

«لالا لالا گل پونه/ که دنیا یک خیابونه» این تشبیه هماهنگ با زندگی شهرنشینی امروزی

گفت و گو با مترجم «افسانه‌های هندی»

## افسانه‌ها، تأمین‌کننده تمایلات آدمی‌اند

داستان‌های این کتاب می‌پرسم و او در پاسخ می‌گوید: «زبان باستانی برهنه‌ها و بودایی‌ها یعنی سانسکریت و پالی، منبع قصه‌های منتشر شده در این کتاب بوده و بسیاری از این داستان‌ها قدمتی طولانی دارند، به‌طوری‌که برخی از آنها، سال‌ها پیش از میلاد مسیح نوشته شده‌اند.»

زایش، درونمایه بسیاری از قصه‌های کتاب است؛ زایشی دوباره و دوباره و دوباره... و این‌گونه است که خواننده کتاب با باورهای هندویان، به‌ویژه بودایی‌ها

آشنا می‌شود. در داستان «پادشاه ویرجو کبیر»، آن‌گونه که مترجم کتاب می‌گوید: «پادشاه می‌تواند خود بودا باشد.»

براتی زاده در پاسخ به این که چرا افسانه‌های هند را در این مجموعه گردآوری کرده، می‌گوید: «هند، سرزمین عجایب است. این کشور با پیشینه تاریخی بسیار کهن و تمدنی درخشان توانسته است به تدریج، طی بیش از هزار سال، فرهنگ و

پرواز برای خود دو بال نیرومند می‌ساخت و بر تخت سلیمان می‌نشست و سایر قضایا.

لیلی براتی زاده، مترجم کتاب «افسانه‌های هندی» است؛ کتابی که «جی.ای.بی.گری» گردآوری‌اش کرده و به همت انتشارات کاراپام در ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

براتی زاده بر این باور است که تمام افسانه‌ها و اسطوره‌ها، ریشه‌های مشترک دارند و این مشترکات است که مخاطب را جذب می‌کند.

وی همچنین معتقد است که در سال‌های اخیر، گرایش به افسانه‌ها بیش از پیش شده است؛ از «ماجراهای نارنیا» گرفته تا «ارباب حلقه‌ها» و پیدایش همه اینها به این دلیل است که افسانه‌ها به احساسات مشترک بشری می‌پردازند و خود، از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌روند و در هر مکان و زمانی، با شرایط آنجا هماهنگ می‌شوند. از براتی زاده درباره چگونگی گردآوری



تمدنی را پدید آورد که با گذشت قرن‌ها هنوز درخور ستایش و تحسین است. این فرهنگ دیرزمانی است که در ایران معرفی شده و ایرانیان تاکنون آثار بازرشی را درباره فرهنگ هند از خود به یادگار گذاشته‌اند.» وی ادامه می‌دهد: «در هند کنونی، انواع گوناگون داستان‌های عامیانه باقی مانده و همچنان در بین مردم از محبوبیت بسیار برخوردارند. من چندسالی در هند زندگی کرده‌ام و با فرهنگ هندوان تا اندازه‌ای آشنایی دارم.» وی شخصیت‌های این مجموعه را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌کند و می‌گوید: «گروه مثبت خدایان، پادشاه، بودا و برهمنان و در گروه منفی دیوان قرار گرفته‌اند. بعضی حیوانات، به مقتضای ذاتی که دارند، نمادی از شخصیت‌های انسانی‌اند و هر یک، به طبقه‌ای اجتماعی تعلق دارند.»

متن اصلی این کتاب را پیش از این دانشگاه آکسفورد منتشر کرده بود؛ متنی که براتی زاده به‌تازگی آن را به فارسی برگردانده است. البته مترجم، برخی قصه‌های این کتاب را کوتاه کرده و از بیان صحنه‌های کشنده صرف نظر کرده است. کتاب «افسانه‌های هندی» را «جی.ای.بی.گری» گردآوری و لیلی براتی زاده ترجمه کرده است. این مجموعه از سوی انتشارات کاراپام در ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده و به قیمت ۲۲۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



کتاب سازی در آثار پزشکی

# نبض ضعیف کتاب در «آی سی یو» نشر

احترام به این اعتماد و جلوگیری از رواج این پدیده وظیفه ای سنگین بر دوش دارد. در این میان ورود برخی افراد ناآگاه و غیرفهرنگی، تحت عنوان ناشر به این حوزه موجب گستردگی این موضوع شده است. **وقت نداریم!**

شاید عده ای در توجیه پدیده کتاب سازی، کمبود وقت را بهانه کنند و جمله کلیشه ای «وقت نداریم» را به کار ببرند؛ جمله ای که متأسفانه یا خوشبختانه اغلب در تمام امور مختلف زندگی به کار می رود. اگرچه تالیف یک کتاب یا ترجمه یک اثر به زمان زیادی نیاز دارد، اما ثمره و ماحصل آن در پایان، بسیار شیرین تر و موثر تر از کتاب سازی است.

دکتر احمد خلیلی، مترجم کتاب های پزشکی، با اشاره به جای خالی تالیف در کتاب های پزشکی می گوید: «آمار نشان می دهد محققان و پژوهشگران ایرانی در بخش های مختلف علمی و فنی مقالات بسیاری به رشته تحریر درمی آورند، پس آنها وقت کافی برای تحقیق دارند. اکنون این سوال مطرح می شود که این مقالات پس از ارسال به ISI یا مجلات مشهور جهان چه سرانجامی پیدا می کنند؟»

وی ادامه می دهد: «اهمیت کسب رتبه های بالا در ارسال مقاله به مراکز جهانی و دریافت نشان افتخار، بر کسی پوشیده نیست، ولی چرا برخی ناشران برای انتشار این مقالات به صورت یک مجموعه منسجم اقدام نمی کنند؟ چرا از انبوه این مطالب کمتر استفاده وبه آنها بی توجهی می شود؟»

خلیلی توجه به این مقالات را زمینه ساز جلوگیری از کتاب سازی می داند و می افزاید: «چرا ما باید همیشه منتظر باشیم تا اروپاییان کتاب های پزشکی ما را تأمین کنند و چرا ایرانیان نمی توانند با این حجم گسترده مقالات منتشر کننده کتاب مرجع یک رشته باشند؟»

وی در بخش دیگر سخنانش به نقش ناشران در این پدیده نامیمون اشاره می کند و می گوید: «اگرچه ناشران به دلایل مادی همواره به دنبال انتشار کتاب برای قشر وسیعی از جامعه اند، اما وجود قشر محدود دانشجویان پزشکی، نباید آنان را برای پیگیری انتشار آثار مناسب و درخور این قشر غافل کند، زیرا بیشترین ضررها و آسیب ها متوجه عموم جامعه ای می شود که بعدها برای معالجه به این پزشکان مراجعه می کنند.»

## جای خالی قانون

با نگاهی کلی می توان دریافت که بروز پدیده کتاب سازی دلایل متعددی دارد برای مثال، قوانین تشویقی برای استادان و قبولی در امتحانات دکتری یا پورد تخصصی، افراد را به سمت کتاب سازی با نام تالیف سوق می دهد. امتیازی که یک کتاب تالیفی ۱۰۰ صفحه ای که از بخش های مختلف رونویسی و بدون ذکر منبع کتاب سازی شده باشد از ترجمه یک کتاب ۵۰۰ صفحه ای که حدود دو سال از یک استاد وقت خواهد گرفت، بیشتر است. همچنین برگزاری امتحان هایی چون کنکور و شبه کنکور، ناشران و نویسندگان را به سمت تولید انواع کتاب های راهنمای درسی و ... سوق می دهد. از سوی دیگر میهم بودن قانون حمایت از مولفان و مصنفان، نبود دانش و فرهختگی، مسؤلیت پذیری کافی و سرعت عمل در متولیان قضایی در برخورد با این پدیده مجرمانه عملاً آن را از شمول جرم خارج ساخته است. در عین حال نبود ضمانت اجرایی قانون حقوق مولفان و مصنفان در ایران موجب گسترش ناآگاهی و افزایش روند تهیه و تولید آثار شبه پزشکی به جای کتاب های معتبر شده است.



تتها اقدامی که اکنون ناشران می توانند در برخورد با مقوله کتاب سازی انجام دهند تذکر به ناشر یا نویسنده برای جلوگیری از انتشار چنین آثاری است. ارجمند با ذکر نمونه ای از پیگیری های خود درباره یک کتاب می گوید: «چند سال پیش برای پیگیری تخلف فردی که یکی از کتاب های ترجمه شده انتشارات را افست کرده و در شمارگان وسیع فروخته بود، به مراجع مختلفی مراجعه کردم، در این میان متأسفانه دستگاه مسؤول رسیدگی کننده در چندین نوبت مراجعه، هیچ اقدامی انجام نداد و پرونده شکایت بعد از چهار سال هنوز روی میز آنها خاک می خورد!»

## نقش پررنگ ناشران

بنابر ادعای فعالان نشر پزشکی بیش از ۹۹ درصد کتاب های این حوزه خارجی اند و اغلب آثار موجود کتاب های ترجمه شده دانشگاهی است. در کنار آثار ترجمه شده، برخی محققان نیز با تکیه بر تجربیات، دانش و کتاب های موجود نسبت به گردآوری کتاب اقدام و در مقابل عده ای نیز تنها به کپی کردن سطور کتاب های دیگر اکتفا می کنند.

مدیر مسؤول انتشارات تیمورزاده، ناشر کتاب های پزشکی، با تأیید رواج کتاب سازی در این حوزه معتقد است: «یک ناشر برای چاپ یک کتاب عوامل مختلفی را در نظر می گیرد و این عوامل به او کمک می کند که اثری فاخر یا نازل را به جامعه علمی و دانشگاهی عرضه کند.»

فرهاد تیمورزاده ادامه می دهد: «گاهی پیش می آید فردی کتابی را با عنوان تالیف به انتشارات عرضه می کند. این کتاب در بخش های مختلف انتشارات کارشناسی می شود و پس از تأیید در چرخه نشر قرار می گیرد.»

وی می افزاید: «اینجاست که نقش ناشر به عنوان یک مرجع قوی و اثرگذار مشخص می شود. وقتی ناشر با فردی روبه روست که هر دو ماه یک بار یک کتاب می آورد، باید به درستی کار او شک کرد که آیا واقعاً این کتاب ترجمه است، مولفه های یک تالیف در این اثر رعایت شده و آیا نمونه این اثر پیش از این چاپ شده است؟»

زمانی که کتاب سازی از سوی یک ناشر انجام می شود، حتی اگر کتاب با هزینه شخصی نویسنده منتشر شده باشد، به اعتبار و شهرت ناشر آسیب می زند. تیمورزاده در این باره توضیح می دهد: «اغلب دانشجویان و مخاطبان کتاب، به نام ناشران و نویسندگانی که می شناسند اعتماد می کنند. ناشر با

درباره پدیده کتاب سازی در حوزه کتاب های پزشکی و بهداشت می گوید: «بخشی از این آثار، کتاب های ترجمه شده اند که با سوء استفاده از ترجمه های قبلی و با پس و پیش کردن برخی کلمات یا تبدیل آنها به کلمات هم معنی یا حتی برداشتن کامل متن و چاپ دوباره آن با نام مترجمی دیگر منتشر می شوند. نمونه این کتاب ها نیز کم نیستند و می توانید در بازار کتاب با کمی جست و جو آنها را بیابید.»

به گفته وی، کتاب هایی نیز که با عنوان خلاصه درس، با وصله پینه کردن کتاب های منتشر شده از سوی برخی ناشران به بازار عرضه می شود در این زمره قرار دارند. همچنین کتاب هایی با همین روش به عنوان راهنمای مطالعه یا آزمون منتشر می شوند.

وی می افزاید: «در این میان کتاب هایی که تنها با فتوکپی و تکثیر غیرقانونی کتاب های دیگران در قالب جزوه های آموزشی - به ویژه در موسسات آموزشی برای امتحان های کارشناسی ارشد یا پیام نور- منتشر می شوند را هم باید به این فهرست افزود.»

کتاب سازی با این شیوه ها در نشر پزشکی کشور بیش از سایر حوزه ها رواج دارد و به دلیل گستردگی آن می توان گفت برخورد با آن گاهی بسیار دشوار یا حتی ناممکن به نظر می رسد، زیرا کمتر ناشری در این حوزه از خود نام و نشانی باقی می گذارد.

ارجمند در ادامه صحبت هایش می افزاید: «بسیاری از کتاب های منتشر شده گاهی در دفاتر فنی مستقر در خود دانشگاه ها به روش فتوکپی تکثیر می شوند و برخی از ترجمه ها به طور غیرقانونی از کتاب های ترجمه قبلی رونویسی می شوند و اکثر کتاب هایی که به عنوان خلاصه درس یا راهنمای مطالعه منتشر می شوند ناقض قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان اند.»

## قوانین تشویقی

### برای استادان و قبولی در

### امتحانات دکتری یا

### بورد تخصصی، افراد را

### به سمت کتاب سازی

### با نام تالیف سوق می دهد

این روزها پشت وپشت ویتترین بسیاری از کتابفروشی ها حجم گسترده ای از کتاب های علوم پزشکی وجود دارند؛ کتاب هایی از یک جنس و موضوع با اندک تغییراتی در عنوان و متن که تداعی کننده دستگاه های کپی رنگی اند! این مقوله که به نام «کتاب سازی» در عرصه کتاب و کتابخوانی شهرت دارد، مدتی است دامنگیر فعالان و نویسندگان پزشکی و بهداشت شده است. جست و جو درباره علل بروز این پدیده نامیمون و تأثیرات آن بر نشر جامعه دانشگاهی، دستمایه اصلی این گزارش است.

## کتاب های پرهزینه و کم محتوا

پسوند سازی در اغلب واژه های فارسی، تداعی کننده کار و تلاش و سازندگی است. شاهد این مدعا واژه هایی چون آهنگ سازی و فضا سازی است. در آغاز اگرچه این پسوند مفید و کارا نشان می دهد، اما در این گزارش وقتی پس از واژه کتاب قرار می گیرد، نه تنها بر هر چه کار و تلاش خط بطلان می کشد، بلکه در بردارنده پدیده ای غیرفهرنگی و هم معنا با کپی برداری های غیرقانونی است.

کتاب سازی هایی که معمولاً در حوزه بهداشت انجام می شود، اگرچه هزینه های بسیاری را دربردارد، اما عاری از هرگونه روند تولید علم و دانش است و آثاری کم محتوا و نامناسب اند. کتاب سازی نوعی تقلب و جعل در عالم کتاب است، به گونه ای که فردی که نام مولف یا نویسنده را بر خود گذاشته، با سرهم کردن مطالب مختلف از یک حوزه، به قول خود اثری را تولید می کند که فقط شکل کتاب را دارد. این پدیده غیرفهرنگی که بیشتر در حوزه کتاب های پزشکی و بهداشت رواج دارد، به دلایل مختلفی پدیدار می شود. مجید راد، مترجم و نویسنده بیش از ۱۰ عنوان کتاب در حوزه بهداشت و درمان در این باره معتقد است: «تولید علم و دانش آن در رشته پزشکی در ایران بسیار ضعیف است، به همین دلیل آسیب پذیری کتاب سازی در این بخش بیشتر از سایر حوزه ها است.»

وی ادامه می دهد: «ترویج کتاب سازی در کشور که به تازگی سرعت زیادی گرفته است، موجب شده حجم گسترده کتاب های خوب و ارزشمند در میان کتاب های نامناسب دیده نشود و عرصه برای انتشار آثار مناسب تنگ شود.»

راد با اشاره به این که کتاب سازی تنها موجب افزایش عنوان کتاب های می شود، ولی در محتوا تغییری ایجاد نمی کند می افزاید: «شاید از بیان آمار کتاب های منتشر شده و همچنین افزایش رو به رشد این عناوین خوشحال باشیم، اما متأسفانه این کتاب ها نه تنها فایده چندانی برای مخاطب عام و خاص خود ندارند، بلکه موجب کاهش توان و بنیه علمی کشور می شوند.»

وی با بیان این که دست اندرکاران وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می توانند برای حل این پدیده غیرفهرنگی پیشقدم باشند می گوید: «اغلب این کتاب ها از سوی ناشران ضعیف و ناآشنا به حوزه چاپ و با سرمایه مولف یا گردآورنده منتشر می شوند. در این میان اگرچه کتاب های زیادی بر ویتترین کتابفروشی های کشور می نشینند، اما اینها آثاری پرهزینه، اما کم محتوا به شمار می آیند.»

## فرهنگ وصله پینه کتاب

ناشران پزشکی و دانشگاهی تأمین کننده عمده کتاب های مورد نیاز دانشجویان و پزشکان کشورند و توجه این قشر به معنات از انتشار آثار فاقد ارزش کافی، تأثیر بسیاری بر بازار کار دارد. مدیرمسؤول انتشارات ارجمند یکی از ناشران با سابقه پزشکی،





چند سالی است که ۲۷ شهریور سالروز تولد استاد شهریار به نام روز ملی شعر نامگذاری شده است و در این روز برنامه‌هایی در عرصه فرهنگی برای پاسداشت این هنر ملی برگزار می‌شود اما سوالی که همواره برای کارشناسان مطرح بوده، این است که آیا نامگذاری روزی به نام شعر، در روزگاری که شمارگان کتاب‌هایی که در این عرصه منتشر می‌شوند چندان قابل دفاع نیستند، کمکی به این هنر ملی خواهد کرد یا نه؟ وضعیت مجموعه‌های شعر و شمارگان آنها را با دو شاعر و منتقد مورد بررسی قرار داده‌ایم. آنان به این پرسش پاسخ داده‌اند که «برای رسیدن شعر به جایگاه اصیل آن چه باید کرد؟»

## به مناسبت روز ملی شعر و ادب پارسی

# شعر را به یک روز محدود نکنیم

شعر ارتباط برقرار کند، گیرم که این ارتباط کمی دشوارتر است. به نظر من برقراری ارتباط با شعر یک شاعر، مثل یادگیری زبانی بیگانه است. زبان شعری به طور ظاهری متشکل از واژه‌های زبانی چون فارسی، عربی یا فرانسه است ولی فهم آن نیازمند شناخت و آشنایی با رمزگان و ویژگی‌های سبکی و زبانی شاعر است و این مسائل را نیز باید به طور تدریجی در رسانه‌ها مورد توجه قرار داد.

### نامگذاری روزی به نام شعر می‌تواند چه دستاوردهایی داشته باشد؟

نامگذاری روزی به نام «روز ملی شعر و ادب پارسی» اتفاق مبارکی است، ولی به عقیده من -ضمن احترام به استاد شهریار- شاعران بزرگتری چون رودکی و فردوسی، برای پیوند خوردن به این روز شایسته‌ترند. ما از طرف دیگر انتظار داریم که این روز، تنها عنوانی تشریفاتی در تقویم رسمی نباشد، هرچند که ای کاش به جای «روز شعر» هفته‌ای به نام «هفته شعر» نامگذاری می‌شد. از سوی دیگر ما هم نباید برنامه‌های فرهنگی خود را به یک روز و حتی یک هفته محدود کنیم. مثلاً مدیران شهری می‌توانند در کنار تبلیغات آثار تجاری در سطح شهر، سهمی را نیز به آثار فرهنگی اختصاص دهند.

در این مورد خوب عمل کرده است و این می‌تواند الگویی مناسب برای رادیوی سراسری و صداوسیما باشد تا در قالب برنامه‌هایی مخاطب‌پسند، مخاطبان عام جامعه را بیشتر با شعر هم‌نسلان خود آشنا کنند. اقبال عمومی جامعه بعد از پخش این برنامه‌ها به طور حتم بیشتر متوجه شاعران معاصر خواهد بود. حتی ساخت برنامه‌هایی با ساختار برنامه ۹۰ در عرصه ادبیات مطرح شده که به نظر من می‌تواند نقشی بسیار مهم در تحول ادبیات معاصر داشته باشد. به عنوان مثال، بسیاری از شاعران معاصر، از جمله خود من، مطرح شدن را مدیون برنامه ویژه شعر حسین آهی هستیم که از شبکه دوم سیما پخش می‌شد و به معرفی تازه‌های کتاب می‌پرداخت.

### شاید یکی از دلایل توجه کمتر مردم به شعر معاصر، وارد شدن مسائلی مثل داستان‌نویسی باشد. شما این نکته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بله. داستان‌های معاصر توانایی بالقوه جذب مخاطب را بیشتر از شعر دارند، البته باید حساب قالب‌های داستانی مدرن چون داستاهای جریان سیال ذهن و ادبیات سوررئالیستی را جدا کرد. داستان به علت فهم ساده آن، با اقبال بیشتری نسبت به شعر روبه‌روست، اما این گونه نیست که مخاطب نتواند با

است. از طرفی با گسترده‌تر شدن محافل ادبی، فلسفی و مجالس شعرخوانی، وجوه زیبایی‌شناسانه شعر، بیشتر مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد و توجهات را بیشتر به خود جلب می‌کند. با این وجود، فرآیند مطرح شدن و مشهور شدن یک شاعر دشواری‌های خود را دارد، درست شبیه دوی ماراثن که از میان صدها نفر، فقط یک نفر موفق می‌شود. ایرانیان صدها شاعر خوب دارند ولی تنها به پنج شش شاعر چون حافظ، سعدی و خیام می‌پردازند. در دوره معاصر نیز شاعران بسیاری بوده‌اند ولی تنها تعدادی از این نام‌ها بیشتر در میان مردم بر زبان‌ها افتادند.

### پیشنهاد شما برای روز شعر چیست؟

مهم‌ترین کاری که باید در این روز (و البته در روزهای دیگر) انجام داد بردن شعر معاصر به مدارس است. وقتی کودکان از سن کم به مسائل و دغدغه‌های ادبی جامعه خود توجه کنند، به طور حتم می‌توانند در آینده نیز قضاوت بهتری داشته باشند. برگزاری جلسات نقد شعر، انتخاب اشعار برتر جوانان و انتشار آنها در یک مجموعه شعر و مسائلی از این دست، می‌تواند شکوه و ابهت این هنر ملی را به ما برگرداند.

### مشکل اصلی: پخش

سعید بیابانکی، شاعر اصفهانی معاصر از سال ۱۳۶۹ با انتشار نخستین مجموعه شعری خود به نام «دریایی در برف» با به عرصه حرفه‌ای شعر گذاشت. وی تاکنون مجموعه‌های شعر دیگری چون «باغ دوردست»، «پرواز اصفهان - مشهد»، «سنگچین» و چند اثر دیگر را منتشر کرده است.



### به نظر شما مشکل اصلی کم بودن شمارگان کتاب‌های شعر در چیست؟

مشکل کمبود بودن تیراژ کتاب‌های شعر را نه در میزان استقبال مخاطبان، بلکه باید در نحوه توزیع آثار دانست. به نظر من استقبال از آثار شعری متاخر خوب است، اما پخش ضعیف کتاب -به ویژه در شهرستان‌ها- سبب می‌شود تا مخاطب نتواند به آثار مورد نظرش دست یابد و به همین دلیل، تیراژ کتاب به عدد واقعی‌اش نزدیک نباشد. مثلاً از یکی از مجموعه‌های شعر من، ۴۰۰ نسخه در یک کتابفروشی اصفهان به فروش رسیده است اما کتابفروش برای تأمین نسخه‌های جدیدی از این کتاب، دچار مشکل بوده است.

گاهی احساس می‌شود که عواملی در بازار پخش، جلوی پخش اشعاری را می‌گیرند که رنگ و بوی مذهبی، اسلامی، دفاع مقدس و انقلابی دارند یا حداقل سبب می‌شوند این دسته از آثار کمتر عرضه شوند، از طرفی، دسته‌ای از آثار شعری با مضامینی غیر از مضامین انقلابی، بیشتر در بازار عرضه شده و برجسته‌تر می‌شوند.

### شاید به دلیل آن که برخی از شاعران در عرصه عمومی چندان شناخته شده نیستند...

این نکته هم می‌تواند تا حدی درست باشد. در این مورد باید از نقش رسانه‌ها یاد کرد که در معرفی شاعران بسیار عمیق است. به نظر من رادیو فرهنگ

### در کشاکش میان سنت و مدرنیته



عبدالعلی دستغیب، منتقد و مترجم، آثار متعددی را در عرصه نقد ادبی به رشته تحریر درآورده است. وی که به عنوان منتقد پیشکسوت در بسیاری از محافل ادبی حضور دارد، آثاری چون «از دریچه نقد؛ گفتارها و جستارهای انتقادی ادبی»، «هنر تمثیل در آثار ادبی»، «عیار نقد در آینه» و ترجمه کتاب «دجال» و «شامگاه بتان» را منتشر کرده است.

### به نظر شما چرا شمارگان کتاب‌های شعر معاصر چنین وضعیتی دارد؟

شعر خوب مورد توجه قرار می‌گیرد و اگر ضعیفی هست، متوجه خود شاعران جوان است. مثلاً شعر شاعران صاحبان نام معاصر با اقبال از طرف مخاطبان شعر دوست مواجه می‌شوند و این نشان از ظرفیت این شعرها دارد. ولی وضع فروش آثار شاعران جوان در سطح قابل قبولی نیست و این نکته بیش از هر چیز متوجه آثار ایشان است. از سویی، ناشران نیز به دلیل اقبال کم از این آثار، رغبتی برای چاپ آنها نشان نمی‌دهند و این سبب می‌شود تا عده زیادی از این شاعران مجبور به چاپ آثار شعری خود با هزینه شخصی شوند. این نکته به بدتر شدن بازار آثار شعری می‌انجامد.

### برای معرفی شاعران جوان به هر حال باید تدابیری اندیشید...

بله. شاید بتوان برای معرفی آثار شاعران جوان، راه‌های کم‌هزینه‌تری را برگزید که در عین حال بیشتر نیز مورد توجه مخاطبان است. مثلاً یکی از راه‌های جذب مخاطب بیشتر در عرصه شعر جوان، آن است که این اشعار به صورت لوح‌های فشرده منتشر شوند. همچنین می‌توان با استفاده از امکانات صوتی امروزی و دکلمه اشعار به جذابیت آنها کمک کرد. اما این نکته را فراموش نکنیم که شاعران جوان باید به سنگ محک نقد سنجیده شوند تا امکان تحول و رشد آنها فراهم آید. به نظر من این نکته بسیار قابل اعتنا و مهم است که شعر یک شاعر جوان توسط منتقدان مورد توجه قرار گیرد و بررسی شود. وقتی شاعران جوان آثارشان را در جلسات ادبی بخوانند و مورد توجه و حتی نقد قرار گیرند، نشان از آن دارد که آثارشان دست کم ویژگی‌های اولیه را دارد. من معتقدم باید این عرصه برای جوانان فراهم شود تا شعر خود را معرض نقد قرار دهند.

### شما پیش از این، به جامعه ایرانی اشاره داشته‌اید که جنسی از اشعار را می‌پسندد اما شعرهای معاصر فضایی متفاوت دارند. آیا این نکته نیز در کم بودن شمارگان کتاب دخالت دارد؟

البته چنانچه پیش‌تر نیز به آن اشاره کردم، اشعار شاعران معاصر نیز مورد توجه خوانندگان قرار گرفته‌اند با این وجود نمی‌توان از تقابل سنت و مدرنیته در جامعه معاصرمان به سادگی گذشت. کشاکش میان اشعار سنت‌گرا و تجددگرا، مجالی برای شعر نو باقی نمی‌گذارد. البته نمی‌توان سنت را نیز به تمامی نفی کرد و به نظر من باید به آشتی میان سنت و مدرنیته اندیشید. اقبال از شاعرانی که نام دارند، ناشی از همین امر توجه به سنت و مدرنیته

## کتاب هفته

### پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است

خانه کتاب ایران  
نشریه کتاب هفته  
صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

## نظرسنجی از خوانندگان

### محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، با هدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هرچه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً پس از تکمیل فرم نظرسنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه‌های آن را بچسباندید و بدون تمبر در صندوق پستی بیندازید.

هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم از زوایای گوناگون

# مردم، کلام حق و یک دنیا اشتیاق



ماهیت چنین نمایشگاهی است.»

زمان وزیری از نمایشگاه بین المللی قرآن کریم به عنوان بزرگ ترین رویداد قرآنی کشور در طول سال یاد می کند و معتقد است: «ارائه خدمات گوناگون نظیر مشاوره، مسابقه، نشست ها و جلسات تخصصی، ارائه بروشورها و اطلاع رسانی های گوناگون، گفت و گو و نظر خواهی از بازدید کنندگان، از بخش های متنوع و سازنده ای به شمار می روند که علاوه بر بازدید کنندگان، فوایدی نیز برای مسئولان برگزار کنندگان نمایشگاه در پی دارد.»

از دیگر نکات بارز نمایشگاه این دوره می توان به افزایش تعداد ناشران، میهمانان و فعالان خارجی اشاره کرد. علاوه بر بخش بین المللی که در اواسط برگزاری نمایشگاه راه اندازی شد، در بخش دانشگاهی نیز غرفه هایی از سوی دیگر کشورها برپا شد که نشان از گسترش فعالیت های قرآنی ما با دیگر کشور های دنیا دارد و امید است این همکاری در عرصه های گوناگون نیز افزایش یابد.

رحیم قربانی، مدیر بخش دانشگاهی هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن نیز می گوید: «امسال گسترده ترین حضور جامعه دانشگاهی در برگزاری برنامه های قرآنی مشترک در بخش دانشگاهی نمایشگاه قرآن تجلی یافته است. در این دوره ۳۵ موسسه و نهاد دانشگاهی با برپایی ۵۰ غرفه فعالیت های خود را در معرض دید و استفاده بازدید کنندگان قرار داده اند. دوره گذشته در این بخش، ۴۰ غرفه فعالیت می کرد، در حالی که امسال این تعداد به ۵۰ غرفه افزایش یافته است. به همین تناسب محتوای فعالیتی غرفه ها نیز ارتقا پیدا کرده است و هر یک از غرفه ها مجموعه ای از برنامه های قرآنی را ارائه می دهند.»

وی با بیان این که حضور خودجوش گروه ها و موسسات دانشجویی و دانشگاه ها برای نخستین بار در بخش دانشگاهی رخ داده است، می گوید: «حضور دانشجویان جهان اسلام با اختصاص غرفه به آنها از دیگر رخدادهایی است که برای نخستین بار در این بخش روی می دهد. در بخش دانشگاهی پس از دعوت از ۱۰ کشور، هشت کشور از جمله ترکیه، لبنان، عراق، سودان، مراکش و همچنین برخی کشورهای حوزه خلیج فارس اعلام آمادگی کردند و طبق برنامه ای که برای آنها طراحی شد، تا هجدهم شهریور ماه به ایران آمدند.»

وی درباره شایعات گوناگونی که درباره نمایشگاه به گوش می رسید، بیان می کند: «مسئولان و شورای نمایشگاه ها هیچ یک از این شایعات را تایید نکرده اند و در پایگاه اطلاع رسانی نمایشگاه نیز اطلاع رسانی های کافی را در این زمینه داشته اند اما در مجموع باید گفت؛ این مسائل حاشیه ای تأثیری در نگرش و رفتارهای قرآنی مردم ما ندارد و از عمق و عظمت حضور آنها نمی کاهد، زیرا آنها به مسائل دینی و قرآنی به گونه ای ویژه می نگرند و به دلیل اعتقاد و اعتماد قلبی که به فضاهای دینی و قرآنی دارند، تحت تأثیر این شایعات قرار نمی گیرند.»

هم نداشته باشند - که در اکثر موارد این گونه نیست - با اندوخته ای از آموزه ها و نیات پاک آسمانی مصلا را ترک می کنند.»

رضایی با بیان این که تغییر ساعات کاری نمایشگاه موجب افزایش حضور بازدید کنندگان به صورت خانوادگی شده است، عنوان می کند: «در فضای بیش از ۳۰ هزار مترمربعی که در این دوره به نمایشگاه اختصاص یافته است، ۲۱۶ ناشر داخلی و ۱۷ ناشر خارجی غرفه دارند و به طور مشخص به ارائه آثار و محصولات قرآنی خودشان می پردازند.»

نمایشگاه قرآن در بخش های گوناگونی نظیر سالن ناشران کودک و نوجوان و کتاب های قرآنی، بخش حوزویان، نهادها و موسسات، بخش دانشگاهیان، پاسخ به سوالات شرعی بازدید کنندگان و ... علاوه بر معرفی و عرضه آثار گوناگون به ارائه خدمات، اطلاع رسانی و پاسخ به سوالات و شبهات گوناگون دینی و قرآنی می پردازد.

مدیر روابط عمومی نمایشگاه قرآن درباره شایعات گوناگونی که در این زمینه نظیر جمع آوری نسخه های رساله یکی از مجتهدان از نمایشگاه و تأثیر منفی آن بر استقبال مردم عنوان می شد، می گوید: «همواره شایعات و حاشیه هایی برای مراسم و مناسبت ها وجود دارد. ما در پی توجه به حواشی و مطالب بی ارزش نیستیم. متأسفانه برخی علاقه دارند فضای نامنی و تشویق را در جامعه ایجاد کنند و در این راستا نسبت هایی غیرحقیقی را به دیگران می دهند. درباره نمایشگاه نیز گفته می شد برخی از کتاب ها و رسایل از غرفه ها جمع آوری شده. که این گونه نبوده و نیست. هیچ کتابی از نمایشگاه جمع نشد. درباره دیگر اقداماتی که در فضای مصلا انجام می شود نیز باید گفت تمامی فضای مصلا به نمایشگاه قرآن اختصاص ندارد و ما تنها مسئول کنترل و نظارت بر بخش نمایشگاهیم. درباره دیگر فضاهای مصلا که اختصاص به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد، این وزارتخانه تصمیم گیری می کند.»

وی در مقابل این سخن که «برخی از ناشران، مسئولان غرفه های گوناگون و افراد جامعه معتقدند در این دوره اطلاع رسانی مناسبی صورت نگرفته است» می گوید: «باید دید چه کسانی این ادعا را دارند. آیا آنها به صورت همزمان تمامی برنامه های گوناگون صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را مشاهده کرده اند و اطلاعات آماری دقیقی دارند؟ با توجه به آمار ارائه شده، از ۲۵ مردادماه تا هفتم شهریور ماه، بیش از ۱۶۰۰ دقیقه برنامه در راستای اطلاع رسانی از شبکه های گوناگون سیما پخش شده است.»

نقد دیگری که از سوی ناشران و متصدیان غرفه ها به هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم وارد می شود، افزایش خرید و توجه به کتاب های عمومی نسبت به کتاب های تخصصی علوم قرآنی و معارف است که در این حوزه نیز نظریات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند برای برطرف کردن این مشکل باید راه حل هایی اندیشیده شود و برخی به این موضوع به عنوان یک مسأله یا مشکل نمی نگرند.

در این زمینه محمد حسن زمان وزیری، مدیر بخش خانواده هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، می گوید: «توجه به کتاب های عمومی و افزایش خرید این کتاب ها نسبت به تالیفات تخصصی، از ویژگی های چنین نمایشگاهی است و برای این که چنین فضاهایی پذیرای مخاطبان عمومی اند، ناگزیر به ارائه آثار عمومی اند و این

این که نمایشگاه قرآن در اصل جایگاه پرداختن به این آثار گران بهاست، اما باید فضایی را هم برای معرفی و به عرصه آمدن کتاب های تخصصی که در زمینه های علوم قرآنی و معارف و متناسب با نیازها و مسائل روز جامعه تالیف می شوند، فراهم کنیم. برخی نیز تصور بازدید کنندگان و استقبال از آثار و کتاب های قرآنی در این دوره را خوب و بیش از دوره های پیش ارزیابی می کنند و معتقدند روندی طبیعی است که هر سال میزان استقبال و تعداد مخاطبان این نمایشگاه بیشتر شود.

در این زمینه رضا رضایی، مدیر روابط عمومی نمایشگاه بین المللی قرآن کریم می گوید: «در زمینه آثار و خدمات قرآنی ارائه شده در نمایشگاه هفدهم، هم از لحاظ محتوایی و هم از نظر اجرایی، تفاوت بارز و پیشرفت قابل ملاحظه ای در مقایسه با دوره های قبل وجود دارد، زیرا در هر دوره ای با استفاده از تجارب قبلی، کارها به سوی کمال میل می کنند. تفاوت اصلی این نمایشگاه با دیگر عرصه های فرهنگی در این است که بازدید کنندگان تنها برای پاسخ به نیازهای قلبی شان قدم در این فضا می گذارند و هدف آنها تنها تهیه یک کالای فیزیکی با عنوان «کتاب» نیست. آنها برای اهداف علمی - پژوهشی و تکمیل منابع شان به نمایشگاه قرآن نمی آیند، بلکه با نیاتی معنوی و آسمانی قدم به مصلا می گذارند و در پایان این راه، حتی اگر خریدی

نمایشگاه بین المللی قرآن کریم که در ماه مبارک رمضان پذیرای ناشران، نویسندگان و دیگر فعالان و دستداران حوزه های قرآنی است، فرصتی مناسب برای تجدید میثاق های آسمانی زمینیان با تنها معبود خویش به حساب می آید، فرصتی که شاید در دیگر فضاهای اجتماعی و اشتغالات دنیای کنونی، کمتر پیش بیاید.

همان گونه که درباره برگزاری تمامی کارهای عظیم و زمان بر، نظرات و آرای گوناگونی در زمینه های مختلف ارائه می شود، درباره فضای نمایشگاه قرآن با حجم عظیم فعالیت ها، حضور مخاطبان و گستره زمانی اش نیز برداشت های متفاوتی وجود دارد که هر یک فضا و زمان فراوانی را برای مطالعه و بررسی می طلبد.

هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم نیز که با شش روز تعجیل و پیش از آغاز ماه مبارک رمضان شروع به کار کرد، با موجی از جمعیت بازدید کننده و حضور پر تلاش دست اندر کاران و دنیایی از نظرات و ایده های گوناگون و گاهی هم متضاد مواجه است. برخی استقبال و میزان خرید کتاب از نمایشگاه این دوره را نسبت به دوره های قبل کمتر می دانند و معتقدند باید اقداماتی در این زمینه انجام شود که این عرصه رنگ کهنگی و تکرار نگیرد و مخاطبان تنها به خرید نسخه های گوناگون قرآنی، کتاب های ادعیه و نهج البلاغه اکتفا نکنند. آنها می گویند با وجود

خواننده گرامی

با سلام

با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره مند کنید.

ردیف	عنوان	وضعیت			
		عالی	خوب	متوسط	ضعیف
۱	شیوایی مطالب	۲۰	۱۵	۱۰	۵
۲	جدید بودن مطالب				
۳	پرمحتوا بودن مقالات				
۴	نحوه اطلاع رسانی در مورد کتاب های جدید				
۵	نحوه اطلاع رسانی در حوزه کتاب				
۶	کیفیت طراحی و صفحه آرایی				
۷	کیفیت چاپ				
۸	قیمت				
۹	در دسترس بودن				

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده اید، لطفا موارد آن را بیان کنید:

نکات مثبت و ویژه ای که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید را بیان کنید:

سایر موارد:

تکمیل کننده:



گزارشی از بخش پیایندهای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

# همه‌مه خاموش نشریات در عمق کتابخانه ملی



همزمان با تاسیس کتابخانه ملی ایران، گنجینه‌ای از نشریات ادواری با عنوان «پیایندها» در دل کتابخانه ملی ایران جای گرفت و تحت نظارت مدیریت اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی ایران درآمد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی اصطلاح «پیایندها» را برای مجله‌ها، روزنامه‌ها و دیگر نشریات ادواری وضع کرده است و به طور کلی، به آثاری که به صورت مرتب و طبق زمان بندی مشخص منتشر می‌شوند، پیایندها می‌گویند.

در حقیقت پیایندها یا نشریه ادواری، نشریه‌ای چاپی یا غیرچاپی است که مسلسل و در فواصل زمانی معین یا نامعین، منتشر می‌شود و به طور نامحدود ادامه می‌یابد. پیایندها شامل مجلات، روزنامه‌ها، سالنامه‌ها، یادبودها، خلاصه مذاکرات سازمان‌ها، صورت جلسات همایش‌های دنباله‌دار، گزارش‌های انجمن‌های علمی و نیز فروست‌های تک‌نگاشتی است. این تعریف شامل آثاری است که در قسمت‌های جداگانه منتشر می‌شوند ولی پایان انتشار آن از قبل مشخص شده است، نمی‌شود مثلاً آثار چند جلدی.

بخش پیایندهای کتابخانه ملی در یکی از عمیق‌ترین قسمت‌های بنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران قرار دارد که در وهله اول، سکوت آن توجه هر کسی را جلب می‌کند. اینجا، عده کمی در حال مطالعه نشریاتند و کارمندان این بخش نیز به فعالیت‌های روزانه خود مشغولند.

## تاریخچه‌ای به قدمت کتابخانه ملی

معصومه میرپوریان مدیر گروه بخش پیایندهای کتابخانه ملی ایران درباره تاریخچه این بخش می‌گوید: «پیایندها به اندازه خود کتابخانه ملی قدمت دارد و جامع‌ترین آرشیو مطبوعات ایران است. البته از همان ابتدا به صورت بخشی مجزا نبود و بعد از مدتی با افزایش آمار نشریات به صورت مستقل درآمد. قدمت نشریات این بخش به آغاز تولد نشریات در ایران بازمی‌گردد.»

البته کاغذ اخبار، قدیمی‌ترین نشریه چاپ شده است که متأسفانه در هیچ کتابخانه‌ای در ایران موجود نیست ولی شماره‌هایی از «وقایع اتفاقیه» به عنوان قدیمی‌ترین منابع پیایندها و نشریات در کتابخانه ملی ایران موجود است.

وی می‌افزاید: «علاوه بر روزنامه و مجله، آثاری نظیر خبرنامه‌ها، گزارش سمینارها و گاهنامه‌ها نیز در این بخش موجودند. در مخزن این بخش، آرشیو نشریات قدیمی و جاری برای استفاده محققان نگهداری می‌شود. در این بخش همچنین مجموعه‌ای از نشریات به زبان عربی و انگلیسی نیز قابل دسترسی است.»

روزنامه‌ها، مجله‌ها و گاهنامه‌های منتشر شده از دوره قاجار (از پیدایش مطبوعات در ایران) تا به امروز در این بخش نگهداری می‌شوند.

نشریات موجود در کتابخانه ملی ایران در چند بخش فارسی زبان، لاتین و عربی قرار دارند. میرپوریان در این باره می‌گوید: «تمامی نشریات فارسی زبان دنیا و نشریات تخصصی ایران، اسلام‌شناسی و کتابداری لاتین و عربی که مورد نیاز خوانندگان است، در این بخش جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند. بنابراین تمامی نشریات لاتین و عربی در کتابخانه ملی موجود نیست بلکه آنهایی که مورد تقاضا و نیازند، در کتابخانه ملی نگهداری می‌شوند.»

## آمار میلیونی

منابع نشریات فارسی، عربی و لاتین ۱۵۰ هزار مجلدند که هر مجلد شامل شماره‌های بسیار زیادی

می‌شود که به تفکیک شماره، به چهار تا پنج میلیون شماره می‌رسد. آمار نشریات جاری نیز حدود پنج هزار نشریه فارسی، لاتین و عربی است که حدود ۳۰۰ عنوان آن لاتین‌اند.

## مراحل مختلف فعالیت بخش پیایندها

مدیر گروه پیایندهای کتابخانه ملی درباره مراحل مختلف حضور یک نشریه در این بخش می‌گوید: «نخستین مرحله در کار این بخش، پیگیری و دریافت نشریات است که کتابخانه ملی با ناشران ارتباط برقرار می‌کند. البته بر اساس قانون، تمامی ناشران موظفند ۱۰ نسخه از هر نشریه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل دهند که این وزارتخانه نیز دو نسخه از این نشریات را به کتابخانه‌های معتبر کشور نظیر کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و آستان قدس رضوی تحویل می‌دهد.»

میرپوریان می‌افزاید: «با وجود این قانون واسپاری، گاهی ناشران این قانون را رعایت نمی‌کنند. بنابراین کتابخانه ملی مجبور است که به صورت مستقیم با ناشران ارتباط برقرار کند. بعد از دریافت این نشریات در کتابخانه ملی، عملیات تفکیک نشریات انجام می‌شود و نشریات مختلف در بخش زبان ویژه خود قرار می‌گیرند و بعد از دریافت کارتکس مربوطه، شماره‌های هر نشریه در برگه‌های ویژه‌ای قرار داده و برای صحافی فرستاده می‌شوند.»

صحافی نشریات، اغلب دوره‌ای انجام می‌شود، به این صورت که بعد از دریافت چند شماره از نشریه، برای نمونه پانزده روز یا حتی یک ماه، مجلات و نشریات برای صحافی فرستاده می‌شوند و به صورت یک مجله کنار هم قرار می‌گیرند و شماره بازایی دریافت می‌کنند و در نهایت در نرم‌افزار «رسا» ثبت می‌شوند.

میرپوریان در ادامه یادآوری می‌کند: «یکی از مهم‌ترین وظایف کتابخانه ملی ایران، اطلاع‌رسانی، نگهداری و حفاظت از منابع اصلی این کتابخانه است. بخش پیایندها با مرمت، نگهداری در محیط بدون رطوبت و در اختیار قرار ندادن منابع اصلی از منابع موجود حفاظت می‌کند. اطلاع‌رسانی در این زمینه با توجه به اولویت مراجعه‌کنندگان و نیازهای آنها صورت می‌گیرد. برای نمونه، اصل نشریات قاجار هیچ‌گاه در اختیار مراجعان قرار نمی‌گیرد.»

مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و موسسه مطالعاتی تاریخ معاصر و موزه مطبوعاتند.

میرپوریان در این باره می‌گوید: «فعالیت این شورا عملی برای ارتباط بیشتر کتابخانه‌ها با یکدیگر است. برای نمونه، تاکنون حدود ۴۰ عنوان از نشریات قاجاریه بازچاپ و منتشر شده که این امر عاملی برای عدم مراجعه افراد به نسخه‌های اصل و حفاظت از این منابع شده است. البته این نسخه‌ها در همه کتابخانه‌های مهم و بزرگ قرار می‌گیرند تا افراد بتوانند راحت‌تر به منابع مورد نظر خود دسترسی پیدا کنند. همچنین، تاسیس این شورا عاملی برای به اشتراک گذاشتن منابع از سوی کتابخانه‌های کشور است.»

## ساعت کار بخش پیایندها

بخش اطلاع‌رسانی نشریات کتابخانه ملی در فصل بهار و تابستان از هشت صبح تا ۱۰ شب و در فصل‌های پاییز و زمستان از هشت صبح تا ۹ شب آماده خدمت‌رسانی به مراجعان است.

عضویت در این بخش از کتابخانه ملی با همان کارت عضویت کتابخانه انجام می‌گیرد و افراد می‌توانند مطالب مورد نیاز خود را از نشریات اسکن کنند و عکس بگیرند.

## شاپا؛ شماره‌ای هشت رقمی

شاپا؛ شماره منحصر به فردی است که بر اساس استاندارد بین‌المللی ایزو ۳۲۹۷ تهیه شده است و با این شماره می‌توان صرف‌نظر از محل نشر، زبان یا رسانه، به یک اثر مکتوب شماره داد.

این شماره از هشت رقم تشکیل شده است. هفت رقم اول پایه و رقم هشتم، رقم کنترل است. این عدد هشت رقمی به دو گروه چهار رقمی تقسیم و با خط اتصال به یکدیگر متصل می‌شوند. گروه اول شماره شناسایی و گروه دوم شماره ترتیب‌اند.

شماره شاپا حاوی مشخصات کامل یک پیایندها است و در نتیجه بدون دانستن زبان، یا کشور منتشرکننده، مجله قابل شناسایی است. این شناسایی از این جهت میسر می‌شود که هر شماره شاپا در کل جهان مخصوص یک پیایندها است.

در حقیقت، شماره شاپا آسان‌ترین وسیله برای برقراری ارتباط بین ناشران و موزعان است و نظام توزیع جهانی را کارا و سریع می‌کند.

همچنین شاپا در کتابخانه‌ها سهل‌ترین وسیله برای شناسایی، سفارش و کنترل و نیز پیگیری نسخه‌های دریافت نشده است و امانت بین کتابخانه‌ای و تهیه فهرستگان‌ها را سهل و سریع می‌کند.

## پیشنهادی از سوی یک مراجعه‌کننده

مراجعان بخش نشریات را اغلب پژوهشگران و دانشجویان برای انجام کارهای پایان‌نامه تشکیل می‌دهند.

یکی از مراجعانی که در بخش نشریات در حال مطالعه است، می‌گوید: «برای تهیه و تدوین پایان‌نامه در رشته کارشناسی ارشد کتابداری، در کتابخانه ملی حضور پیدا کرده‌ام و خوشبختانه بیشتر منابع مورد نیاز و نشریات در این بخش وجود دارند ولی با این حال، باید به بخشی از کتابخانه‌های دانشگاهی نیز سر بزنم تا بتوانم منابع مورد نظر را تکمیل کنم.»

وی همچنین می‌گوید: «بهرتر بود نسخه‌ای از این منابع در برخی دیگر از کتابخانه‌های بزرگ تهران موجود بود، تا همه مجبور نباشند در کتابخانه ملی ایران حضور پیدا کنند.»

عمر مفید هر برگ روزنامه سی سال است، بنابراین آسیب‌پذیرترین کاغذها، نشریاتند. پس باید به گونه‌ای نگهداری شوند که برای نسل‌های بعدی ماندگار باشند.

یکی دیگر از فعالیت‌های بخش پیایندها، رقومی کردن آثار است که در این باره نشریات قاجار اولویت دارند. این کار دو سال است که شروع شده و هدف از رقومی کردن، ایجاد عاملی برای افزایش و تسهیل استفاده مراجعان است.

میرپوریان در این باره می‌گوید: «از زمانی که نشریه‌ای وارد بخش پیایندها می‌شود، به نرم‌افزار رسا وارد شده و مراجعه‌کنندگان می‌توانند از طریق سایت کتابخانه ملی در قسمت جست‌وجوی منابع، وارد نشریات شوند و روزنامه یا مجله مورد نظر را پیدا کنند.»

یکی دیگر از راه‌های استفاده از نشریات، حضور در محل کتابخانه ملی و استفاده از برگه‌دان است. مسوول گروه پیایندها در این باره می‌گوید: «برای هر نشریه یک برگه‌دان وجود دارد که اطلاعات مربوط به آن، شامل صاحب امتیاز، مدیر مسوول، سال انتشار و شماره آن به تفکیک سال در برگه‌دان وجود دارد. این سیستم سالیان سال است که در بخش پیایندها فعالیت دارد و از دو سال پیش در سایت کتابخانه ملی ایران جای گرفته است. اکنون کل موجودی روزنامه‌هایی که در کتابخانه ملی ایران موجودند، در نرم‌افزار رسا قرار دارند ولی تنها بیست درصد مجلات در سایت موجودند و بقیه از طریق برگه‌دان قابل جست‌وجویند.

قفسه‌هایی نیز در بخش پیایندهای کتابخانه ملی موجودند که شامل فهرست نشریات معتبر و مشهورتر به زبان فارسی، عربی و لاتین آند و نمونه‌ای از این نشریات نیز در این قفسه‌ها موجودند. مراجعه‌کنندگان در صورت نیاز می‌توانند از آن استفاده کرده و سپس، سراغ‌منشاء آن‌ها بروند. همچنین «نماشن» نیز پایگاه نرم‌افزاری است که از طریق جست‌وجو در آن می‌توان برخی از منابع مورد نیاز را به دست آورد.

یکی دیگر از فعالیت‌های مهمی که در بخش نشریات کتابخانه ملی انجام می‌شود، تشکیل شورای ساماندهی و اطلاع‌رسانی مطبوعات ایران است. این شورا از سال ۱۳۸۴ با ریاست فرید قاسمی تاسیس شد و اعضای آن شامل مسوولان بخش‌های نشریات کتابخانه‌های معتبر ملی، آستان قدس،



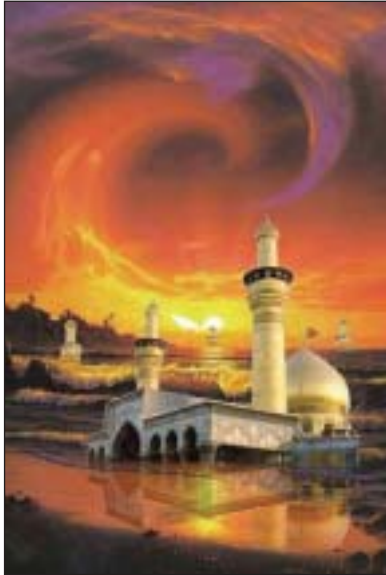
علی هادیلو

واقعۀ کربلا، بارها دستمایه پژوهش‌های مورخان مسلمان قرار گرفته و هر یک از این مورخان با بازکاوی در این رویداد، گوشه‌ای از مظلومیت سید الشهدا (ع) را روایت کرده‌اند. با این همه محمدرضا هدایت‌پناه در کتابی با عنوان «بازتاب تفکر عثمانی در واقعۀ کربلا» تفسیری تازه از چهره قاتلان اصلی عاشورا ارائه داده است. وی عضو هیات علمی و مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که علاوه بر گذراندن تحصیلات حوزوی اصول، فقه و خارج، اکنون در دوره دکترای تاریخ اسلام در دانشگاه قم مشغول به تحصیل است. کتاب‌های «حدیث برادری در سیره نبوی» (برگزیده جایزه بین‌المللی کتاب سال ولایت)، «تاریخ تشیع»، تدوین بخشی از «دانشنامه سیره نبوی» و «بازتاب تفکر عثمانی در حادثۀ کربلا» از جمله آثار تالیفی هدایت‌پناه به شمار می‌آیند.

مؤلف کتاب «بازتاب تفکر عثمانی در واقعۀ کربلا»:

# واقعۀ کربلا هنوز ابعاد ناشناخته دارد

پیروزی حزب علوی به پایان رسید، اما پیامدهایی به دنبال داشت که نخستین پیامد آن گرایش مردم بصره به تفکر عثمانی بود. بعد دیگر بازتاب تفکر عثمانی در علم حدیث و رجال است که این تأثیرگذاری کمتر از بعد نظامی و سیاسی نبود و اختلاف زیادی در آثار محدثان اسلام بر جای گذاشت. از سال ۴۱ هجری که معاویه بر سر کار آمد، تمام هم و غم او از بین بردن مرکز ثقل تشیع بود. او تبلیغات زیادی به راه انداخته بود تا تشیع را به حداقل برساند و در نتیجه این برنامه تشیع زدایی بود که حزب عثمانی در کوفه پایگاهی پیدا کرد. آن زمان مبلغانی که معاویه را به کار گماشته بودند به دنبال این بودند که امیرالمومنین (ع) را قاتل اصلی عثمان معرفی کنند و حتی زمانی که امام علی (ع) از قتل عثمان برائت جستند، باز او را به این بهانه که در این ماجرا سکوت کرده، مقصر این حادثه جلوه دادند. این تبلیغات تأثیر خود را با شروع جنگ جمل نشان داد و در جنگ صفین نیز به مقابله نیروهای علوی با عثمانی مذهب‌انجامید.



حتی نحوه شهادت امام حسین (ع) و یارانش نیز نشأت گرفته از همین تفکر است. مثلاً در نامه یزید به ابن زیاد، مبنی بر بستن آب فرات روی اهل بیت علیهم السلام نشانه این تفکر مشهود بود، چراکه یزید می‌گوید چون عثمان تشنه به قتل رسید، پس امام حسین (ع) و یارانش نیز باید تشنه به شهادت برسند. بنابراین این تفکر تأثیرات چشمگیری در تاریخ اسلام از خود بر جای گذاشته است که هنوز هم به قوت خود باقی است. شناخت ابعاد و زوایای این تأثیرات نیازمند پژوهش‌های دامنه‌داری است که بنده در این کتاب به آنها پرداخته‌ام.

**برای این پژوهش از چه منابعی استفاده کرده‌اید؟**  
شواهد این کتاب را عمدتاً از منابع تاریخی اهل سنت استخراج کرده و با پرونده تاریخی و اجتماعی نیروهای معارض در کربلا تطبیق داده‌ام. چراکه از یک سو، استفاده از شواهد خود اهل سنت موجب می‌شود که مطالب کتاب با اشکال مورخان اهل سنت مواجه نشود و از سوی دیگر، مباحثی که در برخی منابع تاریخی اهل سنت بیان شده، برخلاف منابع تاریخی وهابیان، متفن است.

سندیت خود را از دست می‌دهد. حتی پیامبر هم نمی‌تواند مطالبی خلاف عقل و فطرت بیان کند و همه ادیان و مذاهبی که خلاف فطرت باشند، منسوخ یا باطل‌اند.

**موضوعی که در کتاب شما عنوان شده، بررسی تأثیر تفکرات بعد از مرگ جناب عثمان در حادثۀ کربلاست. آیا پیش از این نیز این مسأله مورد توجه مورخان بوده یا این مبحث نظریه تازه‌ای در عاشورا پژوهی است؟**

این نظریه برای نخستین بار مطرح شده و نشان می‌دهد که نیروهای معارض امام حسین (ع)، برخلاف تصور رایج، از نیروهای شیعی نبودند بلکه تفکر عثمانی داشتند. این گروه که بعد از کشته شدن جناب عثمان پدید آمدند، کم‌کم کوفه را پایگاه خود قرار دادند و در قیام امام حسین (ع) هسته اصلی نیروهای عمر بن سعد را تشکیل دادند و در کربلا امام و یاران وفادارش را به شهادت رساندند. من شواهد و دلایل تاریخی فراوانی از منابع تاریخی استخراج کردم تا دلایل این که چرا یک گروه می‌خواهند دشمنان امام را شیعه اهل کوفه معرفی کنند، نشان دهم.

**چرا این موضوع تاکنون از چشم مورخان اسلامی دور مانده بود؟**

اولین دلیل آن است که آنها توجهی به نقش تفکر سیاسی و مذهبی عثمانی هادر عاشورا نداشتند. دلیل دوم این که برخی از مطالب آنقدر تکرار شده که به عنوان «ار سال مسلمات» پذیرفته شده است. «ار سال مسلمات» به این معنی است که موضوعات تاریخی، به دلیل تکرار به عنوان مشهورات شناخته و تبدیل به یقین می‌شوند. دلیل سوم این است که سالیان متمادی مورخان شیعی تنها امویان را قاتل امام حسین (ع) قلمداد می‌کردند. در مقابل این مورخان، مورخان وهابی نیز که به جنایت هم مسلکان خود پی برده بودند با اهدافی سازماندهی شده، در صدد بودند تا تشیع را عامل اصلی این حادثه معرفی کنند. آنها برای این شبهه افکنی سه استدلال داشتند: نخست این که قتل مسلم و حادثۀ کربلا در حوزه جغرافیایی شیعه رخ داد نه در منطقه شام. دومین استدلال آنها این است که نیروهای معارض در کربلا از شیعیان

در تاریخ نگاری اسلامی، مهم‌ترین آسیبی که ممکن است به کار مورخ لطمه بزند، دخالت دادن اعتقادات شخصی در قضاوت نهایی است. به نظر شما چگونه می‌توان از آسیب‌ها دور ماند؟

یک مورخ می‌تواند آزاداندیش باشد بنابراین، میان این دو تعارضی وجود ندارد، مثلاً زمانی که مورخی سخنان حضرت امیرالمومنین (ع) را خطاب به خوارج بیان می‌کند، ملاک او در تصدیق آنها عقل و منطق است. بر اساس عقل، مورخ به سادگی می‌تواند تشخیص دهد آیا این سخنان حکیمانه است؟ رسیدن به این مرحله سخت و دشوار است و سعه صدر می‌خواهد. اما اگر در جایی دیگر سخنی با عقل مطابقت نداشته باشد اما مورخ به دلیل ارزش‌های حاکم بر او این سخن را بپذیرد، گرفتار خود سانسوری می‌شود.

**مشکل دیگری که در تاریخ نگاری دینی وجود دارد، وارد شدن مباحث کلامی در استدلال‌های تاریخی است، به گونه‌ای که گاهی استدلال‌ها در پی توجیه یک پدیده تاریخی اندن کشف مجهولات. آیا اصولاً تاریخ با علم کلام رابطه‌ای دارد؟**

گاهی در پشت یک استدلال تاریخی، استدلال کلامی نهفته است. به همین دلیل همیشه این سوال وجود داشته که آیا متکلم می‌تواند مورخ باشد یا نه؟ علم کلام عقل‌گراست، اما اگر یک استدلال کلامی با عقل مطابقت نداشته باشد، نمی‌توان به هر طریقی از آن دفاع کرد و آن را به کرسی نشاند. این مسأله تنها گریبانگیر تشیع نیست و اهل سنت نیز گرفتار دخالت افکار کلامی در تاریخ نویسی‌اند. در مقاله‌ای که درباره حضرت فاطمه (س) نوشته‌ام، به تأثیر استدلال‌های کلامی در قضاوت مورخان اهل سنت اشاره کرده‌ام. مثلاً استدلال‌هایی که مورخان چون ابی‌الکثیر درباره مناظره حضرت فاطمه (س) و ابوبکر می‌آورند، نشان دهنده این تأثیر است و فردی مثل «ابن کثیر» نتوانسته اعتقاد خود را در قضاوت کنار بگذارد. اما در تاریخ نگاری اسلامی یک اصل اساسی مورخ را از افتادن در دام کلام مصون می‌دارد و آن مطابقت دین با عقل و فطرت بشری است. هر مطلب تاریخی دینی که بر خلاف عقل و فطرت باشد،

## حافظ نخستین مسافر ادبیات ایران به بوسنی

ادامه از صفحه ۱۱

از چه زمانی کار در ایران را آغاز کردید؟

از همان ابتدا دفتر تهران به عنوان دفتر مرکزی، مسوول پیگیری کارهای موسسه در سارایوو شد. تهیه طرح‌ها و برنامه‌های علمی و فرهنگی، پشتیبانی و ارائه خدمات علمی فرهنگی و ارزیابی، نظارت و کنترل برنامه و بودجه سالانه و از همه مهم تر شناسایی و تعامل با موسسات، مراکز و نهادهای علمی، فرهنگی و پژوهشی و اندیشمندان ایرانی برای انجام پروژه‌های مشترک و جذب مشارکت‌های لازم برای فعالیت‌های موسسه، از وظایف دفتر مرکزی در تهران است.

**کارهای موسسه به ویژه در عرصه کتاب چگونه بوده است؟**

از همان ابتدای شکل‌گیری موسسه، چاپ و انتشار حداقل چهار عنوان کتاب در سال در فهرست برنامه‌ها قرار گرفت. البته فصلنامه‌ای نیز توسط موسسه منتشر می‌شود با عنوان «نشانه‌های زمان». این فصلنامه تخصصی در زمینه فلسفه و عرفان منتشر می‌شود که اکنون پس از ۱۲ سال انتشار مداوم، چهل و پنجمین شماره آن به تازگی عرضه شده است. این فصلنامه به عنوان یک مرجع در آنجا مورد توجه قرار گرفته است، تا جایی که حتی دانشجویان بوسنیایی دیگر کشورها نیز با ما تماس می‌گیرند و خواستار این فصلنامه هستند.

**نسخه اینترنتی این فصلنامه نیز موجود است؟**

بله، البته مانند بسیاری دیگر از نشریات که نسخه اینترنتی خود را منتشر می‌کنند، نسخه ماقبل آخر روی سایت قرار می‌گیرد.

**استقبال از موسسه این‌سینا چگونه بود و آیا مطالب نشریه توسط ایرانی‌ها یا اساتید بوسنیایی نوشته می‌شود؟**

استقبال خوبی از موسسه ابن‌سینا در بوسنی، به ویژه توسط اساتید دانشگاه و نخبگان انجام شده است. نشریه «نشانه‌های زمان» نیز با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو بوده است. ما در هر شماره مقالاتی از اساتید معروف و نامدار بوسنیایی را به چاپ می‌رسانیم که برای مخاطبان بسیار حائز اهمیت است. یکی از آنها دکتر رشید حافظوویچ است که اتفاقاً ایشان رئیس مرکز فلسفه موسسه ابن‌سینا در سارایوو هم هستند.

وی تاکنون بیش از ۵۰ کتاب را تالیف و ترجمه کرده است. دکتر رشید همان کسی است که وقتی آقای دکتر اعوانی، رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران به بوسنی رفت، چنان شیفته‌اش شد که کتاب‌هایش را به ایران آورد و در دانشگاه تهران مطرح کرد و به واسطه تلاش ایشان، دکتر حافظوویچ بعنوان دومین عضو افتخاری (خارجی) موسسه حکمت و فلسفه شناخته شد. او کتاب‌های بسیار خوب و جامعی مثل ترجمه «شرح فصوص الحکم» دارد که توسط موسسه ابن‌سینا چاپ شده است. موسسه این افتخار را داشته که تعداد زیادی

از کتاب‌های این استاد فلسفه را منتشر کرده است. با ذکر این مقدمه باید عرض کنم که ۷۰ درصد مطالب نشریه بومی و بقیه آن به مقالات ایرانی اختصاص دارد.

**موسسه چند کتاب منتشر کرده است؟**

حدود ۴۰ عنوان کتاب به زبان بوسنیایی منتشر شده است. بخشی از این آثار تالیف و بخش دیگری ترجمه هستند. برخی از کتاب‌ها که از زبان فارسی به بوسنیایی ترجمه شده‌اند عبارتند از: آداب نماز و جهاد اکبر امام (ره)، جاذبه و دافعه امام علی (ع)، وحی و نبوت، جهان بینی توحیدی،

تکامل اجتماعی انسان و معاد از آثار استاد شهید مطهری، کارنامه اسلام اثر عبدالحسین زرین کوب و منتخب دفتر اول معرفت نفس، اثر آیت‌الله استاد حسن زاده آملی.

از آثاری هم که از زبانهای دیگر مثل انگلیسی و فرانسه به بوسنیایی ترجمه شده‌اند نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: فلسفه اسلامی در ایران قرن هفدهم و هجدهم میلادی، انسان نورانی در عرفان ایرانی از آثار هانری کربن و راه صوفی به عشق اثر ویلیام چیتیک.

برخی از آثار نیز توسط خود مولفان بوسنیایی تالیف شده است. علاوه بر این ما برنامه‌های متعددی همچون برگزاری همایش، میزگرد و کنفرانس‌های علمی و تخصصی در بوسنی داشته‌ایم که اساتید بزرگ ایران و بوسنیایی در آن حضور داشته‌اند.

# آیین‌های پنج‌قاره در یک کتاب

باقر طالبی، احمد قلی زاده، حمید رضا فرزین، فریبرز مجیدی، محمد حسین محمدی، رویا منجم و محسن موسوی مترجمان این کتاب بوده‌اند. خوشنویسی‌های کتاب را هم عین الدوله صادق زاده انجام داده است.

سرور استار این کتاب را ع. پاشایی - که خود به گواهی آثارش در زمینه شناخت آیین‌ها و فرهنگ‌ها تحقیقات داشته - برعهده گرفته است و گروهی مشتمل بر حسین توفیقی، قاسم صفری، مهدی فرمانیان و فریبرز مجیدی وی را در این کار یاری داده‌اند. پاشایی در مقدمه ویراستاران کتاب می‌نویسد: «مدخل‌ها کمابیش ترجمه شده‌اند هر چند سهو چاپی و ارجاعی متن انگلیسی را برطرف کرده‌ایم اما بی‌گمان لغزش‌هایی نیز در کتاب وجود دارد. اصطلاحاتی که برای اولین بار به فارسی ترجمه می‌شد و طبعاً برابر نهادی هم برای آنها نمی‌شناختیم و نیز کمتر حوزه‌ای بود که اصطلاحات آن برابر نهادهای جاافتاده و همه‌پذیر فارسی داشته باشد همه ما را در شک باقی می‌گذاشت و تصمیم‌گیری برای انتخاب آن بسیار دشوار بود.»

انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب همراه این کتاب لوح فشرده‌ای را ارائه کرده است که پس از نصب شدن روی رایانه کتاب، فرهنگنامه را به شکل الکترونیکی در اختیار کاربر قرار خواهد داد. این لوح فشرده امکان جست‌وجو و استفاده سریع را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و می‌توان به شکل موضوعی نیز از آن استفاده کرد. بر این اساس دانشنامه «فرهنگ ادیان جهان» نه یک کتاب به سبک فرهنگنامه‌های پیشین، که یک دانشنامه نوین و چند رسانه‌ای است.

محقق معاصر شاید در بسیاری از موارد ترجیح می‌دهد کیفیت را فدای سرعت کند و به جای مراجعه به کتابخانه‌ها و ورق زدن فرهنگنامه‌های قطور و چندجلدی، با جست‌وجو در اینترنت، به موضوعات مورد تحقیق خود دست یابد اما لوح فشرده‌ای که به این کتاب افزوده شده، کار را برای محققان امروزی ساده می‌کند.

«فرهنگ ادیان جهان» در ۹۷۴ صفحه و شمارگان پنج هزار جلد در قطع وزیری و به قیمت ۱۴ هزار تومان توسط انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان قم، منتشر شده است.



در جهان درباره ادیان و آیین‌ها منتشر شده است. این فرهنگنامه براساس تحقیق در بیش از ۲۱۰۰ کتاب و مقاله تالیف شده که نام همه این مقالات و کتاب‌ها در بخش کتاب‌شناسی آن آمده است.

گروه ۶۵ نفری دانشمندان به سرپرستی جان راسل هینلز که مقالات این کتاب را نگاشته‌اند، نه فقط از قاره‌های مختلف آمریکای لاتین گرفته تا ژاپن، اروپا، ایالات متحده آمریکا و استرالیا هستند بلکه از رشته‌های گوناگون دانشگاهی گرد هم آمده‌اند. تاریخ‌نگار، خاورشناس، متخصص آثار کهن، باستان‌شناس، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، زبان‌شناس، تاریخ‌نگار هنر و فیلسوف.

هینلز در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «دقت شده است که در انتخاب این افراد، هم از علایق تخصصی این دانشمندان استفاده شود و هم، رویکرد همساز و معقولی به دین‌های افراد فراهم آید.»

ترجمه این دانشنامه نیز برعهده گروهی متخصص در حوزه دین و اسطوره‌شناسی و جامعه‌شناسی بوده است. عسگری پاشایی، محمد حسین باجلان فرخی، نسترن پاشایی، خلیل قنبری، رضا رضایی، مزدا موحد، حمید بخشنده، جواد زاهدی، حسین سلیمانی، علیرضا شجایی، علی شهبازی،

نزدیک باستان، دین‌های رمی، دین‌های ژاپنی، دین‌های سرخپوستان آمریکا، دین‌های مصر باستان، گنوستیک‌ها، مسیحیت - که خود به چهار بخش کتاب مقدس و کلیسای آغازین، تاریخ و آموزه، فلسفه و الهیات و مسیحیت شرقی تقسیم می‌شود -، مطالعات چند فرهنگی، مطالعه دین، هندویسم و یهودیت از دیگر موضوعات مورد بررسی در این فرهنگنامه‌اند.

در این فرهنگنامه توضیحات زیر یک مقاله چترواره (umbrella article) (جامع) گردآوری شده است و گاهی نیز کارترین مقالات، مدخل‌های جغرافیایی دارند - مانند اسلام در آمریکا و مسیحیت در کره - این امر از جمله در مورد سنت‌های بومی آمریکای لاتین بسیار بجاست. موثرترین راه بررسی چنین حجم وسیعی از مواد، از چنین قاره پهناوری، بررسی آنها در مناطق فردی و محل‌های آنهاست. بیشتر اوقات تعریف مرزهای دقیق و تعیین سامان موضوعات در هر فرهنگنامه کار بسیار مشکلی است و در مورد فرهنگنامه ادیان مشکل‌تر. بنابراین در بیشتر مقالات این دانشنامه، ارجاعاتی به مدخل‌های دیگر نیز داده شده است که به مخاطب کمک می‌کند تا به راحتی موضوعات دیگری را نیز مطالعه کند.

فصل‌نامه‌های این فرهنگنامه از چهار بخش تشکیل شده است: نمایه انگلیسی-فارسی سرواژه‌ها، واژه‌نامه‌ها، انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، کتابنامه، نمایه نام‌ها و مفهوم‌ها. در نظر اول شاید نمایه در یک فرهنگنامه زائد باشد اما وجود آن در فرهنگنامه ادیان بسیار ضروری است و این کار سبب شده که دسترسی به هزاران اصطلاح ذکر شده در ۱۴۰۰ مدخل آسان باشد.

بخش کتابنامه و نمایه نام‌ها و مفهوم‌ها دو بخش مهم این کتابند که به محقق امکان می‌دهند که از چهارچوب رشته خاص خود بیرون بروند و به خواننده علاقه‌مند هم فرصت می‌دهد که موضوع خاصی را با عمق یا گستردگی بیشتری از آنچه در این یا آن مدخل آمده، دنبال کند.

بخش کتاب‌شناسی این فرهنگ که چیزی حدود ۱۲۰ صفحه از این کتاب را به خود اختصاص داده، به ۳۶ بخش مجزا تقسیم شده است. این بخش خود دایرةالمعارفی است درباره کتاب‌های معتبری که

لزوم شناخت ادیان، دیدگاه‌های موجود در هر نگرش دینی و آیین‌ها و اسطوره‌های آنها برای متخصصان این حوزه اهمیت زیادی دارد. همچنین منابع مکتوب در مورد ادیان از جمله دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها برای محققان، جزو یکی از پایه‌ای‌ترین منابع تحقیقی است. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم، به تازگی کتابی را با نام «فرهنگ ادیان جهان» به بازار کتاب عرضه کرده است. این کتاب بیشتر اصطلاحات مربوط به ادیان و آیین‌هایی را که در کل جهان وجود دارد، به صورت دایرةالمعارفی الفبایی گردآوری کرده است. متن انگلیسی این فرهنگ با توجه به کتاب‌های مشابه در زبان انگلیسی و برای پاسخگویی به نیاز انگلیسی‌زبانان به نام «The Penguin Dictionary of Religions» نامگذاری شده است و ترجمه فارسی آن به عنوان نخستین ترجمه یک فرهنگ عمومی دین، می‌تواند برای فارسی‌زبانان سودمند باشد. تاکنون فرهنگنامه‌هایی در زمینه اسطوره‌شناسی در ایران منتشر شده است اما به جرأت می‌توان گفت که این کتاب نخستین و بزرگ‌ترین فرهنگنامه جامع دین است که در ایران منتشر شده است.

رویکرد این فرهنگنامه به ادیان بسیار گسترده است چرا که در آن نه تنها دین‌های ابراهیمی و توحیدی در جهان به شکل گسترده و با توجه به آیین‌های آنها در جوامع مختلف بررسی شده‌اند، بلکه دین‌های غیر ابراهیمی و حتی نحله‌های فکری بشر نیز مدنظر قرار گرفته و اصطلاحات آنها در مقالات متعدد در روشنی توضیح داده شده است.

در کنار دین مبین اسلام و ادیان توحیدی دیگر چون دین زرتشتی، آیین‌های بودا، جی، تنجیم، جادو و رازورزی، جانشینان دنیاورز دین، جنبش‌های دینی نو در جوامع غربی، جنبش‌های دینی نو در جوامع نخستین، جنبش‌های دینی نو در ژاپن، دین آمریکای لاتین، دین‌های ایرانی، دین پیشاتاریخی، دین تبتی، دین یونانی، دین‌های اروپای باستان، دین‌های آفریقایی، دین‌های کارائیبی، دین اقوام شمالگان و دین‌های اقیانوس آرام، برخی از موضوعاتی‌اند که این فرهنگ‌نامه اصطلاحات، اسطوره‌ها و مراسم آنها را توضیح می‌دهد.

همچنین دین‌های آمریکای شمالی، دین‌های آمریکای میانه، دین‌های چینی، دین‌های خاور

## «کتاب مرجع» چگونه باید باشد

## چیست آن فخرالکتاب کتاب مرجع

شیرازه اسکندری

امضا شده یا امضا نشده که به شکل الفبایی زیر سرواژه‌ها یا سرعنوان‌ها، یا با ترتیب دیگری (رده‌ای، عددی، ...) فهرست شده‌اند. آثار مرجع بلند ممکن است در مجموعه‌های چندجلدی منتشر شوند که همه نمایه‌ها در جلد آخر می‌آیند. آثار مرجعی که به روزآمدی مستمر نیاز دارند، ممکن است به صورت پیاپی (و گاهی در قالب خدمات آزادبرگه‌ای) منتشر شوند. این گروه از منابع، سال‌نامه‌ها، اطلس‌ها، کتاب‌نگاشت‌ها، منابع زندگی‌نگاشتی، فهرست‌ها، کشف اللغات، لغتنامه‌ها، فهرست‌های راهنما، صفحه‌نگاشت‌ها، فیلم‌نگاشت‌ها، دایرةالمعارف‌ها، واژه‌نامه‌ها، دست‌نامه‌ها، نمایه‌ها، دستورنامه‌ها، راهنمای

مرجع دگرگونه است. کتاب مرجع دربردارنده چکیده‌ای از اطلاعات است که برای دسترسی به آن گردآوری می‌شود و شکل طبقه‌بندی اطلاعات در آن به گونه‌ای است که به سرعت می‌توان به اطلاعات درخواستی دسترسی پیدا کرد. همچنین شیوه نوشتاری‌ای که در این گونه کتاب‌ها به کار می‌رود بیشتر جنبه آموزشی و آگاهی‌دهنده دارد و نویسندگان از نام بردن اشخاص خاص و ذکر بدیهیات پرهیز می‌کنند.

کتاب مرجع برای رجوع به اطلاعات درست هنگام نیاز طراحی شده و مانند کتاب‌های دیگر برای خواندن از ابتدا تا انتها نوشته نشده است. بیشتر کتاب‌های مرجع مجموعه‌ای‌اند از مدخل‌های

کتاب‌های مرجع بنیان مهمی بر تولید و انتقال دانش‌اند. امروزه نوشتن کتاب‌های مرجع یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین اصول مهندسی علمی هر کشور است و حتی می‌توان تولید کتاب‌های مرجع را شیوه‌ای برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی یک کشور دانست. «فرهنگ ادیان جهان» کتابی مرجع در حوزه دین است که بیشتر شاخصه‌های کتاب مرجع را چه از لحاظ شیوه نوشتاری و چه از لحاظ تدوین و شکل کتاب‌سازی دربرمی‌گیرد.

کتاب مرجع، کتاب یا نوشته‌ای است که در آن، آگاهی‌های گوناگون گردآوری شده و می‌توان برای به دست آوردن آگاهی ویژه‌ای به آن مراجعه کرد. دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی در کتاب «راهنمای آماده‌سازی کتاب» در تعریف کتاب مرجع می‌گوید: «کتاب‌هایی را که معمولاً به منظور راهنمایی و حل مشکلات و برنوشت «امور واقع» یا «بوده‌ها» یا «حقیقت» (fact) «دوین می‌شوند، کتاب مرجع می‌نامند.»

نوع اطلاعات و طبقه‌بندی آن در کتاب‌های

پژوهش، فهرستگان‌های کتاب و نشریات و کتاب‌سال‌ها را که یا به شکل انتفاعی یا به شکل اسناد دولتی منتشر می‌شوند شامل می‌شود.

در کتابخانه‌ها، کتاب‌های مرجع در بخش جداگانه‌ای به نام قفسه‌های مرجع چیده می‌شوند و امانت دادن آنها مجاز نیست چرا که برای پاسخ دادن به پرسش‌ها، وجود آنها در کنار میز امانت ضروری است. همچنین منابعی که لازم نیست آنها را از ابتدا تا انتها بخوانند مثل لغتنامه‌ها، دستنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها، براساس شماره راهنما در بخش ویژه‌ای از کتابخانه به نام «قفسه‌های مرجع» چیده می‌شوند.

این گونه کتاب‌های مرجع را نیز نمی‌توان از کتابخانه خارج کرد، چرا که کتابداران میز مرجع برای پاسخگویی به پرسش‌ها، به آنها نیاز دارند. مکان و وضعیت گردش کتاب‌های مرجع را با نماد (R) یا (Ref) - که در رکورد فهرست و روی برچسب عطف کتاب، قبل از شماره راهنما درج می‌گردد - نشان داده می‌شود.



# ادبیات گنوسی و رمانی از قلب اسپانیا

صحبت کردن و نوشتن به این زبان ممنوع شد به همین دلیل کتاب هایی که به این زبان بودند را سوزاندند و روزنامه ها را توقیف کردند و پس از آن، دردا مانند بسیاری از نویسندگان و هنرمندان، زندگی در تبعید را آغاز کرد. او ابتدا به پاریس گریخت سپس با نزدیک شدن ارتش نازی ها به پاریس، به ژنو رفت و نزدیک به ۲۰ سال دست به قلم نبرد اما از سال ۱۹۵۷ میلادی سکوت را شکست. وی ابتدا کتاب «بیست و دو داستان کوتاه» را چاپ و پنج سال بعد رمان «پرواز کن کبوترم» را منتشر کرد که بیش از بیست بار تجدید چاپ و به زبان های مختلفی ترجمه شده است. نویسنده در این رمان زندگی زنی از توده های مردم را روایت می کند. او در به تصویر کشیدن عواطف انسانی و احساسات این زن از قشر پایین جامعه چنان مهارت نشان می دهد که خواننده خود را تقریباً مانند او در برابر رویدادها در مانده و ناتوان احساس می کند. زبان، تصاویر، افکار و روابط شخصیت های داستان در برابر حوادث جنگ چنان واقعی و زنده بیان شده اند که خواننده را مبهوت می کند. «چگونه هایدگر بخوانیم؟» عنوان کتابی از مارک راتال با ترجمه مهدی نصر است که نشر رخ داد نو منتشر کرده است. هایدگر با آن که فلسفه اش بسیار سخت یاب است و شاید تاثیر گذارترین فیلسوف قرن اخیر باشد، اما مارک راتال خواننده را از میان دغدغه اولیه هایدگر در باره سرشت وجود انسانی به اشتغال خاطر متاخر و تهدیدی که تکنولوژی نسبت به توانایی ما برای داشتن زندگی ای ارزنده برمی انگیزد، راهنمایی می کند.

ابتدا ترجمه سپس هر یک از آنها به صورت مستقل از منظر ساختار گرایانه بررسی و تحلیل می شوند. به دلیل اهمیت واژگان و ترکیب واژگانی در نقد ساختارگرا، نویسنده ضمن ارائه ترجمه ای امین و دقیق به ویژگی های ساختاری متن اصلی و ترجمه های آن توجهی ویژه داشته است.

بهر روز حاجی محمدی، نویسنده این کتاب، چندی پیش کتاب «انسان در شعر رابرت فراست» را توسط انتشارات ققنوس منتشر کرده بود.

«رومی پراشوب» عنوان کتابی به قلم مارسل بریون نویسنده فرانسوی است که به زندگی و آثار میکل آنژ می پردازد. ناشر این کتاب که این هفته در ایران منتشر شد، انتشارات شباهنگ است. حجم آثاری که میکل آنژ در طول عمر خود در زمینه طراحی، پیکر تراشی، نقاشی و معماری به وجود آورده، هنوز هم جهان را دچار حیرت و شگفتی می کند. مارسل بریون در این کتاب به آثار میکل آنژ نگاه ویژه ای دارد. از این نویسنده، پیش تر کتاب «منم تیمور جهانگشا» با ترجمه ذبیح الله منصوری در ایران منتشر شده بود.

«پرواز کن کبوترم» رمانی به قلم مرچه دردانویسنده اسپانیایی با ترجمه مینا سرابی است که از سوی نشر دنیای نو منتشر شده است.

مرچه دردا (Rodoreda) این کتاب را به زبان کاتالان نوشته است. این زبان یکی از چهار زبان رایج در اسپانیا است اما با پایان جنگ داخلی در سال ۱۹۳۹ و پیروزی فاشیست ها و روی کار آمدن فرانکو در اسپانیا،

برای دانشجویان و خوانندگان حرفه ای یا نیمه حرفه ای به صورتی مدون فراهم آورد و تا حد مقدور پاسخگویی پرسش هایی باشد که برای مخاطب مطرح می شوند. این کتاب راه را برای ادامه مطالعات بیشتر و کامل تر هموار می سازد. این فرهنگ مباحث زیر را در بر می گیرد؛ نویسندگان و شاعران و ادیبان، خلاصه داستان ها و منظومه های قدیم، معرفی آثار ادبی، خلاصه رمان ها و نمایشنامه ها و داستان های کوتاه مشهور، تلمیحات و اشارات ادبی، اصطلاحات و صناعات ادبی، اساطیر ایران و قصص اسلامی، شخصیت ها و داستان های شاهنامه، خلاصه داستان ها و نمایش های عامیانه، عرفا و بزرگان صوفیه، مفاهیم ادبی و عرفانی و اصطلاحات تصوف، شخصیت های داستانی و افسانه ای.

ویراستار «فرهنگ ادبیات فارسی» که بیش از هزار و هفتصد صفحه دارد و در قطع وزیری با جلد زرکوب منتشر شده، محمدرضا جعفری است.

موسسه انتشارات آگاه «زندگینامه سیاسی، نوشته ها و سخنرانی های سید علی شایگان» را که در دو جلد در زمستان سال ۸۵ منتشر کرده بود، در هفته گذشته تجدید چاپ کرد. مطالب این مجموعه دو جلدی را احمد شایگان گردآوری کرده است.

«تی.اس. الیوت: نقد ساختاری منظومه ها» کتابی نوشته بهروز حاجی محمدی است که این هفته توسط انتشارات ققنوس چاپ و منتشر شد. نویسنده در این کتاب شاخص ترین منظومه های الیوت؛ شاعر دینی انگلیسی را نقد ساختاری می کند. منظومه های الیوت

«ادبیات گنوسی» عنوان کتابی پژوهشی است که دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور از منابع مختلف فراهم کرده و به فارسی برگردانده است. ناشر این کتاب نشر اسطوره است. مترجم در مقدمه کتاب می نویسد: «پژوهش های جدید و روزافزون غربیان پیرامون آثار و نوشته های گنوسی به قدری فراگیر و جذاب است که نگارنده در گزینش آنها دچار تردید می شود اما از میان انبوه کتاب ها و جستارهای مهم متخصصان غیر از گفتارهای نخست آیین گنوسی و مانوی که در اینجا از نو، تصحیح و ویراسته شد، کتابی کوچک اما جامع از استوارت هالروید به نام گویش گنوسی را مناسب دیدم که بخش های مهم آن را به عنوان درآمدی بر کتاب حاضر، انتخاب و ترجمه کنم». مجموع جستارهای برگزیده در دو بخش آمده است. بخش نخست شامل بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون کیش گنوسی، تاریخچه آن از آغاز تا امروز، کیش گنوسی؛ بدعتی نو، کیش مندایی، مانوی و کیش مانوی، بررسی تطبیقی کیش مانوی و مسیحی و تاثیر پذیری آن، تاریخچه پژوهش های مانوی و بررسی متون مانوی است. بخش دوم شامل متون اصیل گنوسی است.

«فرهنگ ادبیات فارسی» به قلم محمد شریفی توسط فرهنگ نشر نو و انتشارات معین که نخستین بار آبان سال گذشته منتشر شده بود، در این هفته به چاپ سوم رسید. «فرهنگ ادبیات فارسی» راهنمای ساده ای است برای رفع نیازهای آنی علاقه مندان ادبیات فارسی. نویسنده سعی کرده مجموعه ای از اطلاعات لازم را

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات سوره مهر با سی و یک عنوان کتاب پرکارترین ناشر ابوالفضل هادی منش با نه عنوان پرکارترین مولف و محمد آبتی فیروزآبادی با پنج عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

## گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی» هفته کتابه» بر اساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸/۶/۱۷ تا چهارشنبه ۸۸/۶/۲۱، ۹۰۱ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات، آموزش و کمک درسی، علوم اجتماعی، علوم عملی و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایید*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	نهران	شهرستان	شمارگان متوسط	موضوع متوسط
۱	کلیات	۱۹	۱۵	۴	۵	۱۴	۱۴	۵	۲۳۸	۲۶۷
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۰	۲۲	۱۸	۲۰	۲۰	۲۴	۹	۲۱۲۲	۲۵۰
۳	دین	۱۵۹	۱۲۲	۲۷	۷۲	۸۶	۹۲	۶۷	۴۱۲۱	۴۱۰
۴	علوم اجتماعی	۱۰۲	۸۲	۲۰	۵۶	۴۷	۹۷	۶	۲۴۷۰	۱۲۸
۵	زبان	۱۵	۱۴	۱	۹	۶	۱۲	۳	۲۹۸۰	۳۲۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۷	۱۲	۵	۱۰	۷	۱۷	-	۲۱۸۸	۴۹۰
۷	علوم عملی	۱۰۰	۶۲	۳۷	۶۲	۳۸	۹۱	۹	۲۲۴۷	۲۷۰
۸	هنر	۵۰	۲۹	۲۱	۲۴	۲۶	۴۸	۲	۲۰۹۶	۲۰۸
۹	ادبیات	۱۲۷	۱۱۱	۱۶	۷۴	۱۲	۱۲۲	۱۴	۲۱۶۵	۲۶۶
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۶	۵۸	۸	۲۴	۲۲	۵۶	۱۰	۲۹۴۱	۲۴۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۱۰۴	۱۰۴	۰	۲۲	۸۱	۱۰۲	۱	۴۵۷۱	۲۰۱
۱۲	کودک و نوجوان	۹۱	۶۵	۲۶	۶۰	۳۱	۷۶	۱۵	۴۴۵۷	۶۷
	جمع بندی	۹۰۱	۷۰۸	۱۹۳	۴۵۰	۴۵۱	۷۱۲	۱۲۸	۲۱۸۰	۲۶۱

\* تایید به معنی آثاری است که ترجمه نشده اند. گزینش بر مبنای عنوان، نویسنده، ناشر، موضوع، تاریخ و...  
 \*\* منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب های است که به نحوی با مواد درس و برنامه های آموزشی نام مطابقت نداشته باشد.  
 رمانهای و غیر رمان مربوط هستند و مطابقت آنها با عنوان از پیش استثنای آن است.

### شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۱۲۵۰۰۰ ریال	پورا و چگونه (جلدهای ۱۵ تا ۲۰). جمعی از نویسندگان، بهروز بیضایی، محمدآبادی، ناشر؛ لفظی، کتابهای بنفشه، چاپ ۵۴، ۶ صفحه، ۱۱۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۸ مرتبه	کتاب معاشرت برای دختران و پسران جوان، ژان لوئی فورته، شهبان دخت بهمنی، ناشر؛ هرمت، ۱۹۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	پروانه های نازی از صبح تا شب به بازی، ناشر؛ پروانه، چاپ ۱۲، ۱ صفحه، ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	پرستوی مهاجر، ازده غلامعلی، ناشر؛ دلیلی نانی، چاپ ۱۲، ۱ صفحه، ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۹۸ صفحه	حسی به مکتب نرس رفت و ۱۹ مثل و مثل دیگر، محمدرضا یوسفی، ناشر؛ آدیبا، کتابهای بنفشه، چاپ ۱۲، ۸۸۰۰۰ نسخه، ۵۵۰۰۰ ریال

### شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۲۹۵۰۰۰ ریال	مدرسه و کودکان سرخانی، الهام مقدم، ناشر؛ لوپن، چاپ ۱، ۲۴ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۹ مرتبه	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۴۱ تا ۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۱۱، قانون تجارت الکترونیک، این نامه اصلاحی ثبت تفکیکات، ناشر؛ بهمن، ۳۱۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۴۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	القران الکریم، ناصر مکارم شیرازی، ناشر؛ ثلاث، چاپ ۳، ۹۱۴ صفحه
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	مبانی سازمان و مدیریت، ناشر؛ دانشگاه علوم تربیتی اسلام خمینی (ره)، چاپ ۱، ۱۹۴ صفحه، ۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۴۷۴ صفحه	کلیات ملاحظاتی، عباس قس، مهدی الهی قمشه ای، ناشر؛ بهرام المطوب، چاپ ۸، ۵۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۸ صفحه	دعای معراج در ثبت خط با علامت وقف و ترجمه فارسی، ناشر؛ فریسی، چاپ ۲، ۱۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰ ریال

### شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۷۵۰۰ ریال	کتاب مجموعه نکات فیزیک، «پارلمان آیدگان، ناشر؛ موسسه فرهنگی آیدگان، چاپ ۱، ۴۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۱۵۰۰۰ ریال	ریاضیات تجربی جامع کنکور، مسعود سونینی، ناشر؛ کتاب علمی سپهر، چاپ ۱، ۲۴۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۱۲ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش فلویجی، کافیه قلمچی، ناشر؛ کتابون فرهنگی اسپوز، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۳۰۰۰۰ نسخه	دیکته ای شب اول دبستان، بر اساس کتابهای بخوابیم و بنویسیم، اشرف کریمی، ناشر؛ لفظی، چاپ ۱۲، ۹۰ صفحه، ۱۲۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	کتاب مجموعه نکات فیزیک، «پارلمان آیدگان، ناشر؛ موسسه فرهنگی آیدگان، چاپ ۱، ۴۸ صفحه، ۷۵۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های این هفته	تعداد پدید آورندگان			
		مؤلف*	مترجم	زن	مرد
۳۴۶	۷۷	۷۸	۵۶۶	۴۱	۱۴۸

\* مؤلف: یعنی پدید آورندگان باشد نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و... به جز مترجم.

# سایه مرگ و پیر مرد نویسنده



مردی که یک ریه اش را خارج کرده و از جوانی، پزشکان در گوشش زمزمه مرگ می خوانند، ۷۶ سال عمر کرد. هیوبرت سلبی که تقریباً تمام عمرش را با بیماری دست و پنجه نرم می کرد، شش رمان و یک مجموعه داستان هم نوشت. پیر مرد هنگامی که تعداد نوه هایش به ۱۱ نفر رسیده بود، در سال ۲۰۰۴ به حرف پزشکانی که از جوانی، مرگ سریع او را پیش بینی می کردند، گوش داد و مرد!

حالا برای نخستین بار یک اثر از این نویسنده آمریکایی به فارسی ترجمه شده است. «ترانه برف خاموش» نخستین و تنها مجموعه داستانی را که سلبی نوشته است، پیمان خاکسار به فارسی ترجمه کرده و نشر چشمه آن را روانه کتابفروشی های ایران خواهد کرد.

در دنیای هیوبرت سلبی، هیچ چیز ساده نیست، این را بعد از خواندن آثارش می شود به سهولت درک کرد. او به دنیای ماوراء الطبیعه علاقه داشت. به فرشته ها، ابلیس و به شیطان درون هر فرد، موسیقی زندگی را «عشق» می دانست و معتقد بود که انسان ها فقط می توانند عشق و ترس را تجربه کنند. وقتی عاشق می شوند به هیچ چیز نمی توانند فکر کنند. هنگامی که از عشق دورند، فقط و فقط ترس در آنها وجود دارد.

او ملوان و تاجر جری ساده بوده که هیچ چیز از نویسندگی نمی دانست. در یکی از سفرهای دریایی خود، هنگام نوجوانی اش، به بیماری روی دچار شد. پزشکان تخمین زدند که او بیشتر از یک سال زنده نمی ماند. سلبی بعد از آن زمان، سه سال نیم در بیمارستان های نیویورک، تحت مراقبت های پزشکی بود و در آخر، یکی از ریه هایش از کار افتاد. اما با برداشتن نیمی دیگر از ریه باقیمانده تا ۷۶ سالگی زندگی کرد.

خانه نشین شدن این نویسنده و تکرار آزار دهنده حرف پزشکان مبنی بر این که زیاد عمر نخواهد کرد، او را به نوشتن کشاند. هیوبرت جونیور سلبی نویسنده شد.

خودش درباره نویسنده شدنش می گوید: «همین طور که در خانه نشسته بودم و فکر می کردم، متوجه شدم در زندگی تجربه هایی دارم که شاید دیگران از آن بی بهره اند. روزی می رسد که می میرم، ولی تا آن روز مسلماً زنده خواهم بود! اگر باز زندگی ام کاری نکنم، لابد افسوس خواهم خورد و با خود می گویم که اگر به عقب برگردم کاری می کنم. دقیقاً همین فکرها من را به نویسندگی کشاند. به هر حال الفبا را بلد.»

سلبی راست گفته است. او فقط الفبا را بلد بود و از هر آموزش رسمی، بی بهره. هیوبرت سلبی در سال ۱۹۲۸ در بروکلین زاده شد. وقتی که نویسنده شد با زبانی ساده و به باور برخی «خام» از چیزهای پیچیده ای نوشت. از دنیای وحشی و قوانین ناعادلانه جهان. او فقط آن چیزی را می نوشت که می دید، می شنید یا احساس می کرد. به دستور زبان بی توجه بود و در واقع چیزی از آن نمی دانست. اما به آهنگ سخن اعتقاد و علاقه داشت. در آثارش با جسارت قوانین نوشتاری را زیر پا گذاشته و خلاف سنت و عرف نوشته است. می توان درک کرد که او برای نویسنده شدن سختی فراوانی تحمل کرده است. با پیکر بیمار و ذهنی که هرگز آموزش ندیده است. خودش می گوید: «شش سال در مقابل ماشین تحریر نشستم تا فهمیدم چگونه بنویسم. زندگی برای من همیشه بسیار دشوار و سخت بوده؛ اما اجازه نمی دهم

دشواری زندگی، اعتقادات و اهدافم را از من بگیرد.» «ترانه برف خاموش» کتابی که حالا به فارسی هم ترجمه شده تا نخستین اثر این نویسنده باشد که رخت واژگان فارسی می پوشد. در سال ۱۹۶۸ چاپ شد اما داستان های این کتاب، تاریخی ندارد. در واقع تمام داستان های کوتاهی اند که سلبی نوشته است و هیچ جا ذکر نکرده که تاریخ نگارش هر یک چیست، اما مشخص است که ابتدا نام این کتاب را «صدا» گذاشت ولی بعد نامش را به «ترانه برف خاموش» تغییر داد.

داستان «کت» در این مجموعه، یکی از جالب ترین داستان های سلبی است. گویا ذات خود نویسنده را در قالب کلمات ریخته باشند. او در این داستان با گشاده دستی، کلمه ها را می چیند. وی با این کلمه ها چهره و زندگی مردی بی خانمان را تصویر می کند که رابطه اش با «کت» همان چیزی که مردان می پوشند، بدون آن که توجه ویژه ای به آن داشته باشند، به رابطه ای پیچیده و پر معنا تبدیل می شود. بسیاری از خوانندگان این داستان تا چند روز تحت تاثیر آن قرار گرفته اند.

سلبی اما در «ترانه برف خاموش» فقط از تیرگی ها نوشته است. او معجون از داستان های تلخ و شیرین را کنار هم چیده و چنان چیره دستی کرده است که در پایان اثری از افسردگی در خواننده باقی نماند.

این نویسنده اما به داستان های کوتاهش ختم نمی شود. رمان نویسی حرفه اصلی او است. رمان «آخرین راه خروج به بروکلین» در سال ۱۹۴۶ در آمریکا چاپ شد و هنوز نیز حریصانه خوانده می شود. آلن گینزبرگ، شاعر و منتقد آمریکایی، این رمان را «بمب» خوانده است که در آمریکا منفجر شد. «آخرین راه خروج به بروکلین» را نفس های شاعرانه سلبی خوانده اند. این کتاب جایگاه سلبی را در میان نویسندگان آمریکایی ارتقا داد و نشریه نیویورک تایمز، نام او را در میان برترین های ادبیات آمریکا جای داد. این نشریه حتی سلبی را با داستایفسکی، نویسنده روس، مقایسه کرد و در نقد او نوشت: «قدرت، صمیمیت آمیخته با درد و صداقت در آثار هیوبرت سلبی درنمایه کارش را با داستایفسکی یکی می کند. درک آثار سلبی، درک تشویش های آمریکا است.» نهایت این که «آخرین راه خروج به بروکلین» با کارگردانی یولی ایدل در سال ۱۹۸۹ به فیلمی موفق تبدیل شد تا پای پیر مرد بیمار به سینما هم باز شده باشد.

«اتاق» رمان دیگر سلبی در سال ۱۹۷۱ منتشر شد.

اگر «آخرین راه خروج به بروکلین» بمبی بود در آمریکا، این کتاب انفجاری در اروپا به وجود آورد. این رمان بیش از آن که در کشور زادگاه سلبی مورد توجه قرار گیرد در اروپا طرفدار پیدا کرد و نقدهای مثبت زیادی برایش نوشته شد. این رمان سیاه شاید با روحیه خوانندگان اروپایی که میان دو ابر قدرت زمان، شاهد افول قدرت خود بودند، سازگار تر بود. سلبی خود می گوید: «چنان تلخ نوشتم که خود تا چند سال نتوانستم کتابم را دوباره بخوانم.»

سلبی بخشی از زندگی خود را با اعتیاد دست و پنجه نرم کرد. تجربه هایش از این دوران سیاه، دستمایه رمانی شد با نام «مرثیه ای برای یک رویا» کتابی که در سال ۱۹۷۸ چاپ شد و یکی از موحش ترین آثار ادبی است که درباره اعتیاد به هرویین نوشته شد. او داستان مردی را نقل می کند که ناامید از زندگی و افسرده، تنها راه رهایی خود را در انتحار می بیند. این اثر هم چهار سال قبل از مرگ نویسنده در سال ۲۰۰۰ به یک اثر سینمایی تبدیل شد. این بار سلبی هم نویسنده بود و هم بازیگر! او در این فیلم نقش کوتاهی به عنوان نگهبان زندان بازی کرد.

علاوه بر رمان و داستان، نمایشنامه و تئاتر تلویزیونی هم با قلم سلبی نوشته شد. آثاری چون «یوگن»، «کوه سیاه» و «همیشه سبز» که در زمان خود جایگاه ویژه ای در ادبیات آمریکا یافتند.

سلبی که هرگز تحصیلات چندانی نداشت، در سال های آخر حیاتش به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی رفت تا «نوشتن خلاق» یاد بگیرد. پس از آن دچار افسردگی شدید شد و در ۲۶ آوریل ۲۰۰۴ همان بیماری ریوی که در جوانی او را تا یک قدمی مرگ کشانده بود، در ۷۶ سالگی جاننش را گرفت.

اما او شانس این را داشت که در زمان حیاتش نقد شود. در سال ۱۹۹۸ منتقدی به نام جیمز گیلز، کتابی درباره هیوبرت سلبی نوشت و نامش را گذاشت «آشنایی با هیوبرت سلبی». او تمام آثار وی را با هم مقایسه کرد و پیچیدگی و چالش های فکری سلبی را شناساند. گیلز غنی بودن نوشته های این نویسنده را معلول این می داند که سلبی هر لحظه در انتظار مرگ بود و این پیوند ناگسستنی مرگ و زندگی او را با دنیایی آشنا کرده بود که شاید دیگران با آن غریبه اند. این منتقد در کتابش نوشته های سلبی را آمیخته ای از ناتورالیسم و سوررئالیسم دانست و از مجموعه داستان «ترانه برف خاموش» تمجید بسیار کرد.

شاید بهترین راه برای شناخت سلبی جملات خودش باشد. وقتی می گوید: «هنرمند بودن تنها کافی نیست. منظورم این است که با گذشت زمان، همان گونه که روزها می گذرد، شما به مرگ نزدیک تر می شوید و این هم امر آنچنان مهمی نیست. مرگ و زندگی مثل هم اند و نمی توان آنها را از هم جدا کرد. من چون یکی (زندگی) را تجربه کردم، تجربه دیگری برایم بی معنی و تکراری است. همین قیمت و ارزش ورود به این دنیاست، گاه بسیار مطمئن هستیم که چیزی درون ماست. حس پنهانی و ترسناک که حتی می ترسیم دنبالش بگردیم. چون اگر پیدایش کنیم حتی قدرتش را نداریم که با آن رویه رو شویم. زمانی قدرت آن را پیدا می کنیم که با این ابلیس رویه رو شویم که بتوانیم با فرشته مقابلش هم دیدار کنیم.» از دیگر آثار او می توان به «ابلیس» (۱۹۷۶)، «درخت بید» (۱۹۹۸) و «دوران انتظار» (۲۰۰۲) اشاره کرد؛ کتاب هایی که شاید انتشار ترجمه فارسی «ترانه برف خاموش» آغازی باشد برای انتشارشان در ایران.



## دلهره آمریکایی و آثار سلبی

منتقد نیویورک تایمز نوشته است: «جایگاه سلبی در صف رمان نویسان تراز اول آمریکایی است. برای این که آثارش را درک کنید، باید دلهره حاکم بر آمریکا را تجربه کرده باشید.»

هیوبرت سلبی جونیور به سال ۱۹۲۸ در بروکلین نیویورک به دنیا آمد. در پانزده سالگی از مدرسه اخراج شد و دریانوردی پیشه کرد. کمی بعد مبتلا به سل شد و دکترها به او گفتند که یک سال بیشتر زنده نمی ماند. او را در آلمان از کشتی پیاده کردند و به آمریکا فرستادند. پس از آن در بیمارستان بستری شد و دکترها مجبور شدند یکی از ریه هایش را بردارند و همین عمل جاننش را نجات داد. او به این خاطر که بیمار بود و کم تجربه، نتوانست شغلی پیدا کند و بیشتر اوقاتش را در خانه در بستر بیماری می گذراند. همسرش در یک فروشگاه کار می کرد و مخارج زندگی شان را تامین می کرد. یکی از دوستان دوران کودکی سلبی که نویسنده بود، ترغیبش کرد که داستانی بنویسد. سلبی هم که به خاطر بیماری اش هیچ درآمدی نداشت تصمیمش را گرفت.

او که تحصیلات آکادمیک نداشت، با نثری آزاد و بی تکلف از دنیای غمگین و خشنی نوشت که در دوران جوانی با آن دست و پنجه نرم کرده بود. در سال ۱۹۶۴ نخستین رمانش «آخرین خروجی به بروکلین» را منتشر کرد که بسیار مورد توجه واقع شد و کسانی مثل آلن گینز برگ و آنتونی برجس از او تمجید کردند. دومین رمانش «اتاق» را در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد. بر این رمان هم نقدهای مثبتی نوشته شد. کتاب راجع به قاتل دیوانه ای است که در سلول انفرادی حبس شده و خاطرات ناخوشایند گذشته اش را به یاد می آورد. خود سلبی این کتاب را آزاردهنده ترین کتابی که تا حالا نوشته شده خوانده و یک بار هم گفته که خودش بعد از بیست، سی سال حاضر به دوباره خواندنش شده. در سال ۱۹۷۸ مشهورترین رمانش «مرثیه ای برای یک رویا» را نوشت که دوازده سال بعد دارن آرونوفسکی فیلمی براساس آن ساخت. خود سلبی در نگارش فیلمنامه همکاری کرد و در نقش کوتاهی هم جلوی دوربین ظاهر شد. او در اواخر عمر از افسردگی رنج می برد و بالاخره در سال ۲۰۰۴ درگذشت. کتاب «ترانه برف خاموش» (منتشر شده به سال ۱۹۸۶) تنها مجموعه داستانی است که سلبی در طول عمرش منتشر کرد.

داستان های این مجموعه طی بیست سال نوشته شده اند و بعضی هاشان نقطه شروع رمان هایش بوده اند. مثلاً داستان «صدا» در این مجموعه مبنای رمان «اتاق» بوده است. از آنجایی که فاصله زمانی بسیاری بین نگارش داستان های این مجموعه وجود داشته، داستان ها از نظر سبک و مضمون بسیار متنوع اند ولی اسم اکثر شخصیت اصلی داستان ها هری است.

متأسفانه در کتاب مشخص نشده که هر داستان مربوط به کدام دوره کاری سلبی است. کتاب های دیگر او عبارتند از: «هریمن»، «درخت بید و دوران انتظار».

«ترانه برف خاموش» نخستین کتابی است که از این نویسنده آمریکایی در ایران منتشر می شود.

برگرفته از مقدمه «ترانه برف خاموش» که پیش از انتشار این کتاب توسط مترجم در اختیار کتاب هفته قرار گرفته است



## روایت اول شخص

### یادداشت های شاعرانه

■ نرگس رجایی؛ شاعر



اخیرا مجموعه شعرم با عنوان «هنوز زن بودم» با گذشت کمتر از شش ماه از انتشار به چاپ دوم رسید. این مجموعه گزیده ای از اشعار سه مجموعه پیشین من در قالب سپید، همراه سروده های جدید و چند سروده نیمایی است که توسط نشر تکا در ۱۸۳ صفحه منتشر شده است. اما این روزها مشغول گردآوری مجموعه اشعار جدیدم هستم که تا اواخر امسال منتشر خواهد شد. مضمون این سروده ها نیز مانند مجموعه شعرهای قبلی ام اجتماعی و عاطفی اند. البته در زمینه مضامین مذهبی و دفاع مقدس نیز تجربه هایی دارم.

تاکنون ۸۰ قطعه شعر برای این مجموعه در نظر گرفته ام و تصمیم دارم تعداد قطعات آن را به صد برسانم. چند نام مختلف برای این کتاب در نظر گرفته ام اما هنوز عنوان قطعی آن را انتخاب نکرده ام. از سوی دیگر، در صدم تا مجموعه یادداشت ها و مقالاتی را که در روزنامه ها و نشریات گوناگون در زمینه مسائل فرهنگی و بیشتر با گرایش شعر منتشر کرده ام، در کتابی که مضمون یادداشت گونه را داشته باشد، منتشر کنم اما عنوان و ناشر این مجموعه را نیز هنوز انتخاب نکرده ام.

### کتاب های در مانگر

■ عظیم محمود زاده شیرازی؛ پژوهشگر

این روزها، نگارش کتابی را که پژوهشی در زمینه طب سنتی است به پایان رسانده ام. این کتاب در ۵۰۰ صفحه به یافتن بقایای طب کهن جندی شاپور اختصاص دارد. در ابتدا عنوان «قانونی دیگر در طب» را برای آن برگزیده بودم اما ناشر با این نام موافقت نکرد و در نظر دارد کتاب را با نام «راز سلامتی با طب سنتی» منتشر کند.

می توان گفت در این کتاب تحقیقی میدانی از آنچه از طب جندی شاپور در منطقه خوزستان به ویژه شهرستان دزفول به جا مانده گردآوری شده است. این کتاب را برای انتشار به نشر عقیل سپرده ام و به زودی منتشر می شود.

کتاب دیگری نیز در زمینه روان شناسی در دست انتشار دارم. این کتاب درباره درمان بیماری ها بدون استفاده از دارو است و عنوان آن «معنا درمانی به سبک ایرانی» است. در این کتاب، به رهایی از بیماری ها با به کار بردن روش هایی در زندگی که حول محور معناگرایی، برداشت معنوی و تغییر نوع نگاه از زندگی است، پرداخته شده است.

«معنا درمانی به سبک ایرانی» را انتشارات رسانه تخصصی منتشر خواهد کرد و در حال حاضر، این کتاب مراحل برنامه ریزی برای انتشار را طی می کند. همچنین، کتاب دیگری با عنوان «درمان بدون دارو» را در دست نگارش دارم که بنا بر تشویق و توصیه های انتشارات رسانه تخصصی این کار را آغاز کردم.

بعد از نگارش «تشخیص بیماری ها از طریق چهره»، این ناشر پیشنهاد تالیف این کتاب را به من داد. نگارش «درمان بدون دارو» هنوز به اتمام نرسیده و شامل روش های درمانی ساده، کم خرج

و معمول برای درمان بیماری ها بدون استفاده از هیچ دارویی است. این کتاب را برای انتشار با توجه به موقعیت ناشر، به نشر یادواره یا به نشر رسانه تخصصی خواهم سپرد.

### اسطوره هایی با هویت ایرانی

■ آرمان آرین، نویسنده



این روزها جلد دوم سه گانه اشوزدنگه با عنوان «اهریمنان یکه تاز» در انتظار مجوز نشر و جلد سوم آن در دست تالیف است. جلد

چهارم که پیوست این سه جلد است نیز در نوبت دریافت مجوز است. پیش تر جلد نخست این مجموعه با عنوان «اشوزدنگه: اسطوره هم اکنون» توسط نشر موج در تیرماه ۱۳۸۷ منتشر شده بود. «اشوزدنگه» یک نام کهن ایرانی است که در اوستا و کتاب های پهلوی از آن نام برده شده و من با تالیف این کتاب، سعی دارم اسطوره ای جدید را با اتکا به ویژگی های این شخصیت خلق کنم. شخصیتی اسطوره ای با قدمت شش هزار سال که از سیلک کاشان تا تهران امروز تمام تاریخ را تجربه می کند و هنوز این شخصیت اسطوره ای زنده است. به عبارت دیگر، این رمان روایتی غیرتاریخی از کل تاریخ ایران است. یعنی ضرب زمانی غیر خطی میان فصل های کتاب وجود دارد. سه کتاب دیگر با عنوان های «سپنتامینو»، «نویسنده ای در برزخ» و «کابوس باغ سیاه» را نیز در دست انتشار یا نگارش دارم.

«سپنتامینو» به معنی روح پاک، روایتی ایرانی از داستان فرشتگان است که از سوی انتشارات ایران بان منتشر می شود.

«نویسنده ای در برزخ» داستان اسطوره ای و ماورایی با نگاهی جدید و ایرانی و «کابوس باغ سیاه» رمان بلند ویژه نوجوانان با بن مایه های اسطوره ای اما در ژانر وحشت نیز در دست نگارش اند.

سه گانه «پارسیان و من»، بیان کننده افسانه اسطوره و تاریخ است که در نگارش آن از شاهنامه فردوسی و متون کهن ایرانی الهام گرفته ام. این کتاب تاکنون به چاپ نهم رسیده است.

«دین های ایران زمین» عنوان کتابی تحقیقی درباره دین های موجود در سرزمین ایران به روایت تاریخ است که توسط نشر افق منتشر می شود. در حال حاضر این کتاب منتظر دریافت مجوز است.

حدود یک دهه روی این کتاب ۱۵۰ صفحه ای کار کرده ام. ادیان پیش از زرتشت، زرتشت، اسلام و به ویژه اسلام شیعی، همچنین اقلیت های دینی در این کتاب بررسی شده اند و در نگارش آن از کتاب های بسیاری مانند کتاب های مقدس، کتاب های تاریخی، مذهبی، اسطوره ای و آماری به عنوان منبع استفاده کرده ام.

به باور خودم، مجموعه آثار من رده بندی سنی ندارد و از ۱۴ سال به بالا می توانند از این کتاب استفاده کنند. علت این امر نثری است که در کتاب هایم به کار می گیرم چرا که ضمن دقت در نگارش ادبی، انگیزه اصلی ام یعنی بیان واقعیت های موجود در تاریخ را به زبانی ساده و به دور از پیچیدگی های ساختگی با عیان کردن زیبایی های نهفته در تمدن و فرهنگ ایرانی و با نگاهی امروزی می نویسم.

رمان های من نیز کتاب های تاریخی نیستند. کودکان امروز با سینما، ماهواره، اینترنت و تمام تکنولوژی های روز آشنایی دارند و رمان های مهیج و سرگرم کننده روز را می خوانند. در حالی که اطلاعات عمومی آنها روز به روز افزون تر می شود اما این اطلاعات برای آنها بومی سازی و فرهنگ سازی نمی شود. در این کتاب ها سعی کرده ام زبانی را به کار گیرم که به نیاز خواننده امروزی پاسخ دهد. گنج هایی بسیاری در تاریخ ما

نهفته و من در کتاب هایم سعی کرده ام به تمام جنبه های تاریخی و فرهنگی این گنج ها در زیر لایه های داستان هایم بپردازم.

### ترجمه های سینمایی

■ مجتبی پورمحسن، مترجم



به تازگی چند کتاب از من منتشر شده؛ یکی کتابی از کورت وونه گات، نویسنده آمریکایی است با نام «مردی بدون کشور». این کتاب شامل مجموعه مقالات این نویسنده

ضد جنگ آمریکایی است که با ترجمه من توسط انتشارات هزاره سوم اندیشه به چاپ رسیده است. مجموعه مقالات این کتاب در نشریه اینترنتی «in these time» منتشر شده بود.

وونه گات در این کتاب به شدت از سیاست های دولت جورج بوش، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا انتقاد کرده و نگرانی شدیدش را از آینده جهان، مسائل زیست محیطی و صلح جهانی مطرح می کند.

کتاب دیگرم ترجمه گزیده ای از اشعار ریموند کارور، دیگر نویسنده آمریکایی است. این کتاب با عنوان «انگشتان پا» منتشر خواهد شد و سی قطعه شعر از این نویسنده و شاعر را دربرمی گیرد. این نخستین بار است که سروده های کارور به فارسی ترجمه و در ایران منتشر می شوند. ایرانیان بیشتر کارور را به عنوان داستان نویس می شناسند در حالی که خود او بیش از آن که در نویسندگی تلاش کند، سعی داشته در عرصه شعر موفق شود.

«تانگوی تک نفره» نیز عنوان سومین مجموعه شعر من است که اخیرا از سوی انتشارات هزاره سوم اندیشه منتشر شد. این مجموعه شامل ۳۵ قطعه شعر سروده شده در سال های ۸۲ تا ۸۷ در قالب آزاد و با مضامین عاطفی و تنهایی انسان است. هفته گذشته، نخستین رمانم نیز با عنوان «بهار ۶۳» توسط نشر چشمه منتشر شد. این رمان یکصد صفحه ای، تک گویی ذهنی شخصیتی به نام فرزین است که با رنجی منحصر به فرد، زندگی و روابط شخصی اش را مرور می کند تا در دادگاهی یک نفره خودش را محکوم کند.

اما این روزها مشغول نگارش رمان دومم با عنوان «آلبوم خانوادگی» هستم. این رمان فضای پست مدرنی دارد و تلاش دارم در رمان هایم از نوشتن داستان های ماجراجویانه و پرحادثه اجتناب کنم، به عبارت دیگر داستان های من زبانی واقع گرایانه و ذهنی دارند.

همچنین، کتاب دیگری از من با نام «این گروه خشن» تالیف و ترجمه ای درباره سینمای وسترن، توسط انتشارات هزاره سوم اندیشه در دست انتشار است. از همین مجموعه، تالیف و ترجمه کتابی درباره «سینمای نوار» را به پایان رسانده ام اما هنوز عنوانی برای آن انتخاب نکرده ام.

«نوشتن سرنوشت من است» نیز عنوان کتابی ۶۰۰ صفحه ای و شامل مجموعه ای از گفت و گوهای مختلف با نویسندگان، شاعران و نمایشنامه نویسان مطرح جهان است که تا پاییز امسال منتشر می شود. پیش تر گردآوری این کتاب را از منابع گوناگون انجام داده ام و در آن گفت و گوهای مطبوعاتی با نویسندگانی چون ایزابل آلتنده، جان آپدایک، پیت هانتز، کورت وونه گات و هارولد پینتر وجود دارد.

تالیف و ترجمه کتابی درباره سینمای کمدی را نیز در دست دارم. همچنین در آینده ای نزدیک ترجمه مجموعه اشعار هارولد پینتر، نمایشنامه نویس منتقد سیاست های دولت آمریکا را با عنوان «خدا به آمریکا برکت دهد» با همکاری نشر چشمه روانه بازار کتاب خواهم کرد. این مجموعه ۱۹ قطعه شعر را شامل می شود. پینتر سروده های زیادی ندارد و تعداد کل شعرهایش چیزی در همین حدود است.

### یادداشت

عبدالملی دستغیب نویسنده و منتقد



### نظریه ها: آفت نقد امروز



شاید بتوان گفت وضعیت نقد ادبی نسبت به گذشته بهبود یافته و روزنامه ها و مجلات ادبی البته با فاصله های زمانی طولانی، آثار نویسندگان و شاعران را

توسط ناقدان پیشکسوت و جدید این عرصه حلاجی می کنند. اما وضعیت بهتر، نقد از نظر کیفیت و کمیت با چالش هایی نیز روبه رو است. در ایران اغلب ناقدان در نقدهای خود از نظریه پردازی های مدرن استفاده می کنند و ساختمان آثار، شخصیت پردازی و انواع و اقسام بیان های مجازی اثر را به چالش می کشند، این مهم ترین نقادی است که می توان به این به اصطلاح نقدها وارد کرد. حال آن که نظریه پردازی خود مطلبی است و نقد ادبی مطلبی دیگر. نقد ادبی آن گونه ای است که نوعی فن، کندوکاو و تحلیل نسبت به اثر مکتوب منتشر شده به کار گرفته می شود. بر این اساس ناقد تمام توجه خود را باید معطوف آن اثر کند و در گر گشایی و نشان دادن عیوب ساختاری و معنایی اثر موثر باشد. گرچه نگارش این نوع نقد دشوار است اما در کشور ما کم نیستند افرادی جوان و نوقلم که توانایی نگارش چنین نقدهایی را دارند و در گذشته نیز بزرگانی چون عبدالحسین زرین کوب، پرویز ناتل خانلری، پرویز داریوش و خیره زاده چنین نقدی می کردند. اما یادمان باشد نظریه پردازی تکنیکی فلسفی و نقد ادبی تکنیکی کاربردی است. افراد نظریه پرداز در زمینه های گوناگون فلسفه، علوم و هنر باید به چند زبان زنده دنیا مسلط باشند و در یکی از شاخه های علمی صاحب نظر. این افراد باید در نظریه های موجود تردید کنند و نظریه ای تازه بیآورند. در این روزگار جامعه ادبی ایران چنین نظریه پردازی ندارد.

اما دیگر چالش حوزه نقاد ادبی به نقادان گان بازمی گردد. تاکنون ندیده و نشنیده ام که نویسنده یا شاعری از نقد استقبال کرده باشد. همگان به نوعی منتظر تحسین هستند، دوست دارند بشنوند که حافظ ثانی اند و در صورت شنیدن هر نظر مخالفی معترض می شوند؛ خیلی خوددار باشند، چیزی نمی گویند و پس از آن دیگر در محافل نقاد ادبی شرکت نمی کنند. جامعه ما هنوز فرهنگ نقد پذیری را نیاموخته و در این باره هیچ شکلیابی ندارد. از دیگر سو محفل و پایگاه مستمر ایده آلی برای نقد نداریم. برای فرهنگی شدن فضای جامعه و حرکت همزمان با دنیا نه تنها در زمینه ادبی بلکه در زمینه های علمی، سیاسی و اجتماعی، کتاب ها باید در یک محفل علمی سنجیده و محک زده شوند. به امید روزی که برپایی محافل گسترده و پر بار نقد ادبی را شاهد باشیم.

### انتشارات دایره المعارف ایران شناسی سیلاب



گزیده اشعار بتول مومن

با مقدمه ای به قلم پروفسور سید حسن امین

۶۰۰۰۰ ریال / ۲۰۰۰ ن

۰۹۳۵۲۱۷۹۰۱۱ - ۲۲۶۰۳۷۳۵